

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهری‌ها را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاخص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیارتان قرار می‌گیرد.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعاً برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - پارسال دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلاً همچین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ... با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

## معرفی و سوابق علمی و آموزشی

ابوذر احمدی پُرگو؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)  
۱۷ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراح سوالات نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراح سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

**\*توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان غیر کنکوری و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار تومان و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را با کمترین هزینه تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

مهر ماه ۱۴۰۰

## دانش آموزان عزیز سلام

جزوه پیش روی شما بدون شک کامل ترین، زیباترین و کارآمدترین جزوه‌ای است که برای عروض و قافیه تالیف شده است. با مطالعه جزوه درمی‌یابید برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. حساسیت بنده در زیبایی منابع درسی دانش آموزان، باعث شد کلمه به کلمه جزوه را به طور مجزا رنگ‌بندی کنم. در تمام صفحات جزوه حرکت‌گذاری اصطلاحات عروضی همچون «فاعلاتن، مُستَفَعِلُن و ...» رعایت شده است تا این اصطلاحات را به طور دقیق و درست و راحت یاد بگیرید. در تمام مثال‌هایی که تقطیع شده‌اند، مابین حروف کلمات، خط کشیده آمده است تا کلمات و حروف از همدیگر تفکیک شوند. مشخص است که این کار بسیار زمان‌بر فقط برای این منظور انجام شد که شما با جزوه‌ای زیبا، مطالب را بهتر یاد بگیرید. این جزوه - و دیگر جزوات بنده - حاصل چندین سال تحصیل بنده در مقاطع عالی دانشگاهی و همچنین ۱۷ سال تدریس بنده در کلاس‌های کنکور است. لذا این اطمینان را به شما می‌دهم، در صورت مطالعه جزوه و مشاهده فیلم‌های آموزشی، قطعاً و حتماً عروض و قافیه را یاد خواهید گرفت. نکته دیگر اینکه هم در جزوه و هم در درس‌نامه ویدیویی، تدریس به صورتی بوده است که عروض سمعی را نیز یاد بگیرید و این شاء الله و به امید خدا یاد خواهید گرفت. بدون شک عروض و قافیه مهم‌ترین و ضروری‌ترین مبحث ادبیات اختصاصی است و برای آموختن آن باید تلاشی درخور داشته باشید. توصیه می‌شود حتماً تمرین‌های کتاب را انجام دهید و سپس جواب آن را در جزوه ببینید. از عروض سمعی غافل نشوید و با تکرار مطالب آموخته‌های خود را تثبیت کنید.

## فهرست مطالب

..... ۵	فصل اول: کلیات .....
..... ۸	فصل دوم: انواع واج و هجا .....
..... ۲۴	فصل سوم: درست خواندن .....
..... ۳۰	فصل چهارم: درست نوشتن (خط عروضی) .....
..... ۴۰	فصل پنجم: تقطیع هجایی .....
..... ۵۲	فصل ششم: تقسیم به ارکان عروضی یا وزن‌واژه‌ها .....
..... ۶۷	فصل هفتم: انواع وزن (همسان تک لختی، همسان دولختی و ناهمسان).....
..... ۸۰	فصل هشتم: اختیارات شاعری (اختیارات زبانی و وزنی) .....
..... ۱۰۹	فصل نهم: نامگذاری اوزان .....
..... ۱۱۸	فصل دهم: قافیه .....
..... ۱۲۵	تست جامع و جمع‌بندی .....

## عروض

## فصل اول: مقدمه

۱	علم شناخت وزن شعر را عروض می‌گویند.
۲	عاطفه، اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.
۳	شاعر برای انتقال عاطفه از زبان بهره می‌گیرد.
۴	پس از عاطفه، مهم‌ترین و موثرترین عامل «وزن» است.
۵	وزن جزء طبیعی شعر است و جنبه‌ی تزئینی ندارد.
۶	تأثیر وزن بر انتقال پیام یا احساس و عاطفه غیر انکار است.
۷	حتی کتب مقدس نیز از این امتیاز (وزن) بهره برده‌اند.
۸	«وزن» آشکارترین ابزار موسیقی شعر است.
۹	تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت کلام و اثرگذاری آن می‌افزاید. مثلاً: اگر قرار است از مطلبی شاد سخن بگوئیم، بهتر است وزنی تند و ضربی انتخاب کنیم. اگر قرار است اندوهی را بیان کنیم، از وزنی آهسته بهره می‌گیریم.
۱۰	توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.
۱۱	تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
۱۲	وزن، ادراکی است که از احساس یک نظم مشخص حاصل می‌شود. مثل حرکت منظم چرخش لاستیک دوچرخه یا یک آب‌نمای موزیکال و یا حتی پختن نان توسط نانوايان.
۱۳	وسیله ادراک وزن، حواس پنجگانه هستند. در شعر این حس، بر عهده‌ی حس شنوایی است.
۱۴	در واقع وزن یک شعر، تکرار منظم پایه‌های آوایی است که گوش، آن نظم را در می‌یابد و لذت می‌برد.
۱۵	«علم عروض» علم شناخت کمیت و کیفیت این پایه‌های آوایی است. مثلاً بتوانیم تشخیص بدهیم هر مصراع بیت زیر، از چهار بار تکرار پایه آوایی «فَعولُن» ساخته شده است.

زِ بامی که برخاست، مشکل نشیند  
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

یا تشخیص بدهیم ابیات زیر از کدام پایه‌های آوایی ساخته شده‌اند.

خواب بودی که لبت بوسیدم فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن	قند دزدی چه قدر شیرین است! فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعیلُ فَاعِلُن	گاهی بهانه‌ای است که قربانیات کنند مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعیلُ فَاعِلُن
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم مَفَعولُ مَفَاعیلُ مَفَاعیلُ فَعولُن	گرگ دهن‌آلوده‌ی یوسف ندیده مَفَعولُ مَفَاعیلُ مَفَاعیلُ فَعولُن

علم عروض به ما یاد می‌دهد که با شنیدن هر بیتی، وزن آن را تشخیص بدهیم.

برای تشخیص وزن یک شعر دو راه وجود دارد: ۱- شنیداری و سمعی ۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض)

۱- شنیداری و سمعی: حالتی است که با شنیدن شعر، وزن آن را می‌گوئیم.

ما به تو یکباره مقید شدیم      مرغ به دام آمد و ماهی به شست  
مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ      مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض): حالتی است که با تقطیع شعر به هجاهای کوچک و دسته‌بندی آن‌ها و انجام چند عمل دیگر، به وزن شعر می‌رسیم. این روش زمان بیشتری نیاز دارد ولی کم‌تر خطاپذیر است.

در روش استفاده از تقطیع، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

۱- درست خواندن شعر: ما به تو یکباره مقید شدیم

۲- نوشتن به خط عروضی: ما ب ت یک بار مقید شدیم

۳- تقطیع هجایی:      ما ب ت یک      با ر م قی      ید ش دیم

۴- علامت‌گذاری هجایی:      - U U -      - U U -      - U -

۵- تقسیم به پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) و نوشتن معادل آن‌ها: مُفْتَعِلُنْ      مُفْتَعِلُنْ      فاعِلُنْ

۶- اعمال اختیارات شاعری

۷- دسته‌بندی اوزان

۸- نام‌گذاری اوزان

توجه: مورد ۶ گاه زودتر از مورد ۵ اعمال می‌شود.

به نظر شما کدام روش بهتر و مطمئن‌تر است؟ سمعی یا عروضی؟

هر کدام از این روش‌ها حُسن و عیب خاص خود را دارند. مثلاً سمعی، زودتر به وزن می‌رسیم، ولی امکان اشتباه بیشتری وجود دارد و در روش تقطیع هجایی دیرتر به جواب می‌رسیم، ولی جواب دقیق‌تر است.

توجه: برای کنکور ناچارید که از روش سمعی استفاده کنید ولی توصیه می‌شود دانش‌آموز هر دو روش را یاد بگیرد و از هر دو استفاده کند. به این صورت که با روش سمعی وزن را خیلی سریع تشخیص دهد و سریعاً با روش عروضی، وزن تشخیص داده شده را بررسی کند. بنابر این، هم اوزان را تمرین و تکرار کنید تا در روش سمعی مهارت یابید و هم، درس‌نامه عروض را خوب بخوانید تا یک روش مطمئن را هم، یاد گرفته باشید.

توجه: اگر تست به صورتی بود که یک بیت آورده بود و از آن چند سوال مطرح کرده بود، سعی کنید از روش تقطیع استفاده کنید. ولی اگر هر گزینه به بیت وجود داشت قطعاً باید از روش سمعی استفاده کنید.

۱- کدام گزینه درست است؟

(۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن و آهنگ است.

(۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است.

(۳) بدون ردیف، کم‌تر می‌توان عواطف را برانگیخت.

(۴) وزن در شعر، جنبه‌ی تزئینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

## ۲- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بعد از وزن، عاطفه مهم‌ترین عامل و مؤثرترین عنصر در تأثیر موسیقایی شعر است.
- (۲) عاطفه‌ی شاعر، امری حسّی است که ما آن را از احساس نظم در یک شعر درک می‌کنیم.
- (۳) وزن در شعر جنبه‌ی تزئینی دارد و علت محبوبیت شعر، برانگیخته‌شدن عواطف آدمی است.
- (۴) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

## ۳- با توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) خروشی برآمد ز ایران سپاه
  - (۲) سپهی بود جوانی که شکست
  - (۳) سواری فرستیم نزدیک شاه
  - (۴) همه برگرفتند با او خروش
- ز سر برگرفتند گردان کلاه  
پیری امروز برانگیخت سپاه  
بدان تا به راه آیدت نیم راه  
زمین پُرخروش و هوا پُر ز جوش

## ۴- کدام بیت از نظر آهنگ و موسیقی (وزن یا ریتم) با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) هر که در او گوهر دانایی است
  - (۲) عمر برف است و آفتاب تموز
  - (۳) دفتر افلاک‌شناسان بسوز
  - (۴) ای همه هستی ز تو پیدا شده
- بر همه کاریش توانایی است  
اندکی ماند و خواجه غره هنوز  
دیده خورشیدپرستان بدوز  
خاک ضعیف از تو توانا شده

## ۵- حال و هوای حاکم بر فضای کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) مطربان گویی در آوازند و مستان در سماع
  - (۲) گفتند باری کم گری تا کم نگردد مبصری
  - (۳) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن‌کشان
  - (۴) یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
- شاهدان در حالت و شوریدگان در های و هوی  
که چشم نابینا شود چون بگذرد از حد بکاء  
بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما  
غم‌خواره یاران شد تا باد چنین بادا

## ۶- در کدام بیت، شاعر به کمک وزن و آهنگ کوتاه، ضربی و تند، بار حماسی شعر را غنی‌تر کرده است؟

- (۱) مرا دلی است که دائم به یاد لعل لب
  - (۲) مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
  - (۳) کز آن نامور، تیر بیرون کشید
  - (۴) گنج لطفی و چون تویی حیف است
- به گرد ساقی و جام شراب می‌گردد  
نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود  
همه تیر تا پُر، پُر از خون کشید  
خیمه بر این دل خراب زده

## فصل دوم: انواع واج و هجا

به تجزیه‌ی هجایی واژه‌ی «سَخَاوَتَمَنَد» توجه کنید.

مَد	وَت	خَا	سَ	الگوی هجایی
م - ن د	و - ت	خ ا	س -	الگوی واجی

واژه‌ی «سَخَاوَتَمَنَد» از ۴ هجا تشکیل شده است و هر هجا نیز به ترتیب از ۲، ۲، ۳ و ۴ واج ساخته شده‌اند.

**واج:** کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. و به دو نوع **صامت** و **مصوّت** تقسیم می‌شود.

**صامت:** واج‌های بی‌صدا هستند که در زبان فارسی ۲۳ مورد می‌باشند. (ء - ع)، ب، پ، (ت - ط)، (س - ث - ص)، ج، چ، (ح - ه)، خ، د، (ذ - ز - ض - ظ)، ر، ژ، ش، (غ - ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی.

**مصوّت:** واج‌های صدادار هستند که در زبان فارسی ۶ مورد می‌باشند و در ۲ دسته جای می‌گیرند.

مصوّت کوتاه: \_\_\_\_\_ (سَر - دِل - گُل)

مصوّت بلند: ا، و، ی (با - بو - بی)

**نکته مهم:** «ا، و، ی» هم می‌توانند صامت باشند و هم مصوّت بلند. زمانی **مصوّت بلند** محسوب می‌شوند که:

اولاً؛ **واج دوم هجا باشند** (مصوّت نمی‌تواند اولین واج هجا باشد).

ثانیاً؛ **صدایی کشیده داشته باشند.** مثلاً حروف مشخص شده در کلمات زیر، مصوّت بلند نیستند و صامت می‌باشند.

آسب (ا)                      مِیل (ی)                      وَقْت (و)

### نکات بسیار مهم:

۱ - حرف، نمود نوشتاری زبان و واج، نمود آوایی زبان است. مثلاً «دِرَخت» ۴ حرف و ۶ واج است.

۲ - «ی، ی» هم می‌تواند صامت باشد (صید) و هم مصوّت بلند (سیب)

۳ - «و» چندین حالت دارد.

مصوّت کوتاه است. تو ← ت

مصوّت بلند است. سود ← سود

صامت است: وَقْت ← وَقْت

هم مصوّت کوتاه است و هم صامت: نو ← ن و

نه صامت است و نه مصوّت (واج نیست و خوانده نمی‌شود): خواهر ← خَاهَر

۴ - «ا» هم می‌تواند صامت همزه «ء» باشد (آبر) و هم مصوّت بلند (یار)

### انواع هجا

الگوی هجایی زبان فارسی ۶ نوع است که در ۳ دسته کوتاه، بلند، کشیده جای می‌گیرند:

صامت + مصوّت کوتاه: تو (ت)، به (ب)، نَد، دو = دُ (عدد)	کوتاه (U)	انواع هجا
صامت + مصوّت بلند: ما، بو، سی	بلند (—)	
صامت + مصوّت کوتاه + صامت: سَر، دِل، گُل		
صامت + مصوّت بلند + صامت: کار، بود، سیب		
صامت + مصوّت بلند + صامت + صامت: کاشت، دوست، بیست	کشیده (U—)	
صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت: رَفْت، گُفْت، زِشت		



**چند نکته مهم در مورد الگوهای هجایی**

- ۱- اولین واج هر هجا حتماً صامت است. (هیچ هجایی با مصوت شروع نمی‌شود، چه مصوت کوتاه، چه مصوت بلند)
- ۲- دومین واج هر هجا حتماً مصوت است.
- ۳- در هیچ هجایی بیش از یک مصوت وجود ندارد.
- ۴- هیچ‌گاه ۲ مصوت در کنار هم قرار نمی‌گیرند.
- ۵- مصوت‌های بلند از نظر آوایی ۲ برابر صامت‌ها یا مصوت‌های کوتاه، امتداد دارند.
- ۶- هجای کوتاه و بلند را با مصوت کوتاه و بلند اشتباه نگیرید.

**به الگوی هجایی و واجی واژگان زیر توجه کنید:**

نجات	الگوی هجایی	ن		جا		بَت	
	الگوی واجی	ن	ـ	ج	ا	ب	ـ
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	کوتاه		بلند		بلند	
		U		—		—	

**توجه:** مثال فوق نکته‌ی خاصی نداشت و بر مبنای الگوهای هجایی، هجابندی شد. اکثر مواقع همینطور است و نکته خاصی وجود ندارد. ولی گاه باید به نکاتی دقت کرد.

**نکات بسیار مهم: در هر یک از تقطیع‌های هجایی زیر یک نکته‌ی مهم وجود دارد.**

معلم	الگوی هجایی	م		عل		لم	
	الگوی واجی	م	ـ	ع	ـ	ل	ـ
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	کوتاه		بلند		بلند	
		U		—		—	

**نکته مثال فوق:** واجی که تشدید داشته باشد، ۲ بار نوشته می‌شود. چون ۲ بار تلفظ می‌شود.

خواهر	الگوی هجایی	خا		هر	
	الگوی واجی	خ	ا	هـ	ـ
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	بلند		بلند	
		—		—	

**نکته مثال فوق:** حرفی که تلفظ نشود، نوشته نمی‌شود.

خانه	الگوی هجایی	خا		ن	
	الگوی واجی	خ	ا	ن	ـ
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	بلند		کوتاه	
		—		U	

**نکته مثال فوق:** «ه» غیر ملفوظ (ناخوانا) به صورت مصوت کوتاه «هـ» نوشته می‌شود. «ه» ملفوظ را می‌توانیم با

افزودن «ی» به آخر کلمه تشخیص بدهیم. ده ← دهی (ملفوظ)، میوه ← میوه‌ای (غیر ملفوظ)

**توجه:** «ه» در کلماتی مانند: ره، چه، شه، مه، گه و ... که مخفف راه، چاه، شاه، ماه، گاه و ... می‌باشند، ملفوظ است.

**توجه:** «ه» در بن مضارع یا افعال امری همچون: بده، بجه، بنه و ... ملفوظ است.

**چند نمونه «ه» غیر ملفوظ:** ستاره، ترانه، لانه، خانه، طاقه، رابطه، زاغه، دستگیره، هنرکده، تابه، به، که، چه و ....



الگوی هجایی	مَ	سا	ثُل
الگوی واجی	مَ -	س   ا	ء - ل
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه U	بلند -	بلند -

مسائل

نکته مثال فوق: همزه یک واج صامت است و واجهای آن به صورت فوق مشخص می‌شود.

از حالت‌های مختلف همزه نباید ترسید.

مؤمن		مسأله			هیئت	
مِن	مُؤ	لِ	ءَ	مَسْ	تَّت	هِي
م - ن	م - ء	ل -	ء -	م - س	ء - ت	ه - ی

الگوی هجایی	پی	مان
الگوی واجی	پ - ی	م ا ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند -	بلند -

پیمان

نکته مثال فوق: «ن» (نون ساکن) بعد از مصوت‌های بلند «ا، و، ی» در وزن حذف می‌شود و خوانده نمی‌شود، لذا هجاهای «بان، بون، بین» معادل هجاهای «با، بو، بی» به حساب می‌آیند. در واقع «ن» حذف نمی‌شود بلکه مصوت بلند کمی کوتاه‌تر از همیشه تلفظ می‌شود. یعنی «بان، بون، بین» چیزی شبیه «بن، بُن، بِن» تلفظ می‌شوند. (در این جزوه «ن» را هم به صورت حذف‌شده و هم به صورت حذف‌نشده در نظر گرفتیم)

الگوی هجایی	ب	یا	بان
الگوی واجی	ب -	ی ا	ب ا ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کوتاه U	بلند -	بلند -

بیابان

نکته مثال فوق: در واژه‌های «بیابان، سیاست، بیا، میان و...»، «ی» ۲ بار تلفظ می‌شود، در حالی که تشدید ندارد. در این گونه واژه‌ها، تلفظ را به صورت «بیابان، سیاست، بیا، میان و...» در نظر می‌گیریم. (در علم زبان‌شناسی این فرآیند را «فرایند واجی افزایش» می‌گویند).

الگوی هجایی	بِن	ثُل	حِی	دَر
الگوی واجی	ب - ن	ت - ل	ح - ی	د - ر
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند -	بلند -	بلند -	بلند -

بنت الحیدر

نکته مثال فوق: همان‌طور که گفتیم هجا مربوط به آن چیزی است که خوانده می‌شود، لذا در واژه‌ها و ترکیبات عربی (حتی فارسی) به این نکته باید توجه داشته باشید که هجاهایی را که می‌خوانیم، باید بنویسیم. نه آن‌چه که می‌بینیم.

شعشعه این خیال، زان رخ چون وَالضُّحَا بوی خوش این نسیم، از شکن زلف اوست

حَا		ضُ		وَض		الگوی هجایی
ا	ح	ـ	ض	ض	ـ	و
مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	صامت	صامت	مصوت کوتاه	صامت
بلند —		کوتاه U		بلند —		نوع هجا

ترکیبات دیگر:

وَاللَّهِ: وَل لاه

بیت النور: بی تُن نور

اناالحق: ا نل حَق

ترکیبات دیگر نیز همین‌طورند. یعنی آن‌گونه که می‌خوانیم هجاها را می‌نویسیم، نه آن‌گونه که می‌بینیم.

جان		لُ		دِ		الگوی هجایی
ا	ج	ـ	ل	ـ	د	د
مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	صامت	صامت
بلند —		کوتاه U		کوتاه U		نوع هجا

نکته مثال فوق: «واو» عطف (حسن و حسین) و ربط (گفت و رفت) و میانوند (جست و جو) به صورت مصوت کوتاه، برای واژه قبل خود در می‌آیند. (حسن حسین و گفت رفت و جست جو)

### تمرین

کلمات زیر را مانند نمونه‌های بالا تقطیع هجایی و واجی کنید. دقت داشته باشید که در هر یک از مثال‌های زیر نکته‌ای وجود دارد!

طلعت ، خطاپوش ، سرچشمه ، کیخسرو ، صبحگاهی ، عزتگه ، عرضه‌گه ، دست‌بند ، جهان‌بین ، زور‌آور ، غم‌انگیز ، انگشت‌نمایی ، نوآوری ، ستاره‌باران ، حق‌الناس ، سؤال‌برانگیز ، مأمن ، مآخذ ، مصطبه ، نئوپان ، شریعتی ، تغییر ، خویشتن‌داری ، دهکده ، زد و خورد ، خیال‌بافی ، جلال‌الدین ، شکرشکن ، پناهگاه ، استدعا ، مومیایی ، ضرورت ، بیابان‌گرد ، موجودی ، خونابه ، دهخدا ، محصل ، جورکشی ، گیسوان ، ابروان ، میوه‌ای ، عیسوی ، طبعگه ، آهوان ، مشعله ، غالیه ، نوبرانه ، عفوکردن ، اوضاع ، عودت ، رویایی ، مخموری ، معماً ، مُعمّم

، موالی ، داوود ، سیاوش

## طلعت

عَت	طَل	الگوی هجایی
ت — ع	ط — ل	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	نوع هجا
—	—	علامت هجا

## خطا پوش

پوش	طا	خَ	الگوی هجایی
ش پ و	ط ا	خ —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	بلند	کوتاه	نوع هجا
U —	—	U	علامت هجا

## سر چشمه

م	چش	سَر	الگوی هجایی
— م	چ — ش	س — ر	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
کوتاه	بلند	بلند	نوع هجا
U	—	—	علامت هجا

## کیخسرو

رُو	خُس	کِی	الگوی هجایی
و — ر	س — خ	ک — ی	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
—	—	—	علامت هجا

## صبحگاهی

هی	گا	صَبِح	الگوی هجایی
ی ه	گ ا	ص — ب ح	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	نوع واجها
بلند	بلند	کشیده	نوع هجا
—	—	U —	علامت هجا

## عزنگه

گه	زَت	عِز	الگوی هجایی
ه — گ	ز — ت	ع — ز	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
—	—	—	علامت هجا

عرضه گه

گه	ض	عَر	الگوی هجایی
گ _ ه	ض _	ع _ ر	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
_	U	_	علامت هجا

دست بند

بند	دست	الگوی هجایی
ب _ ن د	د _ س ت	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
کشیده	کشیده	نوع هجا
U _	U _	علامت هجا

جهان بین

بین	هان	جَ	الگوی هجایی
ب ی <del>ا</del>	ه ا <del>ا</del>	ج _	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
_	_	U	علامت هجا

زور آور

وَر	را	زو	الگوی هجایی
و _ ر	ا ر	و ز	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
_	_	_	علامت هجا

غم انگیز

گیز	مَن	غَ	الگوی هجایی
گ ی ز	م _ ن	غ _	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	بلند	کوتاه	نوع هجا
U _	_	U	علامت هجا

انگشت نمایی

یی	ما	نُ یا نَ یا نِ	گُشت	آن	الگوی هجایی
ی ی	م ا	ن _	گ _ ش ت	ء _ ن	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه	کشیده	بلند	نوع هجا
_	_	U	U _	_	علامت هجا

## نوآوری

الگوی هجایی	نُو	آ	و	ری
الگوی واجی	ن — و	ء ا	و —	ر ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	—	U	—

## ستاره باران

الگوی هجایی	سِ	تا	ر	با	ران
الگوی واجی	س —	ت ا	ر —	ب ا	ر ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	U	—	—

## حقّ النَّاسِ

الگوی هجایی	حَقّ	قُنّ	ناس
الگوی واجی	ح — ق	ق — ن	ن ا س
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	بلند	کشیده
علامت هجا	—	—	U —

## سؤال برانگیز

الگوی هجایی	سُ	ءال	بَ	رَنّ	گیز
الگوی واجی	س —	ء ا ل	ب —	ر — ن	گ ی ز
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کشیده	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	U —	U	—	U —

## مأمن

الگوی هجایی	مَاءَ	مَنْ
الگوی واجی	م — ء	م — ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند
علامت هجا	—	—

## مأخذ

الگوی هجایی	مَ	آ	خِذ
الگوی واجی	م —	ء ا	خ — ذ
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

مصطبه

بِ	طَ	مِص	الگوی هجایی
ب	ط	م	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	—	علامت هجا

نثوپان

پان	ءُ	نِ	الگوی هجایی
پ ا	ء	ن	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
بلند	کوتاه	کوتاه	نوع هجا
—	U	U	علامت هجا

شریعتی

تی	عَ	ری	شَ	الگوی هجایی
ت ی	ع	ر ی	ش	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	صامت	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	کوتاه	نوع هجا
—	U	—	U	علامت هجا

تغییر

ییر	تَغ	الگوی هجایی
ی ی ر	ت غ	الگوی واجی
صامت	صامت	نوع واجها
کشیده	بلند	نوع هجا
U —	—	علامت هجا

خویشتن داری

ری	دا	تَن	خیش	الگوی هجایی
ر ی	د ا	ت ن	خ ی ش	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	کشیده	نوع هجا
—	—	—	U —	علامت هجا

دهکده

دِ	کَ	دِه	الگوی هجایی
د	ک	د	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	—	علامت هجا



زد و خورد

خُرد	دُ	زَ	الگوی هجایی
خ — ر د	د —	ز —	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	کوتاه	کوتاه	نوع هجا
U —	U	U	علامت هجا

خیال بافی

فی	با	بال	خ	الگوی هجایی
ف ی	ب ا	ی ا ل	خ —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کشیده	کوتاه	نوع هجا
—	—	U —	U	علامت هجا

جلال الدین

دین	دُ	لا	جَ	الگوی هجایی
د ی	ل — د	ل ا	ج —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
—	—	—	U	علامت هجا

شگرشکن

گَن	شِ	گَر	شِک	الگوی هجایی
ک — ن	ش —	ک — ر	ش — ک	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	بلند	نوع هجا
—	U	—	—	علامت هجا

پناهگاه

گاه	ناه	پَ	الگوی هجایی
گ ا ه	ن ا ه	پ —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	کشیده	کوتاه	نوع هجا
U —	U —	U	علامت هجا

استدعا

عا	تَد	اِس	الگوی هجایی
ع ا	ت — د	س —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
—	—	—	علامت هجا

مومیایی

الگوی هجایی	مو	م	یا	یی
الگوی واجی	م و	م —	ی ا	ی — ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	—	U	—	—

ضرورت

الگوی هجایی	ض	رو	ری	یت
الگوی واجی	ض —	ر و	ر ی	ی — ت
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—	—

بیابان گرد

الگوی هجایی	ب	یا	بان	گرد
الگوی واجی	ب —	ی ا	ب ا	گ — ر د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	—	U —

موجودی

الگوی هجایی	مُو	جو	دی
الگوی واجی	م — و	ج و	د ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

خونابه

الگوی هجایی	خو	نا	ب
الگوی واجی	خ و	ن ا	ب —
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه
علامت هجا	—	—	U

دهخدا

الگوی هجایی	ده	خ	دا
الگوی واجی	د — ه	خ —	د ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

## مُحَصِّل

الگوی هجایی	مُ	حَص	صِل
الگوی واجی	م —	ح — ص	ص — ل
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

## جورکشی

الگوی هجایی	جُور	کِ	شی
الگوی واجی	ج — و ر	ک —	ش ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کشیده	کوتاه	بلند
علامت هجا	U —	U	—

## گیسوان

الگوی هجایی	گی	سُ	وان
الگوی واجی	گ ی	س —	و ا <del>ا</del>
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

## ابروان

الگوی هجایی	أب	رُ	وان
الگوی واجی	ء — ب	ر —	و ا <del>ا</del>
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

## میوهای

الگوی هجایی	می	وِ	ای
الگوی واجی	م ی	و —	ء ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

## عیسوی

الگوی هجایی	عی	سَ	وی
الگوی واجی	ع ی	س —	و ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

طبعگه

گه	طبع	الگوی هجایی
گِ    ـ    ه	ط    ـ    ب    ع	الگوی واجی
صامت    مصوت کوتاه    صامت	صامت    صامت    مصوت کوتاه    صامت	نوع واجها
بلند	کشیده	نوع هجا
ـ	U ـ	علامت هجا

آهوان

وان	هـ	آ	الگوی هجایی
و    ا    خ	هـ    ـ	ء    ا	الگوی واجی
صامت    مصوت بلند    صامت	صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت بلند	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
ـ	U	ـ	علامت هجا

مشعله

ل	ع	مَش	الگوی هجایی
ل    ـ	ع    ـ	م    ـ    ش	الگوی واجی
صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت کوتاه    صامت	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	ـ	علامت هجا

غالیه

ی	ل	غا	الگوی هجایی
ی    ـ	ل    ـ	غ    ا	الگوی واجی
صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت بلند	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	ـ	علامت هجا

نوبرانه

ن	را	بَ	نُو	الگوی هجایی
ن    ـ	ر    ا	ب    ـ	ن    ـ    و	الگوی واجی
صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت بلند	صامت    مصوت کوتاه	صامت    مصوت کوتاه    صامت	نوع واجها
کوتاه	بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	ـ	U	ـ	علامت هجا

عفو کردن

دَن	گَر	عَفو	الگوی هجایی
د    ـ    ن	گ    ـ    ر	ع    ـ    ف    و	الگوی واجی
صامت    مصوت کوتاه    صامت	صامت    مصوت کوتاه    صامت	صامت    صامت    مصوت کوتاه    صامت	نوع واجها
بلند	بلند	کشیده	نوع هجا
ـ	ـ	U ـ	علامت هجا

## اوضاع

ضاع	أُو			الگوی هجایی
ع ا ض	ء	و	ـُ	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت	مصوت کوتاه	صامت	نوع واجها
کشیده	بلند			نوع هجا
U	ـ			علامت هجا

## عودت

دَت	عُو			الگوی هجایی
ت د	ع	و	ـُ	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت	مصوت کوتاه	صامت	نوع واجها
بلند	بلند			نوع هجا
ـ	ـ			علامت هجا

## رویایی

یی	یا	رُو		الگوی هجایی
ی	ی	ر	و	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	بلند		نوع هجا
ـ	ـ	ـ		علامت هجا

## مخموری

ری	مو	مَخ		الگوی هجایی
ر	م	م	خ	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	بلند		نوع هجا
ـ	ـ	ـ		علامت هجا

## معماً

ما	عَم		م	الگوی هجایی
ا	م	ع	م	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه		نوع هجا
ـ	ـ	U		علامت هجا

## معمّم

مَم	عَم		م	الگوی هجایی
م	م	ع	م	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه		نوع هجا
ـ	ـ	U		علامت هجا

موالی

لی	وا	مَ	الگوی هجایی
ل ی	و ا	م	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
—	—	U	علامت هجا

داوود

وود	دا	الگوی هجایی
و د	د ا	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	نوع واجها
کشیده	بلند	نوع هجا
U —	—	علامت هجا

سیاوش

ووش	یا	س	الگوی هجایی
و ش	ی ا	س	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	بلند	کوتاه	نوع هجا
U —	—	U	علامت هجا

**\* توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار تومان و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را با کمترین هزینه تهیه کنید. این فیلمها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلمها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

۷- در چند واژه زیر حرف «ی» صامت است؟

«مینا و آسمان - میدان بزرگ - لایلا و مجنون - کریستال درخشان - یار غار - شمع آجین - یگه تاز - دیوان سالار - دو بیت شعر»  
 (۱) پنج (۲) شش (۳) چهار (۴) هفت

۸- تعداد هجاهای کدام مصراع بیشتر است؟

(۱) از کس طمع خام نداریم خوشیم (۲) به آزار فرمان مده بر رهی  
 (۳) می‌توانی به لطف دستم گیر (۴) بر ایشان سپهدار کرد آفرین

۹- به ترتیب در چند واژه، حرف «و» مصوت کوتاه و حرف «ی»، صامت است؟

«دوگانه - هاون - چهارپایه - موسی - سینا - دوستی - میدان - یادآوری»  
 (۱) یک - چهار (۲) دو - سه (۳) دو - چهار (۴) یک - سه

۱۰- عبارت «کشف آب در مریخ» چند واج دارد؟

(۱) پانزده (۲) شانزده (۳) هفده (۴) هجده

۱۱- تعداد واج‌های مصراع «آن کس که تو را خواست نیاسود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) بیست و دو (۲) بیست و سه (۳) بیست و چهار (۴) بیست و پنج

۱۲- در مصراع زیر به ترتیب چند هجای کوتاه، چند هجای بلند و چند هجای کشیده وجود دارد؟

«مردم بیگانه را خاطر، نگه دارند خلق» مَر دُمِ بی گانِ را خا طِرِ نِ گِه دا رَند خَلق  
 (۱) شش - هفت - دو (۲) پنج - هفت - یک (۳) چهار - هشت - دو (۴) سه - هفت - یک

۱۳- تعداد هجاهای کوتاه کدام مصراع بیشتر است؟

(۱) بار مذلت بتوانم کشید (۲) به آزار موری، نیرزد جهان  
 (۳) نتوانم که نصیحت شنوم (۴) خداترسی نباشد روز غارت

۱۴- در کدام بیت، تعداد کلماتی که حرف «و» در جایگاه صامت است، بیشتر است؟

(۱) به مطربان صبحی دهیم جامه چاک (۲) معشوق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد  
 (۳) چگونه باز کنم بال در هوای وصال (۴) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند  
 بدین نوید که باد سحرگهی آورد  
 هر کس حکایتی به تصور چرا کنند  
 که ریخت مرغ دلسم پر در آشیان فراق  
 سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

## فصل سوم: درست خواندن

گفتیم وزن شعر مربوط به حس شنوایی است، پس مهم‌ترین نکته در به دست آوردن وزن شعر، درست خواندن شعر است. با وجودی که اشعار با خط چاپی و سلیس و روان فارسی نوشته شده‌اند، باز هم شاهد تپق‌های دانش‌آموزان هستیم. با توجه به روخوانی‌های دانش‌آموزانم در ۱۷ سال تدریس در کلاس‌های حضوری، اشتباهات رایج و محتمل آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام. با رعایت موارد زیر، از این اشتباهات در امان خواهید ماند.

### اشتباهات رایج در شعر خوانی:

۱ - توجه یا عدم توجه به نقش‌نمای اضافه «- یا ی-»: یکی از اشتباهات بسیار رایج قرار دادن «-» بعد از واژه‌ای است که نیازی به آن ندارد، یا حذف «-» بعد از واژه‌ای که حتماً باید به صورت **ترکیب اضافی** خوانده شود. با توجه به رسم‌الخط فارسی، «نقش‌نمای اضافه» معمولاً نمود نوشتاری ندارد و بودن یا نبودن آن را خودمان باید متوجه شویم. مثلاً اگر در بیت زیر، بعد از «غلغله‌زن» به اشتباه «-» قرار دهیم، وزن بیت تغییر زیادی خواهد کرد.

**بدون «-»:** غلغله‌زن چهره‌نما تیزپا ← غُلْ غُلْ لِ زَنْ چِه رِ نُ ما تیز پا  
- U - - U U - - U U -

**با «-»:** غلغله‌زن چهره‌نما تیزپا ← غُلْ غُلْ لِ زَنْ چِه رِ نُ ما تیز پا  
- U - - U U - U U U U -

آی‌تی بود عذاب‌انده حافظ بی تو  
همان‌طور که می‌بینید هجاها بسیار متفاوت می‌شود. که **بر هیچ کسش حاجت تفسیر نبود**

**سوال:** در چه مواقعی ممکن است نقش‌نمای اضافه «- یا ی-» وجود داشته باشد؟ آمدن یک اسم، ضمیر جدا یا صفت، بعد از یک اسم، ترکیب اضافی یا وصفی می‌سازد و قاعدتاً ما بین این‌ها، نقش‌نمای اضافه می‌آید.

پدرِ خانه پدرِ من پدرِ خوب

**نکته:** گاه بعد از ضمیر جدا نیز صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.

من بیچاره شمای دانش‌آموز

**توجه:** پس از اولین خوانش، حتماً **نقش‌نماهای «- یا ی-»** در شعر وارد کنید.

سوال زیر در کنکور ریاضی سال ۹۹ آمده است. پاسخ درست در گرو خوانش صحیح بود. به خوانش قسمت‌هایی که رنگی کرده‌ام دقت کنید. **توجه:** قسمت‌های رنگی را من رنگی کرده‌ام که توضیح بدهم و در کنکور یک رنگ است.

### در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را	الف) الف، ب، هـ
ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟	ب) ب، ج، د
ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان	ج) ب، ج، هـ
د) دل خود را به صد امیدم چاک از این غافل	د) الف، ج، د
هـ) عرق رخسار آن خورشید طلعت بر نمی‌دارد	هـ) ب، ج، د

توضیح: در گزینه‌های «الف» و «د» قبل از ضمیر اشاره «این و آن» باید مکت کرد. انتظار نداشته باشید که طراح کنکور در متن ویرگول بگذارد! زیرا که طراح تست دقیقاً درست خواندن ابیات را از شما خواسته است. ولی در گزینه‌های «ب، ج، هـ» عبارات «آن سمن بر»، «این باغ» و «آن خورشید طلعت» به کلمه قبلی اضافه شده‌اند.



۲- توجّه به «واو» عطف و ربط و ...: « و » در یک درصد موارد به صورت « و - ء - و » تلقّف می‌شود و در باقی موارد به صورت **مصوّت کوتاه** برای صامت قبل خود در می‌آید.  
 فرو ماند در لطف و صنع خدای ← فرو ماند در لطف صنع خدای  
 تاج سر گلبن و صحرا منم ← تاج سر گلبن صحرا منم  
 رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور ← رفت ز مبدأ چو کمی گشت دور  
**توجّه:** « و » میان‌وند در کلمات وندی مرکّب یا مشتق مرکّب نیز همین‌گونه است و به مصوّت کوتاه « - ء » تبدیل می‌شود. جست و جو ← جست جو، رفت و آمد ← رفت آمد، دید و بازدید ← دید بازدید  
**توجّه:** اگر پیش از « و » عطف و ربط، واژه‌ای با مصوت بلند « ا » یا « و » آمده باشد، « و » را به صورت « ء » می‌خوانیم. (پا و سر: **پا ء سر**) (مینو و مریم: **مینو ء مریم**) (بگو و بخوان: **بگو ء بخوان**) (بیا و بین: **بیا ء بین**)

۳- توجّه به تشدید: تشدید در شعر ۳ حالت دارد.

(الف) کلمه‌ای که تشدید دارد و در شعر مشدّد خوانده می‌شود. (حالت عادی)

دگر روز باز **اتّفاق** اوفتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد  
 (ب) کلمه‌ای که تشدید دارد ولی در شعر مشدّد خوانده نشده است. (حالت غیر عادی)  
 اتّفاقاً شاه روزی شد سوار با **خواص** خویش از بهر شکار  
 «خواص» در اصل تشدید دارد. ولی در صورت مشدّد خواندن، وزن آن خراب می‌شود. لذا در این بیت، مشدّد نیامده است.  
 گفت اگر خیر است خیر اندیش تو **شری** جز **شرت** نیاید پیش  
 «شرت» در اصل تشدید دارد ولی در هر ۲ بار بدون تشدید تلقّف شده است.

(ج) کلمه‌ای که در اصل تشدید ندارد ولی بنا به ضرورت وزن، مشدّد خوانده شده است. (حالت غیر عادی)

نسوزد جان من یک‌باره در تاب که **امیدم** زند گه‌گه بر او آب  
 «امید» در اصل بدون تشدید است ولی بنا به ضرورت شعری مشدّد (امید) آمده است.

**توجّه:** بعضی از کلمات مانند «شفقت، دوم و...» تشدید ندارند ولی امروزه، گاهی به اشتباه مشدّد خوانده می‌شوند. توجّه داشته باشید که شاعران این واژگان را به صورت درست (یعنی بدون تشدید) تلقّف می‌کرده‌اند. لذا ما نیز باید بدون تشدید بخوانیم. (در واقع با توجّه به نوشتار می‌خوانیم. و نوشتار نیز قطعاً موارد فوق را رعایت می‌کند. در واقع، در این موارد بیشتر دقت می‌کنیم تا در صورت اشتباه چشم، آن را تصحیح کنیم.)

اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار طالع **بی‌شفقت** بین که در این کار چه کرد  
**نکته مهم:** در کنکور اگر تشدید لازم به خواندن باشد، نوشته خواهد شد. لذا ملاک ما متن کنکور است. متنی که می‌بینیم.

**توجّه:** واژگانی چون «حقّ، خطّ، جرّ، مدّ، سرّ و...» در اصل مشدّد هستند. این واژگان اگر به صورت تنها آمده باشند، معمولاً بدون تشدید به کار می‌روند. اما اگر به کلمه‌ای اضافه شده باشند، اکثراً مشدّد خوانده می‌شوند.

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم **سرّ** حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم  
 شیعه باید آب‌ها را گل کند **خطّ** سوّم را به خون کامل کند

**توجّه:** البته استثناهایی هم وجود دارد که این کلمات ممکن است با وجود اضافه‌شدن باز هم مشدّد خوانده نشوند. زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در **حقّ** ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست  
 دانست که خواهد شدنم مرغ دل از دست وز آن **خطّ** چون سلسله دامی نفرستاد  
 پس همان‌طور که گفتیم ملاک ما متنی است که می‌بینیم.

۴- توجه به حذف همزه: گفتیم که کلماتی مانند «آسیاب، آهن، آمد و...» و «اعتماد، احمد، امید، این، ایمان، ایران، اوستا، اورشلیم و...» با «ء» شروع می‌شوند و گفتیم که اگر قبل از این واژه‌ها، صامت بیاید، در اغلب مواقع این «همزه - ء» حذف می‌شود و صامت قبل همزه به مصوت بعد از همزه می‌چسبد. مانند:

یار آمد ← یا را مد  
روح انگیز ← رو حَن گیز

**نکته مهم:** یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات خوانشی، حذف نکردن این همزه یا حذف نابه‌جای آن است. توجه داشته باشید اگر این همزه در آخر مصراع باشد با توجه به ریتم قبل آن، به حذف یا عدم حذف آن، پی خواهیم برد. و اگر در ابتدای مصراع باشد با توجه به ریتم بعد از آن، بودن یا حذف آن را خواهیم فهمید. بهترین کار این است که مصراع‌های دارای همزه را ۲ بار بخوانیم تا با توجه به ریتم و آهنگ به حذف یا ابقای آن پی ببریم. البته همان‌طور که گفته‌ام در **اغلب مواقع** این همزه حذف می‌شود ولی ممکن است طراح بیتی را بیاورد که همزه حذف نشده باشد.

**نکته بسیار مهم:** ممکن است پیش از همزه مصوت بیاید و باز هم همزه حذف شود. در فصل هشتم در قسمت اختیارات شاعری زبانی به طور کامل به مبحث حذف همزه پرداخته‌ام.

۵- توجه به تغییر در ساختار واژه و تلفظ آن: شاعران بنا به ضرورت وزن گاه تغییری در شکل ظاهری کلمات ایجاد می‌کنند. مانند «اوفتاد» به جای «اُفتاد» و «بُدم» به جای «بودم» در شعر زیر:

چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب  
مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۶- توجه به تغییر تلفظ: بعضی از واژه‌ها در شعر دو تلفظ متفاوت دارند؛ مانند: «تُرش و تُرش یا حیوان و حیوان». یا مثلاً بعضی افعال مانند «بود» و «بُود» ظاهری یکسان و وزنی متفاوت دارند. رعایت نکردن این تلفظ، باعث اخلال در وزن می‌شود.

توانا بود هر که دانا بود	ز دانش دل پیر برنا بود
بود آیا که در میکده‌ها بگشایند؟	گره از کار فروبسته ما بگشایند؟
نه پیل و نه تخت و نه بار و بنه	به نانی تو سیری و هم گرسینه

**توجه:** تفاوت این مورد با مورد ۵ در این است که در این حالت شکل ظاهری کلمه تغییر تلفظ را نشان نمی‌دهد. زیرا تغییر تلفظ در تغییر مصوت‌های کوتاه است که معمولاً ظاهری نیستند. در بیت زیر شاعر واژه «طَرَف» را بنا به ضرورت وزنی «طَرَف» تلفظ کرده است. همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد  
خبر از من به رفیقی که به طَرَف چمن است

**توجه:** پسوند «ستان» نیز در بعضی شعرها به صورت «ستان» می‌آید. چه باید مرا جنگ زابلستان  
و گر جنگ ایران و کابلستان؟

واژگان «زابلستان و کابلستان» بنا به ضرورت «زابلستان و کابلستان» تلفظ شده‌اند. به تلفظ دو واژه «سنبلستان» و «گلستان» در دو بیت زیر توجه کنید.

مژه‌ها و چشم یارم به نظر چنان نماید	که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است	به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی

۷- ساکن تلفظ کردن حرف دوم فعل امر: بنا به ضرورت وزنی گاه حرف دوم فعل امر (که حرف اول بن مضارع می‌شود)، به صورت ساکن تلفظ می‌شود. در مثال‌های زیر «بِشْتَاب، بَسْتَان، بَفِکَن و بَکْسَل» به صورت «بِشْتَاب، بَسْتَان، بَفِکَن و بَکْسَل» تلفظ شده‌اند.

گفت: ای پسر این نه جای بازی است  
از عمر من آنچه هست بر جای  
بفکن ز پی این اساس تزویر  
بشتاب که جای چاره‌سازی است  
بستان و به عمر لیلی افزای  
بگسل ز هم این نژاد و پیوند

۸- حذف مصوت کوتاه «یا - یا -» پیش از ضمیر متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان):  
گر آتش دل نهفته داری سوزد جانت به جانت سوگند  
شاعر به جای «جانت» دوم، بنا به ضرورت وزنی «جانت» آورده است.  
ستم‌دیده را پیش او خواندند بر نامدارانش بنشانند  
شاعر به جای «نامدارانش» بنا به ضرورت وزنی «نامدارانش» آورده است.

۹- حذف همزه و مصوت قبل آن: پیش‌تر گفتم اگر پیش از همزه «ء»، مصوت باشد، همزه معمولاً حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوت قبل آن، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:  
که از= کز (ک - ء - ز) که او = کاو= کو (ک - ء - و)  
که آن = کان (ک - ء - ن) داده است = دادست (د ا د - ء - س ت)

گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست در و دیوار گواهی بدهد که آری هست  
در بیت فوق قسمت مشخص شده به صورت «کاری» خوانده می‌شود.

۱۰- ویرگول «،» یا دو نقطه «:» و امثال آن:

مکث قبل از ویرگول یا دو نقطه و ... در وزن عروضی تأثیری ندارد. به ابیات زیر که مطابق نگارش و ویرایش کتاب درسی است، توجه کنید:

گویا طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب  
ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «مغرب»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ب» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت  
مقابل خوانده می‌شود. گویا طلوع می‌کندز مغربافتاب  
بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر  
ظاهراً این‌طور است که بعد از واژه «گفت»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ت» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت  
مقابل خوانده می‌شود. بدو روی بنمود گفتی دلیر...

۱۱- واژگان دو تلفظی با هر دو تلفظ وزن یکسان خواهند داشت. مثلاً واژه «یادگار» با هر دو تلفظ «یادگار» یا «یادگار» به صورت «U - U -» هجابندی می‌شود.  
توجه: تلفظ با حرکت بر تلفظ با سکون ترجیح دارد.

۱۲- تفاوت‌های تلفظی مانند «خِجَل - خِجَل، عِطَر - عِطَر، مَحَبَّت - مَحَبَّت و...»، در وزن تأثیری ندارند.

۱۳- توجه به نیم‌فاصله‌ها: اگر فاصله دو واژه کم‌تر از حد معمول و به صورت نیم‌فاصله بود، آن یک واژه است و به هیچ وجه بین آن‌ها نمی‌تواند نقش‌نمای اضافه بیابد. (البته با توجه به سوالات کنکور، زیاد به نیم‌فاصله و حتی علائم نگارشی دلخوش نباشید! زیرا متاسفانه سوالات کنکور در این سال‌ها درست ویرایش نشده بودند!)

۱۴- بعضی از واژه‌ها دو نوشتار و خوانش دارند مانند «آینه و آینه»، و بعضی واژگان شبیه یکدیگرند، مانند «مقدم و مَقدم»، در هر مورد باید دقت کنیم که کدام در شعر به کار رفته است. زیرا هر کدام تقطیع و وزن متفاوتی دارد.

۱۵- توجه به یکسانی ظاهری فعل ماضی ساده سوم شخص مفرد (خواند) و مضارع ساده (مضارع التزامی بدون ب) سوم شخص مفرد (خواند). با توجه به محتوای شعر و افعال دیگر، باید متوجه شویم، به کدام صورت بخوانیم. زیرا وزن متفاوتی خواهند داشت.

۱۶- درست است که در عروض کلماتی مانند «بیا، سیاست، بیابان و...» به صورت «بیا، سیاست، بیابان و...» در نظر می‌گیریم، اما در خوانش این کلمات مطابق معیار تلفظ می‌کنیم.

۱۷- در خوانش کلماتی مانند «مَلک، مَلِک و مُلک» دقت شود زیرا تفاوت ورزنی ایجاد می‌کنند.

۱۸- در خوانش کلماتی مانند «کاین»، «کاو» دقت شود که به صورت «کین» و «کو» خوانده می‌شوند.

۱۹- «زان» و «وان» در دو بیت زیر در اصل «ز آن» و «و آن» بوده‌اند. اگر اینگونه کلمات «زان، وان، کان و خوبست، توست و...» با این نوشتار در متن بیابند، دیگر حذف همزه در نظر نمی‌گیریم.

زان یار دلنوازم، شُکری است با شکایت	گر نکته‌دان عشقی، بشنو تو این حکایت
وان دل گرم که جان داشت هنوز	اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ

۱۵- در کدام بیت از اختیار حذف همزه استفاده نشده است؟

۱) یا رب آن نوگل خندان که سپردی به منش	می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش
۲) دردم از یار است و درمان نیز هم	دل فدای او شد و جان نیز هم
۳) دارد اسارت تو به زینب اشارتی	از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه
۴) هیچم اندر نظر نمی‌آید	تا تو خورشید روی در نظری

۱۶- در کدام یک از ابیات زیر، حذف همزه صورت نگرفته است؟

۱) بخوان ای مرغ اگر داری زبانی	بخند ای صبح اگر داری دهانی
۲) سردفتر آیت نکویی	شاهنشاه ملک خوبرویی
۳) غرور حسنات اجازت مگر نداد ای گل	که پرسشی نکنی عنذلیب شیدا را
۴) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق	ثبت است بر جریده عالم دوام ما

## ۱۷- در بیت کدام گزینه، همزه حذف نمی‌شود؟

- (۱) گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کویت  
 (۲) دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من  
 (۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند  
 (۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم

## ۱۸- در کدام گزینه، در کلمه مشخص شده، مصوّت کوتاه پیش از ضمیر، حذف شده است؟

- (۱) و گر خویش را ضعی نباشد ز خویش  
 (۲) به امرش وجود از عدم نقش بست  
 (۳) به درگاه لطف و بزرگیش بر  
 (۴) جهان متفق بر الهیتش

## ۱۹- در کدام گزینه قسمت مشخص شده به صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شود؟

- (۱) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو  
 (۲) آن کس است اهل بشارت که اشارت داند  
 (۳) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش  
 (۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

## ۲۰- واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدّد خوانده شود تا وزن عروضی شعر درست باشد؟

- (۱) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر  
 (۲) طوطی‌ای را به خیال شکری دل، خوش بود  
 (۳) شکرفروش که عمرش دراز باد چرا  
 (۴) ای دوست شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد؟

## ۲۱- در کدام گزینه تلفظ واژه «بود» متفاوت است؟

- (۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد  
 (۲) نبود نقش دو عالم که رنـگ الفت بود  
 (۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب  
 (۴) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود

مگر آن وقت که در سایه زنهار تو باشم  
 هاتف غیب ندا داد که آری بکنند  
 بی‌وفایاران که بر بستند بار خویش را  
 ریسمان در پای حاجت نیست دست‌آموز را

چو بیگانگانش براند ز پیش  
 که داند جز او کردن از نیست، هست  
 بزرگان نهاده بزرگی ز سر  
 فرومانده از گنه ماهیتش

دل ز ما گوشه گرفت، ابروی دلداری کجاست  
 نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست  
 کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست  
 ما کجاییم و ملامت‌گر بی‌کار کجاست

زان رو که مرا از لب شیرین تو کام است  
 ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد  
 تفقّدی نکند طوطی شکرخا را  
 خوبی قمر بهتر، یا آنکه قمر سازد؟

باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود  
 زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت  
 که می‌رقصند با هم مست و هشیار  
 جان و سر را نتوان گفت که مقداری هست

**فصل چهارم: درست‌نوشتن (خط عروضی)**

پس از درست‌خواندن شعر، برای رسیدن به هجاهای بیت، ضروری است بیت را همانگونه که خوانده‌ایم، بنویسیم. به این نوشتار که دقیقاً مطابق خوانش است، خط عروضی می‌گویند. در خط عروضی تمام نکاتی را که در فصل دوم (انواع واج و هجا) گفتیم، باید رعایت کنیم. در واقع یک مصراع را همچون یک واژه بزرگ در نظر می‌گیریم و آن نکات را در آن رعایت می‌کنیم. یعنی:

توجه به تشدید	مَعْلَم	←	مُعَلِّم	←	م	عَل	لِم
توجه به حروف ناخوانا	خواهر	←	خَاهِر	←	خَا	هَر	
نوشتن هر چه که به صدا در می‌آید	توسنی	←	تُوسَنی	←	تُو	سَ	نِی
توجه به «ه» غیر ملفوظ	خانه	←	خَانِ	←	خَا	نِ	
حذف «ن» بعد از مصوت بلند	جانان	←	جَانَا	←	جَا	نَا	
توجه به فرآیند واجی افزایش	بیا	←	بِیَا	←	بِ	یَا	
توجه به ترکیبات عربی و یا مشابه آن‌ها	انالحق	←	أَنْلَحِقْ	←	أَ	نَلْ	حَقْ
توجه به «واو» عطف و ربط	دل و جان	←	دِلْ جَا	←	دِ	لُ	جَا
حذف همزه	اغراق‌آمیز	←	إِغْرَاقِیْمِیزْ	←	إِغْ	رَا	قَا میز

**توجه:** موارد فوق مهمترین نکاتی است که در خط عروضی باید به آن توجه کرد، **اما موارد دیگری نیز وجود دارد که در فصول قبل به آن اشاره شد.**

**توجه:** همانطور که گفته شد، در اصل «ن» بعد از مصوت بلند حذف نمی‌شود و در واقع مصوت بلند در این گونه موارد، مانند مصوت کوتاه تلفظ می‌شود. **خون = خُن، خان = خَن، سین = سِن**  
**اکنون به خط عروضی ابیات زیر دقت کنید:**

گلغله‌زن چهره‌نما تیز پا	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
غُلْغُلِ زَن چِهْرِ نُمَا تِیز پَا	گَشْتِ یَکِی چِشْمِ زِ سَنَگی جُدَا
حقیقت پرده برداری ز رخسار	چو در وقت بهار آبی پدیدار
حَقِیْقَتِ پَرْدِ بَرْدَارِی زِ رُخْسَارِ	چُو دَر وَقْتِ بَهَارِی آبی پَدِیدَارِ
خورد گاو نادان ز پهلوی خویش	نباشی بس ایمن به بازوی خویش
خَرْدَ گَاوِ نَادَا زِ پَهَلَوِی خِیْشِ	نَبَاشِی بَسِیْمِنِ بِ بَازَوِی خِیْشِ
تو شری جز شرت نیاید پیش	گفت: اگر خیر است خیراندیش
تُو شَرِی جُزْ شَرْتِ نَیَایْدِ پِیْشِ	گَفْتَگَرِ خِیرِ اَسْتِ خِیرَندِیْشِ

**توجه:** بسیار پیش آمده دانش‌آموز، شعر را درست خوانده است، ولی در خط عروضی به دلیل کاهش سرعت، اشتباه نوشته است. برای جلوگیری از این اشتباه، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، یک بار شعر را از روی خط عروضی بخوانید تا مشخص شود، شعر را درست می‌خوانید یا خیر. **از مهم‌ترین اشتباهات در این مرحله، حذف‌کردن همزه یا عدم توجه به کسره اضافه است.** چون وقتی به خط عروضی می‌نویسیم نگاهمان از مصراع، محدود به واژه می‌شود. و

یک واژه را به خط عروضی می‌نویسیم و بعد سراغ واژه‌ی دیگر می‌رویم. به اشتباه مثال بعد توجه کنید:

بیَا تا برآریم دَسْتی ز دِل  
کِ نَتَوَا بَرَأوَرْد فَرْدَا زِ گِل  
در خط عروضی مثال قبل ظاهراً به نظر می‌رسد شعر را به درستی به خط عروضی نوشته‌ایم. ولی همانطور که در تقطیع زیر می‌بینیم، به حذف همزه توجه نکرده بودیم.

بیَا تا برآریم دَسْتی ز دِل  
کِ نَتَوَا بَرَأوَرْد فَرْدَا زِ گِل  
**نکته مهم:** خط عروضی از مهم‌ترین قسمت‌های تشخیص وزن یک بیت است، حتماً بعد از نوشتن آن، یک بار دیگر آن را چک کنید. زیرا ما هجاها را از روی خط عروضی مشخص می‌کنیم. و اگر اشتباهی در این مرحله داشته باشیم، قطعاً تقطیع نهایی ما اشتباه خواهد شد.

**توجه:** نوشتن کسره اضافه بین دو واژه (نقش‌نمای اضافه) بسیار الزامی است.

### ابیات زیر را مانند نمونه به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

- ۱ - چو حاکم به فرمان داور بود
  - ۲ - نصیحت کسی سودمند آیدش
  - ۳ - خدا را بر آن بنده بخشایش است
  - ۴ - چو ده ساله شد زن میان کس نبود
  - ۵ - هر کسی را بهر کاری ساختند
  - ۶ - خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
  - ۷ - هر کسی از ظنّ خود شد یار من
  - ۸ - می‌نمود آن مرغ را هر گون شگفت
  - ۹ - گفت آری گر وفا بینم نه مکر
  - ۱۰ - تا نزاید بخت تو فرزندی نو
  - ۱۱ - ای همه هستی ز تو پیدا شده
  - ۱۲ - چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم
  - ۱۳ - هر سحر از عشق دمی می‌زنم
  - ۱۴ - دست از این پیش که دارد که ما؟
  - ۱۵ - ای نام تو بهترین سرآغاز
  - ۱۶ - حاجت‌گه جمله‌ی جهان اوست
  - ۱۷ - از عمر من آنچه هست بر جای
  - ۱۸ - گفت: ای پسر این نه جای بازی است
  - ۱۹ - هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
  - ۲۰ - به نام کردگار هفت افلاک
  - ۲۱ - فروغ رویت اندازی سوی خاک
  - ۲۲ - خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش
  - ۲۳ - به شیراز آی و فیض روح قدسی
  - ۲۴ - شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر
- خدایش نگهبان و یاور بود  
که گفتار سعدی پسند آیدش  
که خلق از وجودش در آسایش است  
که یارست با وی نبرد آزمود  
میل آن را در دلش انداختند  
گفته آید در حدیث دیگران  
از درون من نجست اسرار من  
تا که باشد که اندر آید او به گفت  
مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر  
خون نگردد شیر شیرین خوش شنو  
خاک ضعیف از تو توانا شده  
گر تو برانی به که روی آوریم  
روز دگر می‌شنوم بـرملاً  
زاری از این بیش که دارد که ما؟  
بی نام تو نامه کی کنم باز  
محراب زمین و آسمان اوست  
بستان و به عمر لیلی افزای  
بشتاب که جای چاره‌سازی است  
یقین دانم که بی شک جان جانی  
که پیدا کرد آدم از کفی خاک  
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک  
خداوندا نگره دار از زوالش  
بجوی از مردم صاحب کمالش  
سـلامٌ فیـه حـتّی مطلع الفجر

**توجه:** اختیارات شاعری (یعنی تفاوت هجاها) اصلاح نشده است. پس از آموختن اختیارات شاعری در فصل هشتم، اختلاف هجاها را تصحیح کنید. همچنین «ن» ساکن بعد از مصوت بلند نیز در بسیاری از موارد حذف نشده است تا مشخص شود.

چو حاکم به فرمان داور بود										بیت ۱	
خدایش نگهبان و یاور بود										عروضی مصراع اول	
چ	حَا	کِم	بِ	فَر	مَا	نِ	دَا	وَر	بِ	وَد	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
چ	حَا	کِم	بِ	فَر	مَا	نِ	دَا	وَر	بِ	وَد	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
خُ	دَا	یَش	نِ	گَهِ	بَا	نِ	یَا	وَر	بِ	وَد	هجا
											عروضی مصراع دوم
خدایش نگهبان یاور بود											

نصیحت کسی سودمند آیدش										بیت ۲	
که گفتار سعدی پسند آیدش										عروضی مصراع اول	
نَ	صِی	حَت	کَ	سِی	سُو	دَ	مَن	دَا	یَ	دَش	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
نَ	صِی	حَت	کَ	سِی	سُو	دَ	مَن	دَا	یَ	دَش	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
کِ	گُف	تَا	رِ	سَع	دِی	پَ	سَن	دَا	یَ	دَش	هجا
											عروضی مصراع دوم
کِ گُفْتَارِ سَعْدِی پَسَنْدِ آیدش											

خدا را بر آن بنده بخشایش است										بیت ۳	
که خلق از وجودش در آسایش است										عروضی مصراع اول	
خُ	دَا	رَا	بَ	رَانَ	بَن	دِ	بَخ	شَا	یَ	شَسْت	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
خُ	دَا	رَا	بَ	رَانَ	بَن	دِ	بَخ	شَا	یَ	شَسْت	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
کِ	خَل	قَز	وُ	جُو	دَش	دَ	رَا	سَا	یَ	شَسْت	هجا
											عروضی مصراع دوم
کِ خَلْقِ از وجودش در آسایش است											

چو ده ساله شد زن میان کس نبود										بیت ۴	
که یارست با وی نبرد آزمود										عروضی مصراع اول	
چُ	دَه	سَا	لِ	شُد	زَانَ	مِ	یَان	کَس	نَ	بُود	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
چُ	دَه	سَا	لِ	شُد	زَانَ	مِ	یَان	کَس	نَ	بُود	هجا
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	علامت
											اختلاف
کِ	یَا	رِسْت	بَا	وِی	نَ	بَر	دَا	ز	مُود		هجا
											عروضی مصراع دوم
کِ یَارِسْتِ بَا وِی نَبَرْدِ آموْد											



هر کسی را بهر کاری ساختند										بیت ۵	
میل آن را در دلش انداختند										عروضی مصراع اول	
هَر	کَ	سِی	رَا	بَهِ	رِ	کَا	رِی	سَا	خ	تَنَد	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
مِی	لِ	آ	رَا	دَر	دِ	لِش	اَن	دَا	خ	تَنَد	هجاء
مِیلِ آن را دَر دِلش اَنداختَنَد										عروضی مصراع دوم	

خوش تر آن باشد که سر دلبران										بیت ۶	
گفته آید در حدیث دیگران										عروضی مصراع اول	
خُش	تَ	رَا	بَا	شَد	کِ	سِر	رِ	دِل	بَ	رَانَ	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
							*				اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
گُف	تِ	آ	یَد	دَر	حَ	دِی	ثِ	دِی	گَ	رَانَ	هجاء
گُفَتِ آید دَر حَدِیثِ دِیْگَرَانَ										عروضی مصراع دوم	

هر کسی از ظن خود شد یار من										بیت ۷	
از درون من نجست اسرار من										عروضی مصراع اول	
هَر	کَ	سِی	اَز	ظَن	نِ	خُد	شُد	یَا	رِ	مَن	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
			*								اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
اَز	دَ	رُو	نِ	مَن	نَ	جُس	تَس	رَا	رِ	مَن	هجاء
اَز دَرُونَ مَن نَجَسْتَسَرَارِ مَن										عروضی مصراع دوم	

می نمود آن مرغ را هر گون شگفت										بیت ۸	
تا که باشد که اندر آید او به گفت										عروضی مصراع اول	
مِی	نِ	مُو	دَانَ	مَر	غ	رَا	هَر	گُونَ	شِ	گُفَت	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
تَا	کِ	بَا	شَد	گَن	دَ	رَا	یَد	اَو	بِ	گُفَت	هجاء
تَا کِ بَاشَد کَنَدَرَايَد اَو بِ گُفَت										عروضی مصراع دوم	

گفت آری گر وفا بینم نه مکر مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر										بیت ۹
گفت آری گر وفا بینم ن مکر										عروضی مصراع اول
مَکَر	نَ	نَم	بَی	فَا	وَ	گَر	رِی	آ	گُفَت	هجا
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
										اختلاف
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
مَکَر	دُ	زَی	اَز	اَم	دِ	دِی	بَس	هَا	مَکَر	هجا
مَکَرها بَس دیدِ اَم اَز زَیدُ بَکَر										عروضی مصراع دوم

تا نزاید بخت تو فرزند نو خون نگرده شیر شیرین خوش شنو										بیت ۱۰
تا نَزاید بَخْتِ تُ قَرزَندِ نُو										عروضی مصراع اول
تَا	نَ	زَا	یَد	بِخ	تِ	تِ	قَر	زَن	دِ	نُو
-	U	-	-	-	U	U	-	-	U	-
					*					اختلاف
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
خون	نَ	گَر	دَد	شِی	رِ	شِی	رِین	خُش	شِ	نُو
خون نَگَرده شیر شیرین خُش شِنو										عروضی مصراع دوم

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده										بیت ۱۱
ای هَمِ هَسْتِی ز تُو پِیدا شُدِ										عروضی مصراع اول
اِی	هَ	مِ	هَس	تِی	زِ	تِ	پِی	دَا	شُ	دِ
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
										اختلاف
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
خَا	کِ	ضَ	عِی	فَز	تُ	تُ	وَا	نَا	شُ	دِ
خَاکِ ضَعِیْفَتُ تَوَانَا شُدِ										عروضی مصراع دوم

چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم گر تو برانی به که روی آوریم										بیت ۱۲
چَا رِی مَا سَازِ کِ بَیچارِ اِیم										عروضی مصراع اول
چَا	رِ	ی	مَا	سَا	زِ	کِ	بِی	چَا	رِ	اِیم
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
										اختلاف
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
گَر	تُ	بِ	رَا	نِی	بِ	کِ	رُو	یَا	وَ	رِیم
گَر تُو بَرانی بِ کِ رُو یَاورِیم										عروضی مصراع دوم

هر سحر از عشق دمی می‌زنم										بیت ۱۳
روز دگر می‌شنوم بر ملا										عروضی مصراع اول
هَر	سَ	حَ	رَز	عِشْق	دَ	مِ	مِ	زَ	نَم	هجاء
—	U	U	—	U	U	—	—	U	—	علامت
										اختلاف
—	U	U	—	U	U	—	—	U	—	علامت
رَو	زِ	دِ	گَر	مِ	شِ	نَ	وَمَ	بَر	مَ	هجاء
روز دگر می‌شنوم بر ملا										عروضی مصراع دوم

دست از این پیش که دارد که ما؟										بیت ۱۴
زاری از این بیش که دارد که ما؟										عروضی مصراع اول
دَسْت	ءَ	زَیْن	پِیْش	کِ	دَا	رَدَ	کِ	مَا	هجاء	
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	علامت
									*	اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	علامت
زَا	رِی	یَ	زَیْن	بِیْش	کِ	دَا	رَدَ	کِ	مَا	هجاء
زاریزین بیش که دارد که ما										عروضی مصراع دوم

ای نام تو بهترین سرآغاز										بیت ۱۵
بی نام تو نامه کی کنم باز										عروضی مصراع اول
اِی	نَا	مَ	تَ	بِه	تَ	رِیْن	سَ	رَا	غَاذ	هجاء
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
										اختلاف
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
بِی	نَا	مَ	تَ	نَا	مِ	کِی	کُ	نَم	بَاذ	هجاء
بی نام تو نام کی کنم باز										عروضی مصراع دوم

حاجتگه جمله‌ی جهان اوست										بیت ۱۶
محراب زمین و آسمان اوست										عروضی مصراع اول
حَا	جَتَ	گَ	هَ	جُمَ	لَ	یَ	جَ	هَا	اَوَسْت	هجاء
—	—	U	U	—	U	U	U	—	—	علامت
						*				اختلاف
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
مِجَ	رَا	بِ	زَ	مِی	نُ	آ	سِ	مَ	اَوَسْت	هجاء
محراب زمین آسما اوست										عروضی مصراع دوم

از عمر من آن چه هست بر جای										بیت ۱۷	
بستان و به عمر لیلی افزای										عروضی مصراع اول	
آز عُمَرِ مَنّا چِ هَسْتِ بَرِ جَای										هجاء	
جای	بَر	هَسْت	چِ	نَا	مَ	رِ	عُم	آز	—	—	علامت
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	—	اختلاف
		*									علامت
—	—	—	—	U	—	U	U	—	—	—	هجاء
زای	یَف	لی	لی	رِ	عُم	بِ	نُ	تا	پس	—	عروضی مصراع دوم
بَسْتانُ بِ عُمَرِ لیلی یَفزای											

گفت ای پسر این نه جای بازی است										بیت ۱۸	
بشتاب که جای چاره سازی است										عروضی مصراع اول	
گُفْتی پَسْرینَ نَ جَایِ بازِیست										هجاء	
زیست	با	ی	جا	نَ	ری	سَ	پِ	تِی	گُف	—	علامت
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	—	اختلاف
											علامت
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	—	هجاء
زیست	سا	رِ	چا	ی	جا	کِ	بِ	تا	پس	—	عروضی مصراع دوم
بَسْتابِ کِ جَایِ چارِ سازِیست											

هر آن وصفی که گویم بیش از آنی										بیت ۱۹	
یقین دانم که بی شک جان جانی										عروضی مصراع اول	
هَرانِ وَصْفی کِ گویمِ بَیشْزانی										هجاء	
نی	زا	شَ	بی	یم	گو	کِ	فی	وَص	را	هَ	علامت
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	اختلاف
											علامت
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	هجاء
نی	جا	نِ	جا	شَک	بی	کِ	نَم	دا	قی	یَ	عروضی مصراع دوم
یَقینِ دَانمِ کِ بی شَکِ جانِ جانی											

به نام کردگار هفت افلاک										بیت ۲۰	
که پیدا کرد آدم از کفی خاک										عروضی مصراع اول	
بِ نَامِ کَرْدِگارِ هَفْتِ اَفْلاکِ										هجاء	
لاک	آف	هَفْت	رِ	گا	دِ	کَر	مِ	نا	بِ	—	علامت
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	اختلاف
			*				*				علامت
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	هجاء
خاک	فی	کَ	آز	دَم	آ	گَر	د	دا	پی	کِ	عروضی مصراع دوم
کِ پَیدا کَرْدِ آدمِ از کَفیِ خاکِ											

فروغ رویت اندازی سوی خاک										بیت ۲۱	
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک										عروضی مصرع اول	
فُروغِ رَویتَندازیِ سَویِ خَاکِ										هجاء	
خاک	فُ	رَو	غ	رَو	ی	تَن	دَا	زِی	سَو	ی	خاک
—	U	—	U	—	—	—	—	—	—	U	—
			*						*		
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—
خاک	عَ	جَا	یَب	نَقْشِ	هَآ	سَا	زِی	سَو	ی	خاک	
عَجایبِ نَقْشِ هَا سَازِیِ سَویِ خَاکِ										عروضی مصرع دوم	

خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش										بیت ۲۲	
خُشَا شِیرازُ وَضَعِ بَیِ مِثَالِشِ										عروضی مصرع اول	
خُ شَا شِی رَا زُ وَضَ عِ بَی مِثَالِشِ										هجاء	
لَش	خُ	شَا	شِی	رَا	زُ	وَضَ	عِ	بَی	مِ	ثَا	لَش
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
							*				
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
لَش	خُ	دَا	وَن	دَا	نِ	گَهِ	دَا	رَزِ	زِ	وَآ	لَش
خُداوندَا نِگَهِ دَارَزِ زَوَالِشِ										عروضی مصرع دوم	

به شیراز آی و فیض روح قدسی										بیت ۲۳	
بِ شِیرازِآیِ فِیضِ رُوحِ قُدسیِ										عروضی مصرع اول	
بِ شِی رَا زَا یُ فِی ضِ رُوحِ قُدسیِ										هجاء	
سِی	بِ	شِی	رَا	زَا	یُ	فِی	ضِ	رُوحِ	قُد	سِی	
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	
						*	*				
—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—	
لَش	بِ	جَو	یَزِ	مَر	دُ	مِ	صَا	جِب	جَ	مَا	لَش
بِجَویزِ مَرَدَمِ صَاحِبِ کَمَالِشِ										عروضی مصرع دوم	

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر										بیت ۲۴	
شَبِ وَصَلِستِ طِی شدِ نَامِ یِ هَجرِ										عروضی مصرع اول	
شَبِ وَصَلِستِ طِی شدِ نَامِ یِ هَجرِ										هجاء	
هَجرِ	شَ	بِ	وَصَ	لَس	تُ	طِی	شُد	نَا	مِ	ی	هَجرِ
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	U	—
		*								*	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
فَجرِ	سَ	لَا	مُن	فِی	هَ	حَت	تَا	مَط	لَ	عِل	فَجرِ
سَلامُن فِیهِ حَتِتا مَطَلَعِلِ فَجرِ										عروضی مصرع دوم	

۲۲- در بیت کدام گزینه، «همزه» حذف می‌شود؟

- (۱) نه گمانی برده‌ای تو زین نشاط  
 (۲) طوطی اندر گفت آمد در زمان  
 (۳) تا خار غم عشقت آویخته در دامن  
 (۴) باز این را می‌هل و می‌جو دگر
- حزم را مگذار می‌کن احتیاط  
 بانگ بر درویش زد که: هی فلان!  
 کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها  
 اینت لعب کودکان بی‌خبر

۲۳- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) سعديا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست  
 (۲) چون سرآمد دولت شب‌های وصل  
 (۳) هم تو منزهی ز جا هم همه جای حاضری  
 (۴) این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار
- (سَعَدِيَا دِي رَفَتْ فَرْدَا هَمچَنان مُوجُود نِيسَت)  
 (چُن سَرآمد دُولتِ شَب‌هايِ وَصَل)  
 (هَم تُو مَنزَهِي ز جَا هَم هَمه جاي حاضِرِي)  
 (اين نَقْد بَگِير دَسْتانِ نَسِيه بَدار)

۲۴- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن صحیح است؟

- (۱) سر هم‌نبرد اندر آرد به گرد  
 (۲) ناله‌ای دارم کش از دل گر بر آرم بگسلد  
 (۳) سیمرغ ما چه لایق زاغ‌آشيان توست  
 (۴) مگر بویی از عشق مستت کند
- (سَرِ هَم نَبَرْد اَندر آرد بَ گرد)  
 (نالِ اِي دارم كِش از دِل گر بر آرم بَگَسَلد)  
 (سِيمرغ ما چَ لايقِ زاغ‌اَشِيانِ توست)  
 (مَگر بُوِي از عِشَق مَسْتت كَند)

۲۵- در نوشتن واژه‌های همه گزینه‌ها خط عروضی درست رعایت نشده است به جز .....

- (۱) کَباده، خوردن، مآخذ، مسلما: ← کَبادِ ، خُردن ، مآخذ ، مُسَلَّمَن  
 (۲) مؤنث، میوه به، رؤیایی، برآورد: ← مٌءَنَّث ، مِیوِي بَ ، رُؤِیايِي ، بَرآورد  
 (۳) روح الامین، هوی، مجعد، مسأله: ← رُوحُ الأَمین ، هُوا ، مُجَعَد ، مَسْءَلِ  
 (۴) به تندی، سر و تن، مأوا، خوشبو: ← بَ تَندي ، سَرُتَن ، مَءوا ، خُشبو

۲۶- خط عروضی کدام یک از ابیات زیر صحیح نیست؟

- (۱) وَلَیْـكُن مَـاه دَارد قَـصِدِ بَـلا  
 (۲) اِگر باران به کوهستان نبارد  
 (۳) اِی نَفَسِ خُرمِ بَـادِ صَبا  
 (۴) رُوی مِپوشان که بهشتی بود
- فَروشد آفتاب از کوه بابل  
 فُروشد آفتابِز کوهِ بابِل  
 به سالی دجله گردد خشک‌رودی  
 بَ سالی دِجَلِ گَردَد خُشک‌رودی  
 از بر یار آمده‌ای مرحبا  
 از بَـرِ یَـار آمَدَـای مَرحَبَا  
 هر که بیاید چه تو حور ای صنم  
 هَـرکِ بَـیئَد چُ تُو حُورِی صَنَم
- رُوی مِپوشان کِ بَـهـشـتِی بُوَد  
 رُوی مِپوشان کِ بَـهـشـتِی بُوَد

۲۷- خط عروضی بیت زیر در کدام گزینه صحیح است؟

«یار شو ای مونس غم خوارگان چاره کن ای چاره بیچارگان»

- (۱) یار شُ ای مونسِ غَم خوارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
- (۲) یار شُ ای مونسِ غَم خارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
- (۳) یار شُو ای مونسِ غَم خوارگان / چارِ کنی چارِ بیچارگان
- (۴) یار شُ ای مونسِ غَم خارگان / چارِ کنی چارِ بیچارگان

۲۸- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

- (۱) دریای جمال تو چون موج زند ناگه ← دریای جمال ت چن موج زند ناگه
- (۲) همی زد چشمک آن نرگس به سوی گل که خدانی ← همی زد چشمک آن نرگس ب سوی گل ک خدانی
- (۳) رها کن این همه را نام یار و دلبر گو ← رها کنین هم را نام یار دلبرگو
- (۴) به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره ← ب گرد چرخ استار چ مشتاقانا وار

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

فصل پنجم: تقطیع هجایی

پیش‌تر با الگوی هجایی واژه‌ها آشنا شدیم و نکاتی را نیز درباره آن آموختیم. در این مرحله از عروض، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، هجاهای آن را مشخص می‌کنیم. و اصطلاحاً آن را تقطیع هجایی می‌کنیم. اکنون هجاهای دو بیت از ابیات فوق را که به خط عروضی نوشته بودیم، مشخص می‌کنیم:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا      غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا  
 گشت یکی چشم ز سنگی جدا      غلغُلِ زَن چهرِ نَما تیز پا

گشت	ی	کی	چش	م	ز	سن	گی	ج	دا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
غُل	غ	ل	زَن	چَهر	ر	ن	ما	تیز	پا

نباشی بس ایمن به بازوی خویش      خورد گاو نادان ز پهلوی خویش  
 نباشی بسِیمن ب بازوی خیش      خُردِ گاوِ نادان ز پهلوی خیش

ن	با	شی	ب	سی	من	پ	با	زو	ی	خیش
-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
خُ	رَد	گا	و	نا	دا	ز	پَهر	لو	ی	خیش

**توجه:** هجای پایانی مصراع را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، حتی اگر هجای کوتاه یا کشیده باشد. مانند «خیش» در بیت قبل که در اصل هجای کشیده است، ولی چون آخرین هجای مصراع است، معادل هجای بلند در نظر گرفتیم. **توجه:** رسیدن به وزن شعر چندین مرحله دارد، مثلاً خود تقطیع هجایی در هر مصراع ۱۰ تا ۱۶ مرحله دارد. لذا کوچک‌ترین اشتباه در محل قرار دادن هجاها، ممکن است تمام زحمت ما را بر باد بدهد. برای جلوگیری از این اشتباه توصیه می‌شود، در ابتدای کار و روزهای آغازین و قبل از راه افتادن دستتان، از خانه‌های هجایی استفاده کنید.

بیا تا برآریم دستی ز دل      که نتوان برآورد فردا ز گل  
 بیا تا برآریم دستی ز دل      کِ نَتوانُ بَرآوردِ فَردا زِ گل

پ	یا	تا	ب	را	ری	م	دس	تی	ز	دل
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ک	نَت	وا	ب	را	وَر	د	فَر	دا	ز	گل



**توجه:** نکته‌ی بسیار مهمی که در این روش باید به آن دقت کنیم، این است که هر هجا در یک خانه قرار می‌گیرد، ولی هجای کشیده را طوری می‌نویسیم که قسمت آخر آن، در خانه‌ی بعدی جای بگیرد. (زیرا هجای کشیده از نظر امتداد، برابر با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است).

**توجه:** معمولاً هجاهای دو مصراع از نظر کمی (تعداد) و کیفی (نوع) برابرند، مگر این که اختیار شاعری وجود داشته باشد که در فصول بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

**نکته:** برای این که مطمئن شویم همه هجاها را نوشتیم، بهتر است شعر را، یک بار از روی هجاها بخوانیم. با این روش از صحت خط عروضی هم مطمئن می‌شویم.

**نکته مهم:** اصل بر این است که تعداد و نوع هجاهای دو مصراع دقیقاً با هم منطبق باشند، پس در صورت بروز اختلاف، یک بار عملکرد خود را بررسی کنید، ممکن است شما به هر دلیل اعم از حواس پرتی و یا هر دلیل دیگر، اشتباه کرده باشید، در این فرصت می‌توانید آن اختلاف ناشی از اشتباه را تصحیح کنید. ولی اگر شما درست عمل کرده باشید، اختلاف به دلیل استفاده از اختیارات شاعری است و باید از آن جهت بررسی کنید. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

دید پر روغن دکان و جامه چرب      بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب  
دید پُر روغن دُکانِ جامِ چَرِب      بَر سَرَش زَد گَشَت طوطی کَل ز ضَرْب

دی	د	پُر	رُو	عَن	دُک	کَا	نُ	جَا	مِ	چَرِب
-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَر	سَ	رَش	زَد	گَشَت	طُو	طی	کَل	زِ	ضَرْب	

ما در دو ستون اختلاف داریم. ستون ششم و هشتم. گفتیم که ابتدا به تقطیع خودمان شک می‌کنیم و سریع آن را بررسی می‌کنیم. پس از بررسی متوجه می‌شویم که واژه «دُکان» را به اشتباه مشدد خوانده‌ایم و «دُ» را به اشتباه «دُک» نوشته‌ایم و اختلاف هجایی، ناشی از اشتباه ماست. آن را اصلاح می‌کنیم. در مورد خانه هشتم مطمئن می‌شویم که همه مراحل را درست رفته‌ایم و درست نوشته‌ایم ولی هنوز علامت هجاها متفاوت است. در این مرحله در می‌یابیم که این اختلاف، به دلیل استفاده شاعر از اختیار شاعری است.

پس زمانی اختلاف هجا را به اختیار شاعری مؤکول می‌کنیم که از تقطیع هجایی و مراحل قبل آن مطمئن باشیم.

**توجه:** اختلاف نوع هجا، اختیار شاعری پرکاربرد است و بسیار پیش می‌آید. ولی تفاوت در تعداد هجا، فقط در یک حالت پیش می‌آید و آن زمانی است که شاعر به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند آورده باشد، مانند مواردی که پایان یک مصراع به صورت «UU» و پایان مصراع دیگری به صورت «—» باشد. در غیر این صورت، اختلاف تعداد هجا، ناشی از اشتباه ماست. (در واقع یکی از اختیارات شاعری، آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه است که در چند رکن به وجود می‌آید. به صفحه ۹۴ اختیار ابدال مراجعه کنید.) به تقطیع ابیات زیر دقت کنید.

تو به سیمای شخص می‌نگری      ما در آثار صنّع حیرانیم  
 تُ بِ سیمای شَخْصِ می‌نگری      ما در آثارِ صنّعِ حیرانیم

تُ	بِ	سی	ما	ی	شَخْصِ	می	نِ	گَ	ری
U	U	—	—	U	U	—	U	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	—	—
ما	دَ	را	ثا	رِ	صُنّعِ	حِی	را	نیم	

در این بیت، بعد از مشاهده **اختلاف تعداد هجا**، سریع عملکرد خود را بررسی می‌کنیم. همه چیز درست انجام شده است. در می‌یابیم این اختلاف مربوط به اختیارات شاعری است. به این صورت که «به جای دو هجای کوتاه، در مصراع دیگر، یک هجای بلند» آمده است.

### ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

- ۲۵ - جمله حیوانات وحشی ز آدمی
- ۲۶ - بـفـکن ز پی این اساس تزویر
- ۲۷ - دگر روز باز ائتـفاق اوفـتاد
- ۲۸ - پـرورشـآمـوز درون پـروران
- ۲۹ - ای ضیاءالحق حسام الدین راد
- ۳۰ - بنید بگسل پاش آزاد ای پسر
- ۳۱ - ای خطبه‌ی تو تبارک الله
- ۳۲ - ای تو به صفات خویش موصوف
- ۳۳ - حبیب خدای جهان آفرین
- ۳۴ - آمد نوروز هم از بامداد
- ۳۵ - کیست در این دیرگه دیرپای
- ۳۶ - دستکش کس نیم از بهر گنج
- ۳۷ - تأمل کنان در خطا و صواب
- ۳۸ - چرا گوید آن چیز در خفیه مرد
- ۳۹ - چو دیدند کواصاف و خلقش نکوست
- ۴۰ - ما گدایان خیل سلطانیم
- ۴۱ - تو به سیمای شخص می‌نگری
- ۴۲ - دل سراپرده محبت اوست
- ۴۳ - من و دل گر فدا شدیم چه باک
- ۴۴ - من بیچاره گردن به کمند
- ۴۵ - گر به عـقلم سخنی می‌گویند
- ۴۶ - من از اینجا به ملامت نروم
- ۴۷ - همه گو باد ببر خرمن عمر
- باشد از حیوان انسی در کمی
- بگسل ز هم این نژاد و پیوند
- که روزی رسان قوت روزش بداد
- روز برآرنده‌ی روزی خـوران
- که فلک و ارکان چو تو شاهی نژاد
- چند باشی بند سیم و بند زر
- فیض تو همیشه ببارک الله
- ای نهی تو منکر، امر معروف
- نگه کرد بر روی مردان دین
- آمدنش خرم و فرخنده باد
- کاو «لَمَن المُلک» زند جز خدای
- دستکشی می‌خورم از دسترنج
- به از ژاژخایان حاضر جواب
- که گر فاش گردد شود روی‌زرد
- به طبعش هواخواه گشتند و دوست
- شهربند هوای جانانیم
- ما در آثار صنع حیرانیم
- دیده آینه‌دار طلعت اوست
- غرض اندر میان سلامت اوست
- چه کنم گر به رکابش نروم
- بیم آن است که دیوانه شوم
- که من اینجا به امیدم گروم
- دو جهان بی تو نیرزد دو جوم

جمله حیوانات وحشی ز آدمی										بیت ۲۵	
باشد از حیوان انسی در کمی										عروضی مصراع اول	
جُمَلِ حَیْوَاناتِ وَحْشی زَادَمی											
می	دَ	زا	شی	وَح	تِ	نا	وا	حِی	لِ	جُم	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
می	کَ	دَر	سی	اِن	نِ	وا	حِی	دَز	شَ	با	هجا
باشَدَز حَیْوَانِ اِنْسِی دَر کَمی										عروضی مصراع دوم	

بفکن ز بی این اساس تزویر										بیت ۲۶
بگسل ز هم این نژاد و پیوند										عروضی مصراع اول
بِفکَن زِ پِیِن اَساسِ تَزوِیر										
ویر	تَز	سِ	سا	اَ	یی	پِ	زِ	کَن	بِف	هجا
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	علامت
										اختلاف
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	علامت
وَنَد	پِی	دُ	ژا	نِ	می	هَ	زِ	سَل	بُگ	هجا
بُگسَل زِ هَمِین نِژادُ پِیَوَند										عروضی مصراع دوم

دگر روز باز اتفاق افتاد										بیت ۲۷	
که روزی رسان قوت روزش بداد										عروضی مصراع اول	
دِگَر روز باز تِفاقِ وِفتاد											
تاد	ف	قو	فا	تِ	زِت	با	ز	رو	گَر	دِ	هجا
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	علامت
داد	بِ	زَش	رو	تِ	قو	سا	رِ	زی	رو	کِ	هجا
کِ روزی رِسانِ قوتِ روزش بَداد										عروضی مصراع دوم	

پرورش آموز درون پروران										بیت ۲۸	
روز برآرنده روزی خوران										عروضی مصراع اول	
پَرورِش اَموزِ دَرِونِ پَروران											
ران	وَ	پَر	رون	دَ	زِ	مو	شا	رِ	وَ	پَر	هجا
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
ران	خُ	زی	رو	یِ	دِ	رَن	را	بَ	زِ	رو	هجا
روز بَرارَندِیِ روزی خُوران										عروضی مصراع دوم	

ای ضیاء الحق حسام الدین راد که فلک و ارکان چو تو شاهی نژاد											بیت ۲۹
ای ضیاء لَحَق حُسَامُ دینِ راد											عروضی مصرع اول
ای	ضِ	یا	عَل	حَق	حُ	سا	مُد	دی	ن	راد	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
						*					اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	U	علامت
ک	فَ	لَک	وَر	کَانَ	چُ	تُ	شَا	هَی	نَ	زاد	هجاء
کِ فَلَکِ وَرِکَانَ چُ تِ شَاهِی نَزَاد											عروضی مصرع دوم

بود بقالی و وی را طوطی ای خوش نوایی سبز گویا طوطی ای											بیت ۳۰
بود بَقَالِی وی را طوطی ای											عروضی مصرع اول
ای	بو	د	بَق	قا	لی	ی	وی	را	طو	طی	هجاء
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	علامت
										*	اختلاف
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	علامت
خُش	نَ	وا	بی	سب	ز	گو	یا	طو	طی	ای	هجاء
خُش نَوَائِی سَبز گویا طوطی ای											عروضی مصرع دوم

ای خطبه‌ی تو تبارک الله فیض تو همیشه بارک الله											بیت ۳۱
ای خُطْبِی ت تَبَارِکُ لَلاه											عروضی مصرع اول
ای	خُط	ب	ی	ت	ت	با	ر	کَل	لاه	هجاء	
—	—	U	U	U	U	—	—	U	—	علامت	
					*					اختلاف	
—	—	U	—	—	U	—	—	U	—	علامت	
فِی	ضِ	ت	هَ	مِ	شِ	با	ر	کَل	لاه	هجاء	
فِیض تِ هَمِیشِ بَارِکُ لَلاه											عروضی مصرع دوم

ای تو به صفات خویش موصوف ای نهی تو منکر، امر معروف											بیت ۳۲
ای ت ب صِفَاتِ خِیش مَوْصوف											عروضی مصرع اول
ای	ت	ب	ص	فا	ت	خیش	مُو	صوف	هجاء		
—	—	U	U	—	U	—	—	—	علامت		
									اختلاف		
—	—	U	—	—	U	—	—	—	علامت		
ای	نَهِ	ی	ت	مُن	کِ	رَمَر	مَع	روف	هجاء		
ای نَهِی ت مَنکِر مَعروف											عروضی مصرع دوم

بیت ۳۳ حَبیبِ خدایِ جهانِ آفرین نَگه کرد بر رویِ مردانِ دین										
حَبیبِ خدایِ جَهانِ آفرین										
ح	ح	ب	خ	دا	ی	ج	ها	نا	ف	رین
U	-	U	U	-	U	U	-	-	U	-
		*								
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ن	گه	گر	د	بر	رو	ی	مر	دا	ن	دین
نَگه کرد بر رویِ مردانِ دین										

بیت ۳۴ آمد نوروژ هم از بامداد آمدنش خرم و فرخنده باد										
آمَد نوروژ هَمَز بامداد										
آ	مَد	نُو	رو	ز	ه	مَز	با	م	داد	
-	-	-	-	U	U	-	-	U	-	
-	U	U	-	U	U	-	-	U	-	
آ	م	د	نش	خر	ر	م	فر	خن	د	باد
آمَدنش خَرم فرخند باد										

بیت ۳۵ کیست در این دیرگه دیرپای کو «لَمَن المَلک» زند جز خدای										
کیست دَرین دیرگه دیرپای										
کیست	د	ری	دیر	گ	ه	دیر	پای			
U	U	-	U	U	U	-	U			
					*					
U	U	-	U	U	-	-	U			
کو	ل	م	نل	ملک	ز	ند	جز	خ	دای	
کو لِمَن المَلک زَنَد جَز خدای										

بیت ۳۶ دستکش کس نیم از بهر گنج دستکشی می خورم از دسترنج										
دَسْتکِشِ کَس نِیم از بَهرِ گَنج										
دست	ک	ش	کس	ن	ی	مَز	بِه	ر	گنج	
U	U	U	-	U	U	-	-	U	-	
		*								
U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	
دست	ک	شی	می	خ	ر	مَز	دست	رنج		
دَسْت کِشی می خُرم ز دَسْت رَنج										



بیت ۴۱										
توبه سیمای شخص می‌نگری										
تَبِ سِیْمَی شَخْصِ مِی نِگَرِی										
تُ	بِ	سِی	مَآ	یِ	شَخْصِ	مِی	نِ	گَ	رِی	
U	U	-	-	U	-	U	U	U	-	
							*	*		
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-	
مَآ	دَآ	رَآ	تَآ	رِ	صُنْعِ	جِی	رَآ		نِیْمِ	
مَآ دَرَاثَآرِ صُنْعِ حِیْرَانِیْمِ										

بیت ۴۲										
دل سراپرده محبت اوست										
دِلِ سَرَاپَرْدِی مَحَبَّتِ اوست										
دِلِ	سَآ	رَآ	پَرِ	دِ	یِ	مُ	حَبِ	بَآ	تِ	اوست
-	U	-	-	U	U	U	-	U	U	-
					*					
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
دِی	دِ	آ	یِی	نِ	دَا	رِ	طَلِ	عَآ	تِ	اوست
دِیدِ آیینِ دَارِ طَلَعَتِ اوست										

بیت ۴۳										
من و دل گرفتار شدیم چه باک										
مَنْ دِلِ گَرِفْتَا رُشْدِیْمِ چِ بَاکِ										
مَآ	نُ	دِلِ	گَرِ	فَآ	دَا	شُ	دِیْمِ	چِ	بَاکِ	
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
غَآ	رَآ	ضَنْ	دَرِ	مِ	یَا	سَآ	لَا	مَآ	تِ	اوست
غَرَضَنْدَرِ مِیَا سَلَامَتِ اوست										

بیت ۴۴										
من بیچاره گردن به کمند										
مَنْ بِیچَارِی گَرْدَنِ بِ کَمَنْدِ										
مَآ	نِ	بِی	چَا	رِ	یِ	گَرِ	دَنْ	بِ	کَآ	مَنْدِ
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
چِ	کُ	نَمِ	گَرِ	بِ	رِ	کَا	بَشِ	نَآ	رَآ	وَمِ
چِ گَنْمِ گَرِ بِ رِکَابَشِ نَرُومِ										



بیت ۴۵									
گر به عَقْلَمِ سَخْنِی می گویند									
بیم آن است که دیوانه شوم									
بِ	عَقَف	لَم	سُ	خَ	نِی	مِی	گِو	یَنْد	گَر
U	-	-	U	U	-	-	-	-	-
							*	*	*
مِ	آ	نَسْت	کِ	دِی	وَا	نِ	شَ	وَم	بِی
U	-	-	U	U	-	-	U	-	-
بیم آنست که دیوانِ شوم									

بیت ۴۶										
من از اینجا به ملامت نروم										
که من اینجا به امیدی گروم										
مَ	نَ	زین	جَا	بِ	مَ	لَا	مَت	نَ	رَ	وَم
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
کَ	مَ	نِی	جَا	بِ	أ	مِی	دِی	گِ	رَ	وَم
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
کِ مَنی جَا بِ اُمیدی گِروم										

بیت ۴۷										
همه گو باد ببر خرمن عمر										
دو جهان بی تو نیرزد دو جوم										
هَآ	مِ	گِو	بَا	دِ	بِ	بَر	خَر	مَ	نِ	عُمَر
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
دُ	جَ	هَانَ	بِی	تُ	نَ	یَر	زَد	دُ	جُ	وَم
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
دُ جَهان بی تُ نیرزد دُ جوم										

۲۹- تقطیع هجایی کدام بیت، به شکل زیر است؟

« \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U »

- (۱) شبی چون شبه روی شسته به قییر  
 (۲) خدایا به خواری مران از درم  
 (۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش  
 (۴) برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا
- نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر  
 که صورت نبیند دری دیگرم  
 نژند آن دل که او خواهد نژندش  
 چو رای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا

۳۰- علائم مقابل هجای مصراع اول کدام بیت، به صورت مقابل است؟ « \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ »

- (۱) تا که این دیوار عالی گردن است  
 (۲) درد عشقی کشیده‌ام که می‌پرس  
 (۳) اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام  
 (۴) گشت غمناک، دل و جان عقاب
- مانع این سر فروآوردن است  
 زهر هجری چشیده‌ام که می‌پرس  
 خارم، ولی به سایه گل آرمیده‌ام  
 چو از او دور شد ایام شباب

۳۱- تقطیع هجایی کدام بیت به صورت مقابل است؟ « \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U \_ »

- (۱) ای که گفتمی جان بده تا باشد آرام جان  
 (۲) همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر  
 (۳) به هوای آن که جایی قدمی نهاده باشی  
 (۴) در سر و کار تو کردم دل و دین با همه دانش
- جان به غم‌هایش سپردم، نیست آرامم هنوز  
 نهان کی ماند آن رازی کزو سزاند محفل‌ها  
 همه خاک‌های شیراز به دیدگان برفتم  
 مرغ زیرک به حقیقت منم امروز و تو دامی

۳۲- نشانه‌های هجایی کدام گزینه به شکل زیر است؟

« \_ U U \_ U \_ U \_ \_ U U \_ U \_ U »

- (۱) ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم  
 (۲) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید  
 (۳) جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب  
 (۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست
- مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را  
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها  
 که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را  
 و گر نه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند

۳۳- تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند  
 (۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی  
 (۳) جهاننا عهد با من جز چنین بستی  
 (۴) پرده برانداخت ز رخ یار نهان گشته ما
- \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_  
 \_ \_ U \_ \_ U \_ \_ U \_ \_ U  
 \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U  
 \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_

۳۴- هجاهای تقطیع شدهٔ زیر، علایم هجایی کدام مصراع است؟

« \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U »

- (۱) جهاننا مرا خیره مهمان چه خواهی؟  
 (۲) ندیدم کار دنیا را کناره  
 (۳) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
 (۴) ای گشته جهان و خوانده دفتر

۳۵- تقطیع هجایی کدام بیت مطابق الگوی هجایی زیر نیست؟

« \_ U \_ U \_ \_ U U \_ U \_ U \_ \_ »

- (۱) با خود مرا به خشم میار ای چرخ  
 (۲) ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش  
 (۳) شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو  
 (۴) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش  
 گردن مخار ضیغم غضبان را  
 بر باغ و راغ و گلشن صحرا مبارکست  
 ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو بیست  
 پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را

۳۶- تعداد هجای کشیده کدام بیت نادرست است؟

- (۱) گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست  
 (۲) اول نظر ز دست برفتم عنان عقل  
 (۳) خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید  
 (۴) خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار  
 خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است (۴ مورد)  
 وان را که عقل رفت چه داند صواب را (۵ مورد)  
 دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را (۵ مورد)  
 خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من (۴ مورد)

۳۷- خط عروضی و تقطیع هجایی هیچ یک از مصراع‌های زیر درست نیست، به جز گزینهٔ .....

(۱) سرمست کسی باشد کو خود خبرش نبود

سر / مَسَدات / اک / سی / با / شد / کوا / خُد / اخ / ب / ارش / ان / بود

(۲) باز این دل دیوانه زنجیر همی بُرد

با / ز / این / دل / دی / او / ان / زن / جی / ار / ه / می / بُر / اَرَد

(۳) چون تیر همی پرد از قوس تنم جانم

چون / تی / ار / ه / می / پَر / اَرَد / از / قو / اس / ات / نَم / جا / انم

(۴) کوه‌ها را ز تجلی همه چون طور کنیم

کو / ه / ها / را / ز / تَ / جَل / الی / ه / م / چُن / طو / ار / اک / انیم

فصل ششم: تقسیم به ارکان عروضی

در مثال‌های پنج فصل قبل، از چندین نوع وزن متفاوت استفاده کردم. به تعداد هجاها یا نوع چینش هجاهای کوتاه و بلند آنها دقت کردید؟ یک بار دیگر از هر کدام یک بیت را با هجاهای آن می‌آورم. به تعداد و ترکیب آنها دقت کنید.

۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی  
 ز بامی کسه برخاست مشکل نشیند

— U — — U — — U — — U — — U — — U

۲- بیا تا برآریم دستی ز دل  
 که نتوان برآورد فردا ز گل

— U — — U — — U — — U — — U

۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب  
 بر سرش زد گشت طوطی گل ز ضرب

— U — — — U — — — U — — — U — —

۴- چو در وقت بهار آیی پدیدار  
 حقیقت پرده، برداری ز رخسار

— — U — — — U — — — U — — — U

۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا  
 غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا

— U — — UU — — UU — — UU — —

۶- هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست  
 ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست

— U — — UU — — U — — UU — — UU — —

۷- ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی  
 دل بی تو به جان آمد، وقت است که باز آیی

— — — UU — — — — UU — — — — UU — —

۸- تنگ چشمان نظر به میوه کنند  
 ما تماشاکنان بستانیم

— UU — U — U — — U — — UU — U — U — — U — —

۹- باز این چه شورش است که در خلق عالم است  
 باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

— U — U — — UU — U — U — — UU — U — U — —

گفتیم وزن تکرار منظم یک حرکت، رفتار، صدا و ... است و «وزن شعر» تکرار صدایی است که گوش با شنیدن آن، نظم خاصی را درک می‌کند. با دقت در هجاهای پنج مثال اول، در می‌یابیم که هر مصراع از تکرار الگوی هجایی خاصی به دست آمده است. با جدا کردن این الگوها از همدیگر، نظم خاصی را در مصراع برقرار می‌کنیم. این فاصله‌ها، **مرز پایه‌های آوایی هستند.**

— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	۱- مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	۳- دید پر روغن دکان و جامه چرب
— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	۴- چو در وقت بهار آیی پدیدار
— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	— U — — U — — U — — U	۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

وزن شعر مثال اول ۴ بار تکرار الگوی هجایی « U — — » شد. اما وقتی وزن این شعر را از ما بپرسند؛ نمی‌گوئیم چهار بار « U — — ». بلکه ساختار « U — — » در علم عروض، معادل خاصی دارد و آن «فَعُولُن» است. در واقع اگر وزن این شعر را از ما پرسیدند؛ می‌گوئیم: فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن. «فَعُولُن» یک «رکن» یا «وزن‌واژه» یا «پایه‌ی آوایی» است. مهمترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ مورد می‌باشند و در ۳ دسته جای می‌گیرند، که ذیلاً با آن‌ها آشنا می‌شوید:

الف) ارکانی که هم در پایان مصراع می‌آیند و هم غیرپایان می‌توانند قرار بگیرند.

— U —	فَاعِلُن	۷	— — U —	فَاعِلَاتُن	۱
— U — U	مَفَاعِلُن	۸	— — — U	مَفَاعِلَاتُن	۲
— U U	فَعِلُن	۹	— U — —	مُسْتَفْعِلُن	۳
— — —	مَفَعُولُن	۱۰	— — — U	فَعُولُن	۴
— —	فَع لُن	۱۱	— U U —	مُفْتَعِلُن	۵
			— — U U	فَعَلَاتُن	۶

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. (زیرا آخرین هجای آن‌ها کوتاه است)

U U — —	مُسْتَفْعِلُ	۴	U — U —	فَاعِلَاتُ	۱
U — —	مَفَعُولُ	۵	U — U U	فَعَلَاتُ	۲
U U — U	مَفَاعِلُ	۶	U — — U	مَفَاعِلُ	۳

ج) ارکان پایانی که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

—	فَع	۲	— U	فَعَل	۱
---	-----	---	-----	-------	---

توجه: خوبی این وزن‌واژه‌ها، هم‌وزنی با الگوی هجایی آن‌هاست. به الگوی هجایی آن‌ها توجه کنید.

— — U —	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن
— — — U	مَفَاعِلَاتُن	مَفَاعِلَاتُن
— U — —	مُسْتَفْعِلَاتُن	مُسْتَفْعِلَاتُن
— U U —	مُفْتَعِلَاتُن	مُفْتَعِلَاتُن
— U —	فَاعِلَاتُن	فَاعِلَاتُن
— — U	فَعُولَاتُن	فَعُولَاتُن
— U	فَعَلَاتُن	فَعَلَاتُن

### تشخیص مرز پایه‌های آوایی و رسیدن به ارکان یا وزن‌واژه‌های یک مصراع به دو روش انجام می‌شود.

الف) با توجه به تقطیع و چینش هجاها، تشخیص بدهیم که هجاها را «چند تا چند تا» جدا کنیم تا به ترتیب منظمی برسیم. مثلاً در مثال ۱ و ۲ اگر هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم به ترتیب منظمی می‌رسیم. حال اگر ابیات مثال‌های ۳ و ۴ و ۵ را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم، نظمی در آنها دیده نمی‌شود. ولی اگر «۴ تا ۴ تا» جدا کنیم، نظم می‌گیرند و همسان می‌شوند. اوزان ۱ تا ۵ را **اوزان همسان یا همسان تک‌پایه‌ای** می‌گویند. در مثال ۶ ابتدا هجاها را ۳ تا ۳ تا جدا می‌کنیم، نظمی ندارد، ۴ تا ۴ تا جدا می‌کنیم، باز هم نظمی ندارد. ولی وقتی «۴ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، متوجه می‌شویم، هر مصراع از الگوی منظمی پیروی می‌کند، به این صورت که رکن اول در رکن سوم، و رکن دوم در رکن چهارم تکرار شده‌اند. این‌گونه اوزان را نیز همسان می‌گوئیم ولی چون با اوزان همسان ۱ تا ۵ تفاوت دارند و ارکان، کلاً یکسان نیستند، و از ۲ پاره یا ۲ لخت تشکیل شده‌اند، آنها را **اوزان همسان دولختی (دوری)** می‌گویند. مثال ۷ نیز همینطور است با این تفاوت که اگر هجاها را «۳ تا ۴ تا» جدا کنیم، شاهد این تناوب خواهیم بود.

در مثال‌های ۸ و ۹ ابتدا هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا می‌کنیم، نظمی مشاهده نمی‌شود. بار دیگر هجاها را «۴ تا ۴ تا» جدا می‌کنیم، باز هم نظمی مشاهده نمی‌شود. مدل‌های مرسوم دیگر مانند «۴ تا ۳ تا» یا «۳ تا ۴ تا» را امتحان می‌کنیم ولی باز هم هیچ نظمی مشاهده نمی‌شود. این‌گونه اوزان را که هیچ نظم مشخصی ندارند ولی در کل آهنگین هستند، **اوزان ناهمسان** می‌گوئیم.

### در واقع با توجه به نظم هجاها سه نوع نظم در آنها دیده می‌شود:

الف) همسان تک‌پایه‌ای: شعری که هر سه یا چهار رکن آن **یکسان** هستند. مانند: مثال‌های ۱ تا ۵

ب) همسان دو لختی: شعری با **چهار** رکن که «رکن ۱ و ۳» و «رکن ۲ و ۴» یکسان هستند. مانند: مثال‌های ۶ و ۷

ج) ناهمسان: شعری که حداقل **سه** رکن متفاوت داشته باشد. مانند مثال‌های ۸ و ۹

**توجه:** پایه‌ی آوایی، وزن‌واژه و رکن آوایی یا عروضی هر سه اصطلاحاتی هستند که برای الگوهای هجایی منظم درون مصراع به کار می‌روند. **فاصله یک رکن و رکن دیگر را «مرز آوایی» می‌گویند.**

دَر بُنِ این	پَرْدِ یِ نِی	لُوقَرِی
- UU -	- UU -	- U -
مُفْتَعِلُنْ	مُفْتَعِلُنْ	فَاعِلُنْ

ب) روش دیگری که مرز پایه‌های آوایی را مشخص می‌کند، **روش سمعی** است. در این روش، بدون تقطیع هجایی با توجه به فراز و فرودهای آوایی، متوجه مکث‌هایی درون یک مصراع می‌شویم. مثلاً وقتی بی‌تی را می‌خوانیم، در محل‌هایی مکث می‌کنیم، آن مکث، محل مرز آوایی وزن‌واژه‌هاست.

### به خوانش و مکث‌های موجود در بیت زیر دقت کنید.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند      به نازی که لیلی به محمّل نشیند  
غمش در **نهان‌خا** نه یِ دل نشیند      به نازی **که لیلی** به محمّل نشیند

اکنون برای قسمت‌های تفکیک‌شده «وزن‌واژه» مناسب را می‌آوریم.

غمش در نهران‌خانه‌ی دل نشیند	به نازی که لیلی به محمـل نشیند
غمش در نهران‌خا نه‌ی دل نشیند	به نازی که لیلی به محمـل نشیند
فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ	فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ

چند مثال دیگر:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود
ای ساربان آهسته ران کارام جا نم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستا نم می‌رود
مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ	مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ مُسْتَفَعِلُنْ

من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم	که عشق از پرده‌ی عصمت، برون آرد زلیخا را
من از آن حُسنِ روزافزون که یوسف داشت دانستم	که عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را
مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه‌کی کنم باز؟
ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه‌کی کنم باز؟
مَفَعولُ مَفَاعِلُنْ فَعولُنْ	مَفَعولُ مَفَاعِلُنْ فَعولُنْ

توجه داشته باشید در این روش باید بدون تقطیع هجایی و از راه شنیدن به رمز آوایی و وزن‌واژه‌ها برسیم.

به خوانش و تقطیع بیت زیر توجه کنید.

وقتی دل سودایی، می‌رفت بستان‌ها  
وقتی این شعر را می‌خوانیم، در وهله اول متوجه مکثی میان هر مصراع می‌شویم. و هر مصراع را دو پاره می‌کنیم.

وقتی دل سودایی	می‌رفت به بستان‌ها	بی‌خویشتم کردی	بوی گل و ریحان‌ها
----------------	--------------------	----------------	-------------------

در مرحله دوم متوجه مکثی درون نیم‌مصراع‌ها می‌شویم.

وقتی د	ل سودایی	می‌رفت	به بستان‌ها	بی‌خویشـ	تم کردی	بوی گـ	ل ریحان‌ها
--------	----------	--------	-------------	----------	---------	--------	------------

در هر دو روش اولین و اصلی‌ترین شرط، درست‌خواندن شعر است.

### نقدی بر کتاب درسی

به جرئت می‌توانم بگویم که کتاب درسی، اصلاً توان پاسخ‌گویی به سوالات کنکور را ندارد. و نه تنها این که اصلاً عروض را خوب درس نداده، بلکه به شدت ضعیف است. تردید بین روش سنتی و مدرن، عروض سنتی و نو، تردید در آموزش سماعی و نوشتاری و دوگانگی‌های دیگر، مانند: انتخاب معادل‌های امروزی به جای معادل‌های کهن، همچون: وزن‌واژه و پایه‌های آوایی به جای رکن، و دو لختی به جای دوری و دیگر تفاوت‌های عروض سنتی و نو و وجود غلط‌های تایپی فراوان و تغییر ساختار کتاب در چند سال اخیر و حذف‌های بی‌مورد، معجون و مخلوطی از آموزش را پدید آورده است که نه تنها دانش‌آموز را سر در گم می‌کند، بلکه معلّم‌ها را نیز به حیرت وا داشته است. به راحتی می‌توان فهمید، مؤلفین برای چهارچوب و ساختار کتاب، هیچ برنامه‌ی دقیق و یک‌دستی نداشته‌اند. و ندانسته‌اند کدام روش را برگزینند. علم عروض، تخصصی‌ترین قسمت ادبیات در دوره دبیرستان است. این مبحث، نه تنها سخت و خسته‌کننده نیست؛ بلکه بسیار شیرین و لذت‌بخش است. این لذت را وقتی درک می‌کنید که ببینید دانش‌آموزی بدون گذراندن واحدهای دانشگاهی و با تمرین و تکرار بتواند پس از شنیدن یا خواندن بیت‌ی، وزن آن را بگوید. مهم‌ترین ضعف مؤلفین کتاب، آشنا نبودن به ایراد و اشکالات دانش‌آموزان است. برای تألیف جزوه یا کتاب عروض، شاعر بودن یا ادیب‌بودن کافی نیست. اولین و اصلی‌ترین شرط مؤلف کتاب عروض، معلّم بودن است. تا معلّم نباشید و عروض را در کلاس - تأکید می‌کنم در کلاس - برای دانش‌آموز ضعیف و کم‌سواد درس نداده باشید، نمی‌توانید کتابی تألیف کنید که دانش‌آموز را از اشتباهات محتمل دور کند. بله مؤلفین در سال دهم، هجا را گفته‌اند و یک‌ضرب در سال یازدهم به تقطیع شعر رسیده‌اند! و بدون هیچ فاصله‌ای به مرز ارکان رسیده‌اند و وزن نهایی شعر را در درس اول سال یازدهم ارائه کرده‌اند! از دیگر اشتباهات فاحش مؤلفین، جدا از بی‌سلیقگی در انتخاب اشعار ناب و پرمحتوا، ضعف در انتخاب ابیات برای ارائه‌ی مثال است. مثلاً بسیاری از ابیات که اختیارات شاعری دارند را در سال دهم و یازدهم آورده‌اند و هیچ هم به این فکر نکرده‌اند که ارکان «زکوی یا»، «نسیم با»، «چراغ دل» با توجه به اختیارات شاعری با «مفاعیلن» برابر می‌شوند و حال آن‌که دانش‌آموزان، اختیارات شاعری را در سال بعد باید بخوانند. یا پیش از آن‌که نکته‌ی حذف «ن» ساکن بعد از مصوّت بلند گفته شود، در درس یازدهم سال دهم، همچین مثالی آورده می‌شود. آوردن درس قافیه وسط درس‌های عروض! آن‌هم به طور ناقص و سردرگم! حذف قافیه میانی و اشتباه گرفتن آن با قافیه درونی! از دیگر ضعف‌های کتاب، تمرین‌های ضعیف، ناکارآمد و بی‌ذوق و حتی استفاده از منابع و نسخ غیر معتبر را می‌توان برشمرد. توجه به ویرگول، نیم فاصله و علائم ویراشی دیگر، در عروض اهمیت بسیار دارد که در این کتاب و البته کتاب‌های فارسی - و احتمالاً در کتب دروس دیگر - اصلاً رعایت نشده است. این‌ها انتقاداتی بود که بنده با اغماض فراوان هم نتوانستم از آن‌ها بگذرم و قطعاً معلّم‌های دیگر هم انتقاداتی دیگر دارند که شاید منطقی و درست باشد. به هر حال این جزوه را دبیری تألیف می‌کند که علاوه بر شاعر بودن و تحصیلات عالی دانشگاهی، ۱۷ سال از عمر خود را در تدریس این درس، در کلاس‌های ادبیات و کارگاه‌های شعر و ترانه گذرانده است و اشتباهات قطعی و محتمل دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان را به خوبی درک کرده است و برای هر اشتباهی که دانش‌آموزان در سال‌های گذشته مرتکب آن شده‌اند، نکته‌ای آورده و مثالی زده است. امید که با خواندن این جزوه، توانایی درک وزن ابیات را کسب کرده و از آن‌ها لذت ببرید. (کنکور هم جای خود را دارد.)



### ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

قبله هرکس به جایی قبله سعدی سرایت  
 کاو نخواهد ماند بی شک وین بماند یادگاری  
 یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر بپوشد  
 که تو انگشت‌نمایی و خلایق نگرانت  
 زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید  
 دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را  
 کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود  
 بر جای بدنایم چو من یک دم نکوکاری کند  
 بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را  
 یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا  
 راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا  
 مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را  
 صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت  
 تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم  
 دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی  
 به نازی که لیلی به محمل نشیند  
 مبادا غباری به محمل نشیند  
 که مخصوص بادی به تأیید سرمد  
 گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست  
 قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر  
 که به پیمانہ‌کشی شهره شدم روز السبت  
 پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست  
 که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت  
 و نه اندیشه این کار فراموشش باد  
 این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد

۴۸ - هرکسی را دل‌ربایی همچو ذره در هوایی  
 ۴۹ - عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید  
 ۵۰ - هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد  
 ۵۱ - نه من انگشت‌نمایم به هواداری کویت  
 ۵۲ - رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد  
 ۵۳ - گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی  
 ۵۴ - محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان  
 ۵۵ - آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند  
 ۵۶ - برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق‌فام را  
 ۵۷ - یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا  
 ۵۸ - این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی  
 ۵۹ - رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل  
 ۶۰ - اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را  
 ۶۱ - تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیازایی  
 ۶۲ - چنانست دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد  
 ۶۳ - تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی  
 ۶۴ - غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند  
 ۶۵ - به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن  
 ۶۶ - خردمند شاه‌ا رعیت پناها  
 ۶۷ - ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست  
 ۶۸ - فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر  
 ۶۹ - مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست  
 ۷۰ - زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست  
 ۷۱ - عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت  
 ۷۲ - صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد  
 ۷۳ - من که شب‌ها ره تقوا زده‌ام با دلف و چنگ

بیت ۴۸ هر کسی را دلربایی همچو ذره در هوایی قبله هر کس به جایی قبله سعدی سرایت

هَر کَسِی رَا دِلرَبَائِیِ هَمچُو ذَرِّهٔ دَرِ هَوَائِیِ

هَر	کَـ	سِی	رَا	دِل	رُ	بَا	یِی	هَم	چُ	ذَر	رِ	دَر	هَـ	وَ	یِی
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
		*								*					
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
قَبِـ	لِ	یِ	هَر	کَسِ	بِـ	جَا	یِی	قَبِـ	لِ	یِ	سَعِ	دِی	سَـ	رَا	یَتِ

قَبْلِیِ هَر کَسِ بِ جَائِیِ قَبْلِیِ سَعْدِی سَرَائِتِ

بیت ۴۹ عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید کاو نخواهد ماند بی شک وین بماند یادگاری

عُمَرِ سَعْدِی گَر سَرآیِد دَر حَدِیثِ عِشْقِ شَائِدِ

عُم	رِ	سَعِ	دِی	گَر	سَـ	رَا	یَدِ	دَر	حِ	دِی	ثِ	عِشْقِ	شَا	یَدِ
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	—	—
											*			
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—
کَو	نَـ	خَا	هَدِ	مَا	نَدِ	بِی	شَکِ	وِی	بِـ	مَا	نَدِ	یَا	دِ	گَا

کَو نَخَاهَد مَانَد بِی شَکِ وِی بَمَانَد یَا دِ گَا رِی

بیت ۵۰ هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد یا مگس را پر ببندد یا غسل را سر بیوشد

هَر کِ شِیرِیْنِی فُرُوشَد مُشْتَرِی بَرِ وِی بَجُوشَد

هَر	کِ	شِی	رِی	نِی	فُ	رُ	شَد	مُش	تَ	رِی	بَرِ	وِی	بِـ	جُ	شَد
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
یَا	مَـ	گَسِ	رَا	پَرِ	بِـ	بَنَدِ	دَدِ	یَا	عَـ	سَلِ	رَا	سَرِ	بِـ	پُ	شَد

یَا مَگَسِ رَا پَرِ بَبِنَدَدِ یَا عَسَلِ رَا سَرِ پِیُوشَد

بیت ۵۱ نه من انگشت نمایم به هواداری رویت که تو انگشت نمایی و خلاق نگرانت

نَ مَنَنْگِشْتِ نَمَائِم بَ هَوَادَارِیِ رُوبِتِ

نَ	مَـ	نَن	گُشْتِ	نُ	مَا	یَمِ	بِـ	هَـ	وَ	دَا	رِی	یِ	رُ	یَتِ
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	—
											*			
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	—
کِ	تُ	أَن	گُشْتِ	نُ	مَا	یِی	یِ	خَـ	لَا	یَقِ	نِ	گَـ	رَا	نَتِ

کِ تَ أَنْگِشْتِ نَمَائِیِ خَلَائِقِ نِگَرَانَتِ

بیت ۵۲ رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید

رَشْکَمَزِ پِیْرَهِنَا یَدِکِ دَرَاغُوشِ تِ خُسَبِدِ

رَش	کَ	مَز	پِیْر	هَـ	نَا	یَد	کِ	دَ	رَا	غُو	شِ	تُ	خُس	بَد
—	U	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
														*
—	U	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
زَه	رَ	مَز	غَا	لِ	یِ	آ	یَد	کِ	بَ	رَن	دَا	مِ	تُ	سَا

زَهْرَمَزِ غَالِیِ آیدِکِ بَرَنْدَامِ تِ سَایِدِ

بیت ۵۳ گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

گَر مَخِیْر بَکَنْنَدَمِ بَ قِیَاْمَتِ کِ چِ خَاهِی

گَر	مُ	خِی	یِر	بُ	کُ	نَن	دَم	بِ	قِ	یَا	مَت	کِ	چِ	خَا	هِی
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
						*									
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
دو	سِت	مَا	رَا	وُ	هَـ	مِ	نِیْع	مَ	تِ	فِرِ	دُو	سِ	شُ	مَا	رَا

دوست ما را و هم نعمت فردوس شمارا

بیت ۵۴ محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می رود

مَحْمِلِ بَدَارِی سَارَوَانِ تَنْدِی مَکْنِ بَا کَارَوَانِ کَزِ عِشْقِ اَنْ سَرُو رَوَانِ گُوِیِ رَوَانِمِ مِی رُوْدِ

مَح	مِل	بِ	دَا	رِی	سَا	رِ	وَ	تُن	دِی	مَ	کُن	بَا	کَا	رِ	وَ
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
					*										
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
کَز	عِشْ	قِ	آ	سَر	وَ	رِ	وَ	گُو	یِی	رِ	وَ	نَم	مِی	رِ	وَ

کَزِ عِشْقِ اَنْ سَرُو رَوَانِ گُوِیِ رَوَانِمِ مِی رُوْدِ

بیت ۵۵ آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند بر جای بدنایم چو من یک دم نکوکاری کند

اَنْ کِیْسِتِ کَزِ رُوِیِ کَرَمِ بَا مَا وَفَادَارِیِ کَنْدِ بَرِ جَاِیِ بَدَنَامِیِ چُو مَن یَکِ دَمِ نِکُو کَارِیِ کَنْدِ

آ	کیست	کَز	رُو	یِ	کَ	رَم	بَا	مَا	وَ	فَا	دَا	رِی	کُ	نَد
—	—	U	—	U	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
				*										
—	—	U	—	—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
بَر	جَا	یِ	بَد	نَا	مِی	چُ	مَن	یَکِ	دَم	نِ	کُو	کَا	رِی	کُ

بَر جَاِیِ بَدَنَامِیِ چُو مَن یَکِ دَمِ نِکُو کَارِیِ کَنْدِ

بیت ۵۶ برخیز تا یک سو نهیم این دل ازرق فام را بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را

برخیز تا یک سو نهیم این دل ازرق فام را

بَر	خِیْز	تا	یَک	سو	نَ	هی	می	دَل	قِ	اَز	رَق	فا	م	را
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَر	با	دِ	قَل	لا	شی	دَ	هی	می	شِر	کِ	تَق	وا	نا	م

بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را

بیت ۵۷ یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا

یا	ر	مَ	را	غا	ر	مَ	را	عِش	قِ	ج	گَر	خا	ر	مَ	را
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
یا	ر	تُ	یِ	غا	ر	تُ	یِ	خا	ج	نِ	گه	دا	ر	مَ	را

یار تویی غار تویی خاج نگه دار مرا

بیت ۵۸ این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا

این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی

ای	تَ	نَ	گَر	گَم	تَ	نَ	دی	را	ه	دِ	لَم	را	زَ	نَ	دی
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
را	ه	شُ	دی	تا	نَ	بُ	دی	ای	هَ	مِ	گُف	تا	ر	مَ	را

راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا

بیت ۵۹ رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

رَس	تَ	مَ	زی	پی	تُ	غَ	زَل	ای	شَ	هَ	سَل	طا	نِ	أَ	زَل
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
مُف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	مُف	تَ	عِ	لُن	کُشت	مَ	را	

مُفْتَعِلُن مُفْتَعِلُن مُفْتَعِلُن کُشت مَرا

بیت ۶۰ اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

اگر آن ترک شیرازی ب دستار دل ما را

ا	گر	آ	تُر	کِ	شی	را	زی	بِ	دَس	تا	رَد	دِ	لِ	ما	را
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	U	-	-
		*		*									*		
U	-	U	-	-	-	-	-	U	-	-	U	U	-	-	-
بِ	خا	لِ	هِن	دو	یَش	بَخ	شَم	سَ	مَر	قَن	دُ	بُ	خا	را	را

بِ خالِ هِنْدویشِ بَخْشَمِ سَمَرْقِنْدُ بَخارا را

بیت ۶۱ تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت

ت گر خواهی ک جاویدا جهان یکسر بیارایی

تُ	گر	خا	هی	کِ	جا	وی	دا	جَ	ها	یک	سَر	بِ	یا	را	یی
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
صَ	با	را	گو	کِ	بَر	دا	رَد	زَ	ما	نی	بُر	قَ	عَز	رو	یت

صَبارا گو کِ بَردارد زَمانی بَرَقَعز رویت

بیت ۶۲ چنانست دوست می دارم که گر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم

چنانست دوست می دارم کِ گر روزی فراق افتد

چُ	نا	نَت	دو	ست	می	دا	رَم	کِ	گر	رو	زی	فِ	را	قُف	تَد
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
تُ	صَب	رَز	مَن	تَ	وا	نی	کَر	دُ	مَن	صَب	رَز	تُ	نَت	وا	نَم

تُ صَبَرَز مَن تَوانی کَرْدُ مَن صَبَرَز تَ نَتوانم

بیت ۶۳ تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی

ت از هر در کِ بازایی بدی خوبی یُ زیبایی

تُ	آز	هَر	دَر	کِ	با	زا	یی	بِ	دی	خو	بی	یُ	زی	با	یی
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
										*					
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	U	-	U	-	-	-
دَ	ری	با	شَد	کِ	آز	رَح	مَت	بِ	رو	یِ	خَلق	بَگ	شا	یی	

دَری بَاشد کِ آز رَحْمَتِ بِ رَوی خَلقِ بَگشایی

بیت ۶۴											
غمش در نهان خانه‌ی دل نشیند											
بِه نازی که لیلی به محمل نشیند											
غَمَش دَر نَهَانِ خَانِ یِ دِلِ نِشِیْنَد											
غَ	مَش	دَر	نَ	هَا	خَا	نِ	یِ	دِلِ	نِ	شِی	نَد
U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
							*				
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
بِ	نَا	زِی	کِ	لِی	لِی	بِ	مَچ	مِلِ	نِ	شِی	نَد
بِ نَازِی کِ لِیْلِی بِ مَحْمِلِ نِشِیْنَد											

بیت ۶۵											
به دنبال محمل سبک تر قدم زن											
مَبَادَا غُبَارِی بِه مَحْمِلِ نِشِیْنَد											
بِ دُنْبَالِ مَحْمِلِ سَبْکِ تَر قَدَمِ زَن											
بِ	دُنْ	بَا	لِ	مَچ	مِلِ	سَ	بُک	تَر	قَ	دَم	زَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
مَ	بَا	دَا	غُ	بَا	رِی	بِ	مَچ	مِلِ	نِ	شِی	نَد
مَبَادَا غُبَارِی بِ مَحْمِلِ نِشِیْنَد											

بیت ۶۶											
خردمند شاها رعیت پناها											
کِه مَخْصُوصِ بَادِی بِه تَأْیِیدِ سَرْمَدِ											
خِرْدَمَنْدِ شَاهَا رَعِیْتِ پَنَاهَا											
خِ	رَد	مَنْد	شَا	هَا	رَ	عِی	یْت	پَ	نَا	هَا	
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	
کِ	مَچ	صِو	صِو	بَا	دِی	بِ	تَأْ	بِی	دِ	سَر	مَد
کِ مَخْصُوصِ بَادِی بِ تَأْیِیدِ سَرْمَدِ											

بیت ۶۷												
ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق یار نیست												
اِی کِ گُفْتِی هِیْچِ مُشْکِلِ چُن فِرَاقِ یَارِ نِیْسْت												
اِی	کِ	گُف	تِی	هِیْچِ	مُش	کِلِ	چُن	فِ	رَا	قِ	یَا	رِ
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	U	-	-
										*		
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
گِر	أ	مِیْد	دِ	وَصَل	بَا	شَد	هَم	چَ	نَا	دُش	وَا	رِ
گِر اَمِیدِ وَصَلِ بَاشَدِ هَمچُنَانِ دُشْوَارِ نِیْسْت												



بیت ۷۲ صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد													
ور نه اندیشه این کار فراموشش باد													
صوفییر باد ب انداز خرد نوشش باد													
صو	فی	یر	با	د	ب	آن	دا	ز	خ	رد	نو	شش	باد
—	—	—	—	U	U	—	—	—	U	U	—	—	—
	*											*	*
—	—	—	—	U	U	—	—	—	U	U	—	—	—
وَر	نَ	آن	دی	ش	ی	این	کا	ر	فَ	را	مو	شش	باد
وَر نَ اندیشِ یِ این کار فراموشش باد													

بیت ۷۳ من که شب ها ره تقوا زدهام با دف و چنگ														
این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد														
مَن کِ شَبهَارَه تَقوَا زِدِ اَم بَا دَفُ چَنگ														
مَن	کِ	شَب	ها	رَ	هـ	تَق	وا	زَ	دِ	اَم	با	دَ	فُ	چَنگ
—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—
												*	*	
—	—	—	—	U	U	—	—	—	U	U	—	—	—	—
ای	زَ	ما	سَر	بِ	رَ	ها	رَم	چَ	حِ	کا	یَت	با	شَد	
این زمان سَر ب رَهَارَم چِ حِکَایَت بَاشَد														

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.



۳۸- علامت هجایی « U \_ \_ U \_ \_ U \_ \_ U \_ \_ » نشان دهنده کدام گزینه است؟

- (۱) بنالد همی پیش گلزار بلبل  
(۲) تو ندانم به چه امید نهادستی  
(۳) بگو از دلیران و مردان جنگ  
(۴) تو را پاک آفرید ایزد، ز خود شرمتم نمی‌آید

۳۹- در علامت هجاهای کدام گزینه، چهار بار الگوی هجایی « \_ \_ U \_ \_ » تکرار شده است؟

- (۱) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست  
(۲) همه عالم گواه عصمت اوست  
(۳) هر چه بودم منتظر آخر نیامد در کنارم  
(۴) تا به کی افتم و تا چند به پا برخیزم

۴۰- وزن و پایه‌آوایی کدام گزینه با مصراع «روشن ندارد خانه را، قندیل ناآویخته» یکسان است؟

- (۱) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای  
(۲) ای عاشقان ای عاشقان پیمانہ را گم کرده‌ام  
(۳) تا دل من رو به قناعت نهاد  
(۴) دل پی دلدار رفت دیده چو آن حال دید  
حسن تو جلوه می‌کند و این همه پرده بسته‌ای  
زان می که در پیمانها اندر ننگجد خورده‌ام  
ملک جهان را به جهان باز داد  
اشک به دندان گرفت دامن و در پی دويد

۴۱- خوشه‌های هجایی کدام بیت به شکل زیر است؟

« \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ U \_ \_ \_ »

- (۱) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند  
(۲) نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس  
(۳) ای مسمانان فغان از جور چرخ چنبری  
(۴) روزگارست این که عزت می‌دهد گه خوار دارد  
همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی  
که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست  
و ز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری  
چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

۴۲- خوشه‌های هجایی واژگان مصراع از بیت «نه چنان گناهکارم که به دشمنم سپاری // تو به دست خویش فرمای

اگرم کنی عذابی» در کدام گزینه نشان داده شده است؟

(۲) \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U

(۱) \_ \_ U \_ / U \_ U U / U \_ U \_ / U \_ U U

(۴) \_ \_ U \_ / U \_ U U / \_ \_ U \_ / U \_ U U

(۳) \_ \_ U \_ / \_ \_ U U / \_ \_ U \_ / \_ \_ U U

۴۳- تقطیع هجایی کدام مصراع مطابق الگوی هجایی زیر است؟

« \_ \_ U \_ U \_ \_ // \_ \_ U \_ U \_ \_ »

- (۱) مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا  
(۲) گر قاب قوس خواهی، دل راست کن چو تیری  
(۳) یک شمع از این مجلس، صد شمع بگیراند  
(۴) ای صوفیان عشق بدرید خرقه‌ها

۴۴- تقطیع هجایی زیر مربوط به کدام گزینه است؟

( \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U \_ \_ U U )

- (۱) چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد  
(۲) شده نزدیک که هجران تو ما را بکشد  
(۳) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند  
(۴) دل و جانم به تو مشغول و نظر بر چپ و راست

۴۵- وزن و اژه بیت زیر کدام است؟

«یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که او سرسپرده می خواست، من دل سپرده بودم»

- (۱) مَفْعُولُ مَفَاعِلَيْنِ مَفْعُولُ مَفَاعِلَيْنِ  
(۲) مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ  
(۳) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ  
(۴) مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

۴۶- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم»

- (۱) \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۲) \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U / \_ \_ \_ U  
(۳) \_ \_ U \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U \_ / \_ U \_ U  
(۴) \_ \_ U U / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U

۴۷- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«دلم از تو چون برنجد، که به وهم درنگنجد که جواب تلخ گویی تو بدین شکردهانی»

- (۱) \_ \_ U \_ / U \_ U U / \_ \_ U \_ / U \_ U U  
(۲) \_ \_ U \_ / \_ \_ U U / \_ \_ U \_ / \_ \_ U U  
(۳) \_ \_ U \_ / U \_ U U / U \_ U \_ / U \_ U U  
(۴) \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U / \_ \_ U U

۴۸- تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر در کدام گزینه درست نشان داده شده است؟

به یاد یار و دیار آنچنان بگیریم زار که از جهان ره و رسم سفسر براندازم

- (۱) \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U      \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۲) \_ U U / U \_ U U / U \_ U U / U \_ U U      \_ U U / U \_ U U / U \_ U U / U \_ U U  
(۳) \_ \_ / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U      \_ \_ / \_ U \_ U / \_ U \_ U / \_ U \_ U  
(۴) \_ \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U      \_ \_ / \_ U \_ U / \_ \_ U U / \_ U \_ U

**فصل هفتم: اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو**

در فصل ششم آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روشِ سماعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و همچنین دیدیم بر این مبنا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: **اوزان همسان تک‌پایه‌ای**، **اوزان همسان دولختی (دُوری)** و **اوزان ناهمسان**. و همچنین وزن ۹ بیت را بررسی کردیم و به دو روش فوق به دست آوردیم. در این فصل، **تمام اوزانی** که در هر یک از ۳ نوع وزن فوق وجود دارند، معرفی می‌شوند. (در این فصل پس از تمام مراحل؛ از جمله: درست خواندن شعر، نوشتن به خط عروضی، تقطیع هجایی، علامت‌گذاری هجایی، به دست آوردن پایه‌های آوایی و اعمال اختیارات شاعری، وزن شعر را از نظر **همسان و ناهمسان بودن** بررسی می‌کنیم).

**الف - اوزان همسان تک‌پایه‌ای**

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد. در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت **مَحذوف** آمده باشد. **ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن مَحذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.**

۱	فاعِلَاتُنْ	— — U —	فاعِلُنْ	— U —
۲	فَعَلَاتُنْ	— — UU	فَعِلُنْ	— UU
۳	مُسْتَفْعِلُنْ	— U — —		
۴	مُفْتَعِلُنْ	— UU —		
۵	مَفَاعِلُنْ	— — — U	فَعُولُنْ	— — U
۶	فَعُولُنْ	— — U	فَعَلْ	— U

**توجه:** رکن مُسْتَفْعِلُنْ و مُفْتَعِلُنْ، مَحذوف ندارند.

۱	هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ
۲	عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۳	دوست آن باشد که گیرد دست دوست	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ
۵	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۶	من از این خانه به در می‌نروم	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۷	ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ
۸	یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ
۹	ای همه هستی ز تو پیدا شده	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ
۱۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۱۱	الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۱۲	غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ
۱۳	به نام خداوند جان و خرد	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعَلْ

**توجه:** «مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ» در اصل وزن همسان نمی‌باشد و فاعِلُنْ در واقع محذوف «مُفْتَعِلُنْ» نیست ولی کتاب درسی به اشتباه آن را در اوزان همسان آورده است و من نیز به ضرورت تبعیت از کتاب آن را در اوزان همسان آورده‌ام. رجوع شود به نام‌گذاری اوزان. می‌توان گفت: هر شعری که دو رکن اول آن یکسان باشد، وزن آن همسان است. همچنین اگر دو رکن اول شعری به ترتیب «فاعلاتن فعاتن» بود، آن نیز همسان است.

**توجه:** برای اینکه این ۱۳ وزن همسان را به راحتی حفظ کنید، می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید. با توجه به اینکه اصلی‌ترین وزن، ۴ بار تکرار یک رکن است، ۶ وزن همسان از ۴ بار تکرار **۶ رکن** «فاعلاتن، فعاتن، مُسْتَفْعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ و فَعُولُنْ» به دست می‌آید. یعنی ساختار ستون ۱ جدول زیر، از ۶ رکن فوق، فقط **۳ رکن** «فاعلاتن، فعاتن و فَعُولُنْ» با ساختار ستون ۲ می‌باشند. همچنین از ۶ رکن فوق، فقط **۴ رکن** «فاعلاتن، فعاتن، مُفْتَعِلُنْ و مَفَاعِلُنْ» با ساختار ستون ۳ می‌باشند.

برای سهولت در حفظ کردن می‌توانیم با توجه به جدول فوق و ۱۳ وزن، رابطه‌های زیر را درست کنیم:

- ۱ - «فاعلاتن» در هر سه ساختار می‌آید.  
 ۲ - «فعاتن» در هر سه ساختار می‌آید.  
 ۳ - «مُسْتَفْعِلُنْ» فقط با ساختار ستون ۱ می‌آید.  
 ۴ - «مُفْتَعِلُنْ» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید!!  
 ۵ - «مَفَاعِلُنْ» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.  
 ۶ - «فَعُولُنْ» با دو ساختار ۱ و ۲ می‌آید.

ساختار ۱	سالم	سالم	سالم	سالم	هر ۶ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۲	سالم	سالم	سالم	مَحذوف	۳ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۳	سالم	سالم	مَحذوف	مَحذوف	۴ رکن این ساختار را دارند

پس این ۶ رکن را بشناسیم.

فاعلاتن	ساختار ۱ - ۲ - ۳	مُفْتَعِلُنْ	ساختار ۱ - ۳
فعاتن	ساختار ۱ - ۲ - ۳	مَفَاعِلُنْ	ساختار ۱ - ۳
مُسْتَفْعِلُنْ	ساختار ۱	فَعُولُنْ	ساختار ۱ - ۲

(ب) اوزان همسان دو لختی (دوری):

ابیاتی هستند که هر مصراع آن‌ها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری، رکن اول آن‌ها در رکن سوم، و رکن دوم آن‌ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکثی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دو لختی یا دوری می‌گویند.

**توجه:** موارد ۵ و ۶ و ۷ در کتاب نیامده‌اند.

۱	ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی	مَفْعُولُ فاعِلَاتُنْ // مَفْعُولُ فاعِلَاتُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ فَعُولُنْ // مُسْتَفْعِلُنْ فَعُولُنْ)
۲	وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ // مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولُنْ // مُسْتَفْعِلُنْ مَفْعُولُنْ)
۳	زاهد خلوت‌نشین، دوش به میخانه شد	مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ
۴	با لب او چه خوش بود، گفت و شنید و ماجرا	مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۵	چندان که گفتم، غم با طیبیان	فَعُلُنْ فَعُولُنْ // فَعُلُنْ فَعُولُنْ (مُسْتَفْعِلُنْ فَع // مُسْتَفْعِلُنْ فَع)
۶	به کجا رود کبوتر، چو اسیر باز باشد	فَعَلَاتُ فاعِلَاتُنْ // فَعَلَاتُ فاعِلَاتُنْ
۷	جهان فرتوت باز، جوانی از سر گرفت	مَفَاعِلُنْ فاعِلُنْ // مَفَاعِلُنْ فاعِلُنْ

**ج) اوزان ناهمسان**

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آنها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آنها را با برش‌های ۴ تا ۴ تا، ۳ تا ۳ تا، ۴ تا ۳ تا، ۳ تا ۴ تا و ... جدا کنیم، هیچ نظم خاصی در هجاهای آنها دیده نمی‌شود. ولی در مجموع آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتفاقاً در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همسان، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۱۱ مورد می‌باشند.

۱	تو به سیمای شخص می‌نگری	فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
۲	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۴	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ
۵	ساقی به نور باده برافروز جام ما	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَاعِلُنْ
۶	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعُولُنْ
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعَلْ
۸	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُنْ فَعْ
۹	ماه فرو ماند از جمال محمد	مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ
۱۰	بیا به شام غربیان و آب دیده من بین	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ (بعدا می‌گویم چرا در دولختی نیاوردم)
۱۱	رواق منظر چشم من آشیانه توست	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

**توجه:** چهار وزن اول ۳ رکن دارند. و هفت وزن دیگر ۴ رکن دارند.

**توجه:** وزن ۷ و ۸ وزن‌های رباعی می‌باشند.

**نکته بسیار بسیار مهم:** بعضی اوزان ناهمسان را می‌توان به صورت همسان یا ناهمسان دیگر نیز تقسیم کرد. مثلاً در مثال ۶ اگر هجاها را با ترتیب دیگری دسته‌بندی و جدا کنیم، ارکان دیگری به دست می‌آید. به تقطیع هجایی بیت زیر توجه کنید.

بس در طلبت کوشش بی‌فایده کردیم چون طفل دوان در پی گنجشک پریده

بَس	دَر	طَ	لَ	بَت	کُو	شِ	شِ	بِی	فَا	یِ	دِ	کَر	دِیَم
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْ	
مَفْعُولُ				مَفَاعِلُ				مَفَاعِلُ				فَعُولُنْ	
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
چُنْ	طِفْ	لِ	دَ	وَانْ	دَرِ	پِ	یِ	گُنْ	جِشْ	کِ	پَ	رِی	دِ

پس از اعمال اختیارات شاعری به ساختار هجایی زیر می‌رسیم. تقطیع اول نظم همسان و تقطیع دوم نظم ناهمسان دارد. هر چند این بیت و موارد مشابه آن با نظم ناهمسان شهرت یافته و نام‌گذاری شده‌اند، اما نظم همسان آنها بر نظم ناهمسان ترجیح دارد.

مورد دیگر:

مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما

ساقی به نور باده برافروز جام ما

سا	قی	بِ	نو	رِ	با	دِ	بَ	رَفَ	رو	ز	جا	مِ	ما
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُسْتَفْعِلُنْ				مَفَاعِلُ				مُسْتَفْعِلُنْ				فَعْلُ	
مَفْعُولُ				فَاعِلَاتُ				مَفَاعِلُ				فَاعِلُنْ	
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُط	رِبِ	بِ	گو	کِ	کا	رِ	جَ	هان	شُدْ	بِ	کا	مِ	ما

نکته بسیار کلیدی: اوزانی که به ۲ صورت دسته‌بندی می‌شوند، در ۶ حالت با «مفعول» شروع شده‌اند.

وزن شعر نیمایی: شعر کلاسیک ما غالباً مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیخ برای رهایی از تنگنای عروسی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر - که نیاز روز جامعه بود - بپردازد. نیما قید و شرط تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد. برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی‌برگی

خنده‌اش خونی است اشک‌آمیز

جاودان بر اسبِ یال‌افشان زردش می‌چمد در آن

پادشاه فصل‌ها پاییز

— / — — U — فَاعِلَاتُنْ فَعْلُ	باغ بی‌برگی
— / — — U — / — — U — فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْلُ	خَن دِ آسِ خُو نِیَسْتِ آسِ کَا مِیَز
— / — — U — / — — U — / — — U — / — — U — فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْلُ	جَاوِدَا بَرِ آسِ بِ یَا لَفِ شَانِ زَرِ دَشِ مِی چَ مَدِ دَرِ آن
— / — — U — / — — U — فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْلُ	پَا دِ شَا هِ فَصَلِ هَا پَا یِیَز

همانطور که می‌بینید شاعر در مصراع ۱ فاعلاتن، در مصراع دیگر ۲ فاعلاتن و در مصراع دیگر ۴ فاعلاتن آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و تعداد هجاها برابر نباشد. اما امکان تغییر وزن وجود ندارد. مثلاً شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعلاتن» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مفاعیلن».

**توجه:** کوتاه و بلندی مصراع‌های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مُستزاد» سروده شده است، توجه کنید:

دل برد و نهان شد	هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد
گه پیر و جوان شد	هر دم به لباس دگران یار برآمد
خود رفت به کشتی	گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق
آتش، گل از آن شد	گه گشت خلیل و به دل نار برآمد
روشنگر عالم	یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی
تا دیده عیان شد	از دیده یعقوب چو انوار برآمد
می‌کرد شبانی	حقا که هم او بود که اندر ید بیضا
زان فخر کیان شد	در چوب شد و در صفت مار برآمد
از بهر تفرج	می‌گشت دمی چند بر این روی زمین او
تسبیح‌کنان شد	عیسی شد و بر گنبد دوار برآمد
هر قرن که دیدی	بالجمله هم او بود که می‌آمد و می‌رفت
دارای جهان شد	تا عاقبت آن شکل عرب‌وار برآمد
آن دلبر زیبا	منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت
قتال زمان شد	شمسیر شد و در کف کرار برآمد
در صوت الهی	نی نی که هم او بود که می‌گفت انالحق
نادان به گمان شد	منصور نبود آن که بر آن دار برآمد
منکر مشویدش	رومی سخن کفر نگفته است و نگوید
از دوزخیان شد	کافر بود آنکس که به انکار برآمد

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی  
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد  
ما نیز یکی باشیم از جمله قربانها  
زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت  
ابری که در بیابان بر تشنه‌ای ببارد  
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران  
از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد  
هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست  
گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد  
مثل تو کیست در جهان تاز تو مهر بگسلم  
شیر که پایند شد تن بدهد به روبهی  
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند  
متوجه است با ما سخنان بی‌حسیبت  
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد  
به من آورید آخر صنم گریز پا را  
گه جام زرکش گه لعل دلخواه  
و از فعل عابد استغفرالله  
به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت  
رخش به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر  
چو بر گشاید دهن به شکل انگشتری است

۷۴ - ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
۷۵ - کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد  
۷۶ - هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید  
۷۷ - از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود  
۷۸ - دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد  
۷۹ - بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران  
۸۰ - زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد  
۸۱ - سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست  
۸۲ - به که ز بهر سخن برنگشاید زبان  
۸۳ - تا تو به خاطر منی کس نگذشت بر دلم  
۸۴ - جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی  
۸۵ - سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند  
۸۶ - متناسبند و موزون حرکات دلفریبت  
۸۷ - شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز باشد  
۸۸ - بروید ای حریفان بکشید بار ما را  
۸۹ - ای بخت سرکش تنگش به برکش  
۹۰ - از دست زاهد کردیم توبه  
۹۱ - جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت  
۹۲ - شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر  
۹۳ - چنان بود تابناک که زهره‌اش مشتری است



بیت ۷۴ ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

ای پادشَه خوبان داد از غم تنهایی

ای	پا	د	ش	ه	خو	بان	دا	دز	غ	م	تن	ها	بی
-	-	U	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
				*									
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
دل	بی	ت	ب	جا	نا	مد	وق	تست	ک	با	زا	بی	

دل بی ت ب جان آمد وقتست ک بازایی

بیت ۷۵ کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد

کی شعر تر انگیزد خاطر ک حزین باشد

کی	شع	ر	ت	رن	گی	زد	خا	طر	ک	ح	زین	با	شد
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
یک	نک	ت	ا	زین	مع	نی	گف	نی	م	ه	مین	با	شد

یک نکته آزی معنی گفتیم همی باشد

بیت ۷۶ هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله ی قربانها

هر تیر ک در کیشست گر بر دل ریشاید

هر	تیر	ک	در	کی	شست	گر	بر	د	ل	ری	شا	ید
-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
				*								
-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
ما	نیز	ی	کی	با	شیم (شی)	آزمز)	جم	ل	ی	قر	با	ها

ما نیز یکی باشیم از جمله ی قربانها

بیت ۷۷ از هر طرف که رفتیم جز وحشتم نیفزود زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

از هر طرف ک رفتیم جز وحشتم نیفزود

از	هر	ط	رف	ک	رف	تم	جز	وح	ش	تم	ن	یف	زود
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
زن	ها	ر	زی	ب	یا	با	وی	را	ه	بی	ن	ها	یت

زنهار زی بیابان وین راه بی نهایت

بیت ۷۸ دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد

دیدارِ یارِ غائبِ دانی چِ ذوقِ دارد

دی	دا	ر	یا	ر	غا	ب	دا	نی	چ	دو	ق	دا	رد
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
آب	ری	ک	در	ب	یا	با	بر	تیش	ن	ای	ب	با	رد

آبری کِ درِ بیابانِ بر تشنه ای ببارد

بیت ۷۹ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

بگذار تا بگیریم چن ابر در بهارا

بگ	دا	ر	تا	ب	گر	یم	چن	ا	ب	در	ها	ران
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-
-	-	U	-	U	-	-	-	*	U	-	U	-
گز	سنگ	نا	ل	خی	زد	رو	ز	و	ع	دا	یا	را

کز سنگ نال خیزد روز وداع یارا

بیت ۸۰ زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

زاهدِ خلوتِ نشینِ دوشِ به میخانه شد

زا	ه	د	خل	وت	ن	شی	دو	ش	ب	می	خا	ن	شد
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
آز	س	ر	پی	ما	ب	رفت	با	س	ر	پی	ما	ن	شد

آز سر پیمان برفت با سر پیمان شد

بیت ۸۱ سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست

سل	س	ل	ی	مو	ی	دوست	حل	ق	ی	دا	م	ب	لاست
-	U	U	U	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
هر	ک	د	ری	حل	ق	نیست	فا	ر	غ	زی	ما	ج	راست

هر کِ درین حلقه نیست فارغ از این ماجراست

بیت ۸۲ به که ز بهر سخن بر نگشاید زبان گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد

بِه کِ زِ بَهِرِ سَخْنِ بَرِ نَگِشَايِدِ زَبَانِ

بِه	کِ	زِ	بَهِ	رِ	سُ	خَن	بَر	نَ	گَ	شَا	یَدِ	زَ	بَان
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
						*							
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
گَر	نَ	تَ	وَ	نَدِ	کِ	مَرَدِ	سُ	خَن	بِ	پَا	یَا	بَ	رَدِ

گَر نَتَوَانَد کِ مَرَدِ سَخْنِ بِ پَايَانِ بَرَدِ

بیت ۸۳ تا تو به خاطر منی کس نگذشت بر دلم مثل تو کیست در جهان تا ز تو مهر بگسلم

تَا تُو بَهِ خَاطِرِ مَنی کَسِ نَگِذِشْتِ بَرِ دَلَمِ مِثْلِ تُو کِیَسْتِ دَرِ جِهَانِ تَا زِ تُو مَهِرِ بَگِسَلَمِ

تَا	تُ	بِ	خَا	طِ	رِ	مَ	نِی	کَسِ	نَ	گَ	ذِشْتِ	بَرِ	دِ	لَمِ
-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-
					*									
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-
مِثْ	لِ	تُ	کِیَسْتِ	دَرِ	جَ	هَا	تَا	زِ	تُ	مَهِرِ	بَگِ	سَ	لَمِ	

مِثْلِ تُو کِیَسْتِ دَرِ جِهَاتِ تَا زِ تُو مَهِرِ بَگِسَلَمِ

بیت ۸۴ جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی شیر که پای بند شد تن بدهد به روبهی

جُورِ بَکُنِ کِ حَاکِمَانِ جُورِ کُننَدِ بَرِ رَهِی شِیرِ کِ پَا یَ بِنَدِ شُدِ تَنِ بَدَهِدِ بَ رُوبَهِی

جُورِ	رِ	بُ	کُن	کِ	حَا	کِ	مَا	جُورِ	رِ	کُ	نَنَدِ	بَرِ	رِ	هِی
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-
شِیرِ	کِ	پَا	یِ	بَنَدِ	شُدِ	تَنِ	بِ	دَ	هِدِ	بِ	رُوبِ	بَ	هِی	

شِیرِ کِ پَا یَ بِنَدِ شُدِ تَنِ بَدَهِدِ بَ رُوبَهِی

بیت ۸۵ سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

سَروِ چَمَانِ مَنِ چَرَا مِیْلِ چَمَنِ نَمِی کُنَدِ هَمَدَمِ گُلِ نَمِی شُودِ یَاَدِ سَمَنِ نَمِی کُنَدِ

سَروِ	وِ	چَ	مَا	نِ	مَنِ	چَ	رَا	مِی	لِ	چَ	مَنِ	نِ	مِی	کُ	نَدِ
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
هَم	دَ	مِ	گُلِ	نِ	مِی	شَ	وَدِ	یَا	دِ	سَ	مَنِ	نِ	مِی	کُ	نَدِ

هَمَدَمِ گُلِ نَمِی شُودِ یَاَدِ سَمَنِ نَمِی کُنَدِ

بیت ۸۶ متناسبند و موزون حرکات دلفریبت متوجه است با ما سخنان بی حسیت

مُتَنَاسِبِنْدُ مَوْزُونِ حَرَكَاتٍ دِلْفَرِیْبَتِ

مُ	تَ	نَا	سِ	بَن	دُ	مُو	زُو	حَ	رَ	کَا	تِ	دِل	فَا	رِ	بَت
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
مُ	تَ	وَج	جِ	هَسَت	بَا	مَا	سُ	خَ	نَا	نِ	بِی	حِ	سِی	بَت	

مُتَوَجِّهَسْتِ بَا مَا سَخَنَانِ بِی حِسِیْبَتِ

بیت ۸۷ شب عاشقان بی دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

شَبِّ عَاشِقَانِ بِی دِلٍ چِ شَبِّی دِرَازِ بَاشَدِ

شَ	بِ	عَا	شِ	قَا	نِ	بِی	دِل	چِ	شِ	بِی	دِ	رَا	زِ	بَا	شَد
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
						*									
تُ	بِ	یَا	کَ	زُو	وَ	لِ	شَب	دَ	رِ	صُبْح	بَا	زِ	بَا	شَد	

تُ بَیَا کَزُو لَ شَبِّ دَرِ صُبْحِ بَازِ بَاشَدِ

بیت ۸۸ بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز پا را

بُرُویدِ اَی حَرِیْفَانِ بَکْشِیدِ یَا رَا بَ مَن اَوْرِیدِ اَخِرِ صَنَمِ گَرِیْزِ پَا رَا

بِ	رَ	وِیْد	اِی	حَ	رِی	فَا	بِ	کِ	شِیْد	یَا	رِ	مَا	رَا
U	U	-	U	-	U	-	U	U	U	-	U	-	-
									*				
بِ	مَ	نَا	وَ	رِیْد	آ	خَر	صَ	نَ	مِ	گَ	رِیْز	پَا	رَا

بِ مَنَا وْرِیْدِ اَخِرِ صَنَمِ گَرِیْزِ پَا رَا

بیت ۸۹ ای بخت سرکش تنگش به برکش گه جام زرکش گه لعل دلخواه

اِی بَخْتِ سَرکَشِ تَنگَشِ بَ بَرکَشِ گَ جَامِ زَرکَشِ گَ لَعْلِ دِلْخَوَاهِ

اِی	بَخ	تِ	سَر	کِش	تَن	گَش	بِ	بَر	کِش
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
گَ	جَا	مِ	زَر	کِش	گَ	لَع	لِ	دِل	خَاه

گَ جَامِ زَرکَشِ گَ لَعْلِ دِلْخَوَاهِ

بیت ۹۰ از دست زاهد کردیم توبه و از فعل عابد استغفرالله

أَز دَسْتِ زَاهِدٍ كَرَدِیْمِ تُوبِ

ب	تُو	دِیْمِ		كِر	هَدِ	زَا	تِ	دَسِ	أَز
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
لَا	رُل	فِ	تَغ	أَس	بِدِ	عَا	لِ	فِعِ	وَزِ

وَزِ فِعْلِ عَابِدِ اسْتَغْفِرُ لَلَّاهِ

بیت ۹۱ جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت

جَهَانَ فَرْتُوْتِ بَازِ جَوَانِیْ اَزِ سَرِ گِرَفْتِ بَهِ سَرِ زِ یَاقُوْتِ سَرُخِ شَقَایِقِ اَفْسَرِ گِرَفْتِ

رِفْتِ	گِ	سَرِ	یَزِ	نِی	وَ	جِ	بَازِ	تِ	تُو	فَرِ	نِ	هَا	جِ
-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-	U	-	U
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
رِفْتِ	گِ	سَرِ	قَفِ	یِ	قَا	شِ	سَرُخِ	تِ	قُو	یَا	زِ	سَرِ	بِ

بِ سَرِ زِ یَاقُوْتِ سَرُخِ شَقَایِقِ اَفْسَرِ گِرَفْتِ

بیت ۹۲ شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر رخس به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر

شُكُوْفَه طِفْلِیْسْتِ خَرْدِ تَنْشِ بَهِ نَرْمِی حَرِیْرِ رُخْسِ بَهِ رَنْگِ سَهِیْلِ لَبْشِ بَهِ بَوِی عَبِیْرِ

رِیْرِ	حِ	مِی	نَرِ	بِ	نَشِ	تِ	خَرْدِ	لِیْسْتِ	طِفِ	فِی	کُو	شِ
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-
بِیْرِ	عِ	یِ	بُو	بِ	بَشِ	لِ	هَیْلِ	سِ	گِ	رَنْ	بِ	رُخْسِ

رُخْسِ بَهِ رَنْگِ سَهِیْلِ لَبْشِ بَهِ بَوِی عَبِیْرِ

بیت ۹۳ چنان بود تابناک که زهره اش مشتری است چو برگشاید دهن به شکل انگشتری است

چُنَانِ بُوْدِ تَابَنَاکِ کِه زَهْرَه اش مُشْتَرِی اسْتِ چُو بَرگِشَایِدِ دَهِن بَهِ شِکْلِ اَنگِشْتَرِی اسْتِ

رِیْسْتِ	تِ	مُشِ	أَشِ	رِ	زَهْ	کِ	نَاکِ	بِ	تَا	وَدِ	بُ	نَا	چُ
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
رِیْسْتِ	تِ	گُشِ	أَنْ	لِ	شِکِ	بِ	هَنْ	دِ	یَدِ	شَا	گِ	بَرِ	چُ

چُ بَر گِشَایِدِ دَهِن بَهِ شِکْلِ اَنگِشْتَرِی اسْتِ

۴۹- در بیت کدام گزینه یک هجا از آخرین پایه آوایی کاسته شده است؟

- (۱) بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم  
 (۲) نگارا چرا قول دشمن شنیدی  
 (۳) داد جاروبی به دست آن نگار  
 (۴) مرا گر ز وصل تو رنگی بر آید

۵۰- وزن کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پیاده ندیدی که جنگ آورد  
 (۲) بیاباد هوس کردن از سر به در  
 (۳) به سبزه کجا تازه گردد دلم  
 (۴) آنچه دیدی برقرار خود نماند

۵۱- بیت «ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون / عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم» با کدام بیت هم وزن است؟

- (۱) ای باد بامدادی خوش می روی به شادی  
 (۲) به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد  
 (۳) ز فراق چون نالم من دل شکسته چون نی  
 (۴) وقتی دل سودایی می رفت به بستانها

۵۲- ابیات همه گزینه‌ها، به جز بیت گزینه ..... دارای وزن دولختی یا دوری هستند.

- (۱) از در خویشم مران کاین نه طریق وفاست  
 (۲) ای کاش بر فتادی، برقع ز روی لیلی  
 (۳) مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست  
 (۴) گفتم که نیاویزم با مار سر زلفت

۵۳- شعر زیر از تکرار کدام وزن واژه تشکیل شده است؟

«ما/ فاتحان شهرهای رفته بر بادیم/ با صدایی ناتوان تر زان که بیرون آید از سینه/ راویان قصه‌های رفته از یادیم»

- (۱) فاعلاتن (۲) مفاعیلن (۳) فعلاتن (۴) مستفعلن

۵۴- شعر زیر از تکرار کدام وزن درست شده است؟

«به سان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند/ گرفته کوله بار زاد ره بر دوش، فشرده چوب دست خیزران در مشت/ گهی پرگویی و گه خاموش/.....»

- (۱) فاعلاتن (۲) مستفعلن (۳) مفاعیلن (۴) فعولن

۵۵- وزن بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«آن را که بصیرت نبود، یوسف صدیق

- (۱) مُسْتَفْعِلُ فاعلات مُسْتَفْعِلُ فَعْل  
 (۲) مَفْعُولُ فاعلات مفاعیلُ فاعِلن  
 (۳) مُسْتَفْعِلن مفاعل مُسْتَفْعِلن فَعْل  
 (۴) مَفْعُولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولن

جایی بفروشد که خریدار نباشد»

## ۵۶- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟

- (۱) ویرانهٔ آب و گل چون مسکن بوم آمد  
 (۲) ای گشته چنان و آن چنان تر  
 (۳) در شهر که دیده است چنین شهر بقی را  
 (۴) صد شعلهٔ آتش است در دیده

## ۵۷- وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟

- (۱) ای صوفیان عشق بدرید خرقه‌ها (مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ)  
 (۲) گنج در آستین و کیسه تهی (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ)  
 (۳) کان حسن تو پنهان شدنی نیست بیا (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْ)  
 (۴) سرمایه برفت و سود می‌جویم (مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُنْ)

## ۵۸- وزن همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... در مقابل آن درست نوشته شده است.

- (۱) سخن به لطف و کرم با درشت‌خوی مگوی (مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعِ  
 (۲) امید عافیت آن‌گه بود موافق عدل (مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
 (۳) ندهد مرد هوشمند جواب (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
 (۴) پند گیر از مصائب دگران (فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

## ۵۹- بیت کدام گزینه بر وزن «مُفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعِ» سروده شده است؟

- (۱) اندوه تو شد وارد کاشانه‌ام ام‌ش‌ش‌ب  
 (۲) این که تو داری قیامت است نه قامت  
 (۳) آن که بود از غمش ناله‌ی بیماری‌ام  
 (۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید

## ۶۰- وزن عروضی بیت زیر کدام است؟

- «گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار  
 صاحب‌دلان حکایت دل، خوش ادا کنند»  
 (۱) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ فَعِ لُنْ  
 (۲) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ  
 (۳) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَاعِلُنْ  
 (۴) مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ

## ۶۱- پایه‌های آوایی کدام گزینه «مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ» است؟

- (۱) گرفت ساقی گلرخ به کف چو لاله پیاله  
 (۲) طیب باد صبا را بگوی از ره مهر  
 (۳) ز محتاجان خبر گیر ای که داری  
 (۴) خود بین چنان شدی که ندیدی مرا به چشم

## ۶۲- کدام گزینه وزن شعر نیمایی زیر را به درستی نشان می‌دهد؟

«در تلاش شب که ابر تیره می‌بارد / روی دریای هراس‌انگیز / وز فراز برج بارانداز خلوت مرغ باران می‌کشد فریاد  
 خشم‌آمیز»

- (۱) مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِ / مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِ  
 (۲) فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعِ / فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعِ  
 (۳) فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِ / فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِ  
 (۴) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَعِ / مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَعِ





**نکته:** حذف همزه زمانی ممکن است که واژه قبل آن، به صامت ختم شده باشد. اگر قبل از همزه، مصوّت باشد، حذف همزه **معمولا** غیرممکن است. در مثال‌های زیر، قبل همزه، مصوّت است، لذا همزه نمی‌تواند حذف شود.

اگر لطفش قرین حال گردد      همه ادب‌ارها، اقبال گردد  
 کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟      چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد  
 گویند ز عشق کن جدایی      این نیست طریقِ آشنایی

**توجه:** طبق نکته فوق، اگر پیش از همزه «ء» مصوّت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع **همزه و مصوّت قبل آن**، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از ← کز ( ک - ء - ز = کز )
که او ← کاو ← کو ( ک - ء - و = کو ، که به صورت «کاو» نوشته می‌شود )
که آن ← کان ( ک - ء - ا ن = کان )
ز آن ← زان ( ز - ء - ا ن = زان )
داده است ← دادست ( د ا د - ء - س ت = دادست )

**توجه:** کلماتی مانند «زان، کاو = کو، کاین = کین، کان و ...» را حذف همزه نمی‌گیریم. ولی اگر به صورت «ز آن، که او، که این، که آن و ...» بودند حذف همزه در نظر می‌گیریم.

**توجه:** در موارد زیر (و موارد مشابه) **همزه و مصوّت بعد از آن**، هر دو حذف می‌شوند.

دانا است ← داناست ( د ا ن ا + ء - س ت = داناست )
خوبی است ← خوبیست ( خ و ب ی + ء - س ت = خوبیست )
مینواست ← مینواست ( م ی ن و + ء - س ت = مینواست )

**توجه:** در موارد زیر، واژه‌ی مشخص شده را، هم می‌شود با حذف همزه خواند، هم بدون حذف همزه. (این نکته به «ن» ساکن بعد از مصوّت بلند مربوط است.)

ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود      وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود  
 به خوناب شفق در دامن شام      به خون آلوده ایران کهن دید

ای ساربانُ	آهسته رانُ	ای سارِ با	نا هسته ران
— U — —	— U — —	— U — —	— U — —

خونُ	آ	لو	د	خو	نا	لو	د
—	—	—	U	—	—	—	U

**نکته بسیار مهم:** گفتیم اگر قبل از همزه (ء: ا - آ) مصوت باشد، همزه **اکثراً** حذف نمی‌شود. یک نوع حذف همزه در این شرایط وجود دارد که تقریباً هم پُر کاربرد است. و آن وقتی است که بعد از کلمه‌ی مختوم به مصوت بلند «ی» همزه آمده باشد. مانند مثال‌های زیر:

**لیلی از: لیلی یَز**      **دلی آورده‌ام: دلی یاوردِآم**      **لیلی آمد: لیلی یامد**

از عمر من آنچه هست بر جای      بستان و به عمر **لیلی** افزای

آز	عَم	رِ	مَ	نان	چِ	هَسْت	بَر	جای
—	—	U	U	—	U	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	—	—
پس	تا	نُ	بِ	عَم	رِ	لِی	یَف	زای

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی      جدا سازی ای خصم سر از تن من

تَ	نَم	گَر	بِ	سو	زی	بِ	تی	رَم	بِ	دو	زی
—	—	—	U	—	—	U	—	—	—	—	—
—	—	—	*	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	U	—	—	U	U	—
جُ	دا	سا	زی	پی	خَصْم	سَر	اَز	تَ	نِ	مَن	—

**توجه:** در این حالت معمولاً قبل همزه یک اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند دیده می‌شود. در دو مثال فوق «لی» و «زی» طبق اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، به هجای کوتاه تبدیل می‌شوند.

**علی ای** همای رحمت تو چه آیتی خدا را      کسه به ما سوا فکندی همه سایه هما را

### ب) تغییر کمیت مصوت‌ها

اگر به الگوهای هجایی و نوع واج آن‌ها توجه کنیم، درمی‌یابیم که مصوت‌های بلند، از نظر آوایی، دو برابر مصوت‌های کوتاه یا صامت‌ها هستند. تغییر کمیت مصوت‌ها به شاعر این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز با بیشتر کشیدن مصوت کوتاه، آن را به مصوت بلند تبدیل کند، (تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع مقابل یکسان کند) و یا با کمتر کشیدن مصوت بلند، آن را به مصوت کوتاه تبدیل کند، (تا هجای بلند یک مصراع را با هجای کوتاه مصراع مقابل، یکسان کند). همان‌طور که از توضیح فوق برمی‌آید، **تغییر کمیت مصوت‌ها دو نوع است:**

#### ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه ۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

### ۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

شاعر می‌تواند در صورت نیاز، مصوت کوتاه پایان کلمه را بلندتر و کشیده‌تر تلفظ کند تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع دیگر یکسان کند. این اختیار شاعری نیز، مانند «حذف همزه» جزء پرکاربردترین اختیارات شاعری است. کم‌تر بی‌نیی می‌توان دید که این اختیار شاعری در آن استفاده نشده باشد. در واقع، در صورت اختلاف نوع هجاهای مقابل دو مصراع (اختلاف کیفی، یکی کوتاه و یکی بلند)، با توجه به رعایت نکات قبلی که آموخته‌ایم، اولین بررسی اختیارات را بر مبنای این اختیار انجام می‌دهیم.

#### این اختیار شاعری در سه حالت رخ می‌دهد.

- الف - پایان کلمه (-----) باشد. مانند: نه (نَ)، تو (تُ)، چو (چُ)، دو (دو عدد: دُ)، ترانه، خانه، ستاره، که (کِ) و ...
- ب - واو عطف یا ربط بین دو کلمه: من و شما (مَنْ شَمَا)، دل و جان (دَلْ جَان)، رفت و آورد (رَفْتُ اَوْرَد) و ...
- ج - نقش‌نمای اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت: زنگِ خانه، پایِ علی، بابایِ خوب، لیلیِ ناز، ابرویِ یار

پایان کلمه -	پایان کلمه -	پایان کلمه -	واو عطف و ربط و ...	نقش‌نمای اضافه ( - ، ی )
وَ نه = نَ	تو چو دو(عدد)	دانه، خانه و ...	دل و جان، رفت و آمد رفتی و(ی) گفتی	دلِ من، دلِ بزرگ بابایِ خوب، لیلیِ(ی) ناز، بویِ تو

#### به تقطیع هجایی بیت زیر توجه کنید.

چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده، برداری ز رخسار

چُ	دَر	وَق	تِ	بَ	ها	را	یی	پَ	دی	دار
U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
حَ	قی	قَت	پَر	دِ	بَر	دا	ری	زِ	رُخ	سار

همان‌طور که در الگوی هجایی دو مصراع مشخص است، نوع هجای چهارم در مصراع اول با مصراع دوم متفاوت است. اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» به شاعر این امکان را می‌دهد تا مصوت کوتاه پایان کلمه را در صورت نیاز، بلند تلفظ کند.

تقطیع و علامت‌های بالا برای قبل از آموختن اختیارات شاعری بود. اکنون اختلاف دو هجای فوق را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم.

چُ	دَر	وَق	تِ	بَ	ها	را	یی	پَ	دی	دار
U	-	-	<del>U</del>	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
حَ	قی	قَت	پَر	دِ	بَر	دا	ری	زِ	رُخ	سار

**نکته:** در بین سه مصوّت کوتاه «ـِ»، مصوّت کوتاه «ـِ» بسیار زیاد و مصوّت کوتاه «ـَ» بسیار کم، مشمول این اختیار می‌شوند. اکنون برای هر سه مصوّت، مثال‌هایی آورده می‌شود.

**بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه «ـِ»**

دست من بشکسته بودی آن زمان      چون زدم من بر سر آن خوش‌زبان

دَسِ	تِ	مَنْ	بِشِ	کَسِ	تِ	بُو	دِی	آ	زِ	مَان
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	U	—	—	—	U	<del>—</del>	—	—	U	—
چُنْ	زِ	دَمْ	مَنْ	بَرِ	سِ	رِ	آن	خُشِ	زِ	بَان

خروش سواران و اسپان ز دشت      ز بهرام و کیوان همی بر گذشت

خُ	رُو	شِ	سِ	وَا	رَا	نُ	اَسِ	بَان	زِ	دَشْتِ
—	—	<del>—</del>	U	—	—	U	—	—	U	—
—	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
زِ	بِهـِ	رَا	مُ	کِی	وَان	هـِ	مِی	بَرِ	گِ	دَشْتِ

گل به همه رنگ و برازندگی      می‌کند از پرتو من زندگی

گُلِ	بِ	هـِ	مِ	رَنْ	گُ	بِ	رَا	زَنْ	دِ	گِی
—	U	U	<del>—</del>	—	U	U	—	—	U	—
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
مِی	کُ	نَ	دَزِ	پَرِ	تُ	وِ	مَنْ	زَنْ	دِ	گِی

بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه «ـُ»

تو مگر خود مرد صوفی نیستی؟ هست را از نسیه خیزد نیستی

تُ	مَ	گَر	خُد	مَر	دِ	صو	فی	نیس	تی
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
هَسْت	را	آز	نِس	ی	خِ	زَد	نِیس	تی	

یقین مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

یَ	قین	مَر	د	را	دی	دِ	بی	نن	دِ	گرد
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
شُ	دُ	تِک	ی	بَر	آ	فَ	ری	نن	دِ	گرد

ز آزار گرد آفرید و هجیر پر از درد بودند بُرنا و پیر

زِ	آ	زا	رِ	غَر	دا	فَ	ری	دُ	هَ	جیر
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
پُ	رَز	دَر	د	بو	دَنَد	بُر	نا	وَ	پیر	

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه « نَ »

این اختیار معمولاً در واژه « نه » و « وَ » رخ می‌دهد. و بسیار کم کاربرد است.

نه غلط گفتم که نایب یا منوب      گر دو پنداری قبیح آید نه خوب

نَ	غَ	لَطَ	گُفَ	تَمَ	کِ	نَا	یِبَ	یا	مَ	نوب
<del>U</del>	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
گر	دُ	پِنِ	دا	ری	قَ	بی	حا	یَدَ	نَ	خوب

گفتم ار عربان شود او در عیان      نه تو مانی نه کنارت نه میان

گُفَ	تَ	مَرَّ	عُرَّ	یَانُ	شَ	وَدَ	او	دَرَّ	عَ	یَانُ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
<del>U</del>	U	-	-	<del>U</del>	U	-	-	<del>U</del>	U	-
نَ	تُ	ما	نی	نَ	کِ	نا	رَتَ	نَ	مِ	یَانُ

نه سبویی و نه آبی در سبو      این چنین کس از چه می‌ترسد بگو؟

نَ	سَ	بو	یی	یُ	نَ	آ	بی	دَرَّ	سَ	بو
<del>U</del>	U	-	-	<del>U</del>	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
این	چُ	نین	کَسَ	آز	کِ	می	تَرَّ	سَدَ	بِ	گو

**نکته بسیار مهم:** گاه شاعر در دو هجای روبه‌روی هم از این اختیار شاعری استفاده می‌کند. در این صورت، تشخیص اختیار شاعری دشوار می‌شود. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

بِه خون گر کشی خاک من، دشمن من، بجوشد گل اندر گل از گلشن من

بِ	خون	گر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
بِ	جو	شد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

در تقطیع فوق، در نگاه اول، با توجه به عدم ناهمانگی و یکسانی هجاها، تصوّر می‌شود که از اختیار شاعری استفاده نشده است، ولی با توجه به وزن کلّ مصراع و ارکان دیگر متوجه می‌شویم، در هجای یکی مانده به آخر، در هر دو مصراع، از اختیار شاعری بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه استفاده شده است. من این گونه اختیار شاعری را اختیار شاعری «نامحسوس و نامرئی» می‌نامم. زیرا یکسانی دو هجای روبه‌رو باعث می‌شود که ما از اختیار شاعری غافل شویم.

بِ	خون	گر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
بِ	جو	شد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

کمانِ به‌زه را به بازو فکند به بند کمر بر، بزد تیر چند

کَ	ما	نِ	بِ	زِه	را	بِ	با	زو	فِ	گند
U	-	<del>U</del>	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	<del>U</del>	U	-	-	U	-	-	U	-
بِ	بَن	دِ	کَ	مَر	بَر	بِ	زَد	تیر	چند	

**نکته بسیار مهم:** برای یافتن اختیارات شاعری، بهتر است، علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌روی دو مصراع، به ارکان قبل و بعد و به اصل وزن هم توجه داشته باشیم.

**توجه:** «ه» در واژه «زه» ملفوظ است. یعنی اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه ندارد. در کلماتی مانند: به، مه (مهتر)، که (کهتر)، ده، گه، ره و ... نیز «ه» ملفوظ است.

**توجه:** «تو» در کلماتی مانند «توحید، توسن و...» هجای بلند است و اختیار شاعری «بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه» برای آن صدق نمی‌کند. در واقع بین «ت» و «و»، مصوّت کوتاه «ت» وجود دارد. مانند کلمات «نو، رو، جو، شو و...»

**نکته جالب و مهم:** اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، در اوزانی مانند «مفاعیلن مفاعیلن فعولن»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» «فعولن فعولن فعولن فعل»، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» و هر وزنی که تعداد هجای بلند آن نسبت به هجای کوتاه بیشتر باشد، بیشتر دیده می‌شود.

## ۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

**توجه:** اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» مخصوص مصوت بلند «و» و «ی» می‌باشد که به ترتیب به مصوت کوتاه «ـ» و «ـِ» تبدیل می‌شوند. همان‌طور که می‌توانستیم در شرایطی، مصوت کوتاه را بلند تلفظ کنیم، برعکس آن نیز ممکن است. یعنی می‌توانیم مصوت بلند را کوتاه تلفظ کنیم، تا هجای بلند را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

در دام فُتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

دَر	دا	م	فُ	تا	دِ	آ	هو	یی	چند
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مُح	گم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	دَر	بند

هجاهای ستون هشتم دو مصراع با هم اختلاف دارند. پیش از این آموختیم با بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه پایانی کلمه، می‌توانیم هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل کنیم، اما در این مثال، **اولاً؛** با توجه به وزن شعر «مفعول مفاعیلن فعولن (مستفعل فاعلاتن مستف)» این اجازه را نداریم، **ثانیاً؛** واج «ی» اصلاً مصوت نیست که بلند تلفظ کنیم تا هجای کوتاه را به هجای بلند برابر کنیم! اما اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، این اختیار را به ما می‌دهد که در شرایطی، مصوت بلند را کوتاه تلفظ کنیم.

گاه سوی وفا روی، گاه سوی جفا روی آن منی کجا روی، بی تو به سر نمی‌شود

گا	ه	سو	ی	و	فا	ر	وی	گا	ه	سو	ی	ج	فا	ر	وی
—	U	—	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
آ	نِ	م	نی	کُ	جا	ر	وی	بی	تُ	بِ	سَر	نِ	می	شَ	وَد



**نکته بسیار مهم:** به جدول زیر دقت کنید. این جدول شرایطی را نشان می‌دهد که ممکن است در صورت نیاز، مصوت بلند، کوتاه تلفظ شود.

اگر بعد از مصوت بلند «و»	«ی» (بی) بیاید.	«ی» بیاید.	«ء، ا، آ» بیاید.	«و» بیاید.
آهویی	ابروی من	آهواز - آهوا آمد	آهو و گرگ	
اگر بعد از مصوت بلند «ی»	«ی» (ای) بیاید.	«ی» بیاید.	«ء، ا، آ» بیاید.	«و» بیاید.
لیلی ای	لیلی من (لیلی ی من)	لیلی از - لیلی آمد	لیلی و مجنون	

**توجه:** در ادامه نکات جدول فوق را به طور مفصل با مثال شعری آورده‌ام.

**نکته‌ی مهم:** همزه بعد از مصوت بلند، اگر حذف شود و مصوت بلند به مصوت دیگر برسد، مصوت بلند می‌تواند طبق اختیار شاعری، کوتاه تلفظ شود.

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی      جدا سازی ای خصم سر از تن من

ت	نم	گر	ب	سو	زی	ب	تی	رم	ب	دو	زی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
			*							*	
U	-	-	-	-	-	U	-	-	U	U	-
ج	دا	سا	زی	پی	خصم	سر	آز	ت	ن	من	

**نکته:** مصوت بلند «و» و «ی»، در کلمات تک‌هجایی «بو، رو، جو، مو و...» هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود و به صورت «ب، ر، ج، م، و...» در نمی‌آید. اما کلمه «سو» در صورت اضافه‌شدن به کلمه‌ای دیگر (مانند: سوی من)، ممکن است مشمول این اختیار شاعری شود و به صورت «سوی: سُ ی» تلفظ شود.

**نکته‌ی بسیار مهم:** اگر بعد از کلمات مختوم به «و» و «ی» مضاف‌الیه یا صفت بیاید، بعد از آن‌ها واج میانجی «ی» می‌آید و در اینصورت احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» بسیار وجود دارد. نکته مهم اینجاست که «ی» میانجی بعد از کلمه مختوم به «ی» در نوشتار نمود ندارد و باید دقت بیشتری شود.

آهوی چشم خوشش مردم به یک دیدن کشد      دیدنی کردم کش آن آهوی چینی بنگرید

آ	هو	ی	چش	م	خ	شش	مر	دُم	ب	یک	دی	دَن	کُ	شَد
-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	*	*												
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دی	د	نی	گر	دَم	ک	شا	آ	هو	ی	چی	نی	بِن	گ	رید

آن کس که نه آدمی است گرگ است      آهوگُشی آهوی بزرگ است

آ	کس	ک	ن	آ	د	میست	گر	گست
-	-	U	U	-	U	-	-	-
			*		*			
-	-	U	-	-	-	U	-	-
آ	هو	کُ	شی	یا	هو	بُ	زُر	گست

ز شوخی گر چه آسایش نفهمیده است مژگانش      نظر با شوخی چشمش رگ خواب است پنداری

ز	شو	خی	گر	چ	آ	سا	پش	ن	فَه	می	دَس	مُ	گا	نَش
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-
				*	*				*					
U	-	-	-	-	U	-	-	U	U	-	U	-	-	-
نَ	ظَر	با	شو	خی	ی	چَش	مَش	رَ	گِ	خا	بَس	پن	دا	ری

**نکته بسیار مهم:** اگر بعد از کلمه مختوم به « ی »، واو عطف یا ربط بیاید، امکان اختیار شاعری « کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

ای یار جفا کرده پیوند بریده      این بود وفاداری و عهد تو ندیده

ای	یا	ر	ج	فا	کر	د	ی	پی	وَنَد	بُ	ری	د
-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-
						*			*			
-	-	U	U	-	-	-	U	-	U	U	-	-
این	بو	د	وَ	فا	دا	ری	ی	عَه	دِ	نَ	دی	دِ

**نکته بسیار مهم:** اگر بعد از کلمات مختوم به « ی » همزه بیاید، احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

بود بقالی و وی را طوطی‌ای خوش‌نوایی سبز گویا طوطی‌ای

بو	د	بَق	قا	لی	ی	وی	را	طو	طی	ای
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
									*	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
خُش	نَ	وا	یی	سب	ز	گو	یا	طو	طی	ای

دست از این پیش کوه دارد که ما؟ زاری از این بیش که دارد که ما؟

دست	ء	زین	پیش	ک	دا	رَد	ک	ما
U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U
زا	ری	ی	بیش	ک	دا	رَد	ک	ما

از عمر من آنچه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای

آز	عُم	ر	م	نان	چ	هست	بَر	جای
U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U
بِس	تا	ن	ب	عُم	ر	لی	یَف	زای

**نکته:** کلمات مختوم به «ی» اگر با «ان» جمع بسته شوند، بین از آن‌ها واج میانجی « ی » می‌آید و در این صورت احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

در خطاب آدمی ناطق بُدی در نوای طوطیان حاذق بُدی

دَر	خ	طا	ب	آ	د	می	نا	طِق	بُ	دی
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
دَر	نَ	وا	ی	طو	طی	یان	حا	ذِق	بُ	دی

**توجه:** در کلماتی مانند **طوطیان و روحانیون و ...** در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد. یعنی بعضی اساتید این کلمات را مانند: **بیا، سیاست، خیابان و ...** بدون اختیار می‌گیرند. کتاب درسی و دیگر کتب عروضی در این مورد اظهار نظر نکرده‌اند!

**توجه:** کلمات مختوم به « و » اگر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیرند، احتمال این اختیار وجود دارد. آرزویی، ابرویی، جادویی

**توجه:** کلمات مختوم به « ی »، اگر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیرند، احتمال این اختیار وجود دارد. البته در این صورت بین مصوت بلند « ی » و « ی » دیگر، میانجی « ء » می‌آید.

لیلی‌ای باید که تا مجنون شوم عاشقی، سرگشته‌ای، دلخون شوم

لی	لی	ای	با	ید	ک	تا	مَج	نون	ش	وَم
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
عَا	شِ	قِی	سَر	گَش	تِ	ای	دِل	خون	ش	وَم

**نکته بسیار مهم:** کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند، یک اختیار است نه اجبار! مثلاً در بیت زیر شرایط برای کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند « و » وجود دارد ولی دلیلی برای این کار وجود ندارد زیرا هجای بلند در جای خود قرار گرفته است.

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

بُ	خُر	تَا	تَ	وَا	نِی	بِ	بَا	زُو	یِ	خِیش
—	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
—	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
کِ	سَع	یَت	بُ	وَد	دَر	تَ	رَا	زُو	یِ	خِیش

**توجه:** نکات ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۴ در فصل سوم، اختیار شاعری محسوب نمی‌شوند.

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

## ۲- اختیارات وزنی:

اختیاراتی است که گوش آن‌ها را حس می‌کند ولی ایراد نمی‌شمارد. اختیارات زبانی، اختیاراتی در نحوه تلفظ بود ولی اختیارات وزنی اختیاراتی در تغییر هجاهاست. اختیارات وزنی ۴ نوع هستند.

## الف) بلند بودن هجای پایان مصراع (و نیم‌مصراع در اوزان دو لختی یا دُوری)

هجای پایانی مصراع‌ها و نیم‌مصراع اوزان دوری را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، ولی شاعر می‌تواند به جای آن، از هجای کوتاه یا کشیده هم استفاده کند. مثلاً در بیت زیر که هجای پایانی آن هجای بلند است، شاعر در مصراع دوم هجای کشیده آورده است.

من اگر کام روا گشتم و خوشدل چه عَجَبِ مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند  
در واقع هر وقت هجای پایانی مصراعی، کوتاه یا کشیده بود، شاعر از این اختیار شاعری استفاده کرده است. و در علامت‌گذاری هجاها، باید برای آن‌ها هجای بلند قرار بدهیم.

در ابیات زیر نیز شاعر در پایان نیم مصراع به جای هجای بلند، هجای کشیده آورده است.

دستی ز غمت بر دل، پاییی ز پیّت در گِلِ با این همه صبرم هست، وز روی تو نتوانم  
و در بیت زیر:

گر پیر مناجات است ور زند خراباتی هر کس قلمی رفته است، بر وی به سرانجامی

## ب- آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتْن در رکن اول مصراع

بعضی از اوزان شعر فارسی مانند «فَعَلَاتْن مَفَاعِلُن فَعِلُن» یا «فَعَلَاتْن فَعَلَاتْن فَعَلَاتْن فَعِلُن» و... با رکن «فَعَلَاتْن» شروع می‌شوند. شاعر می‌تواند به جای «فَعَلَاتْن» اول مصراع «فاعلاتن» بیاورد.

گر من آلوده دامنم چه عجب همه عالم گواه عصمت اوست

گَر	مَ	نا	لو	دِ	دا	مَ	نَم	چِ	عَ	جَب
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
هَ	مَ	عا	لَم	گُ	وا	هَ	عِص	مَ	تِ	اوست

همان‌طور که می‌بینید شاعر در مصراع اول به جای «فَعَلَاتْن»، «فاعلاتن» آورده است.

گفت اگر خیر است خیر اندیش تو شری جز شرت نیاید پیش

گُف	تَ	گَر	خِیر	اَسَت	خِی	رَن	دِش
-	U	-	U	-	U	-	-
U	U	-	U	-	U	-	-
تُ	شَ	ری	جُز	شَ	رَت	نَ	یَد
پیش	پیش	پیش	پیش	پیش	پیش	پیش	پیش

نکته: این اختیار شاعری پرکاربرد است و ممکن است حتی در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

**نکته:** وزن‌های زیر را بشناسیم. زیرا این اختیار شاعری در این اوزان رخ می‌دهد.

- ۱- فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
 تو به سیمای شخص می‌نگری  
 ما در آثار صنع حیرانیم
- ۲- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ  
 بُت خود را بشکن خوار و ذلیل  
 نامور شو به فتوتِ چو خلیل
- ۳- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ  
 تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند  
 تا کسی همچو تو باشد که در او خیره بمانی
- ۴- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ  
 بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین  
 کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

**نکته‌ی بسیار مهم:** نمی‌توانیم به جای فاعِلَاتُنْ آغازین، فَعْلَاتُنْ بیاوریم.

**توجه:** این اختیار در رکن اول هر دو مصراع می‌تواند بیاید.

**نکته:** اصل «فَعْلَاتُنْ» است. پس اگر حتی در تمام مصراع‌های یک شعر، به جای آن، «فاعِلَاتُنْ» آمده باشد و تمام مصراع‌ها هم یکسان باشند، باز هم اختیار شاعری وجود دارد.

**(ج آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه کنار هم: ابدال)**

شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، یک هجای بلند بیاورد، مثلاً به جای رکن فَعِلُنْ «U U —» شاعر می‌تواند فَعِلُنْ «— —» بیاورد.

تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند      ما تماشا کنان بستانیم

تَنگ	چَش	مَان	نَ	ظَر	بِ	مِی	و	کُ	نَند
U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
U	—	—	U	—	U	—	—	—	—
ما	تَ	ما	شا	کُ	نا	نِ	بُس	تا	نیم

**نکته:** هر چند به جای دو هجای کوتاه در رکن‌های فَعْلَاتُنْ «U U —» و مُفْتَعِلُنْ «U U —» و مُسْتَفْعِلُ «UU — —» هم این اختیار شاعری دیده شده است و به صورت مَفْعُولُنْ «— — —» در می‌آیند، اما اغلب کاربرد آن در رکن فَعِلُنْ «U U —» است که در پایان مصراع می‌آید و به رکن فَعِلُنْ «— —» تبدیل می‌شود.

در اختیار شاعری قبلی به چند وزنی که این رکن را داشتند، اشاره شد. اکنون اوزان دیگری با این رکن را مشاهده کنید.

مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ      مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
 نه من بر آن گلِ عارض غزل سرایم و بس      که عندلیب تو از هر طرف هزارانند

**توجه:** در این اختیار شاعری، «دو هجای کوتاه»، اصل است که به جای آن یک هجای بلند آمده است و برعکس آن امکان پذیر نیست. یعنی نمی‌توانیم به جای یک هجای بلند، دو هجای کوتاه بیاوریم.

**توجه:** کتاب درسی این اختیار شاعری را مختصّ ارکان «فَعْلُنْ، مُفْتَعْلُنْ، فَعْلَاتُنْ و مُسْتَفْعِلُنْ» می‌داند. در حالی که در وزن رباعی بدون این که این ارکان وجود داشته باشد، این اختیار شاعری وجود دارد.

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش      وز تشنگی‌ات فُرَات در جوش و خروش

پوش	لی	نی	مَت	تَ	ما	غِ	دا	بِ	بِ	کَع	ای
—	—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—
—	U	U	—	—	U	—	U	U	U	—	—
روش	خُ	شُ	جو	دَر	رَا	فُ	یَت	گی	نِ	تِش	وَز

**توجه:** «گی» طبق اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند، به «هجای کوتاه» تبدیل می‌شود.

**توجه:** در بیت زیر نیز که بر وزن «مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَاعِلُنْ» یا «مُسْتَفْعِلُنْ مَفَاعِلُ مُسْتَفْعِلُنْ فَعْلُ» است، این اختیار شاعری دیده می‌شود. البته در این اوزان بسیار نادر و کم است.

ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم      حاجت همیشه پیش کریمان بود روا

ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم													حاجت همیشه پیش کریمان بود روا												
ما بَندِگَانِ حَاجِتمَندِیمُ تُو کَرِیمِ																									
ما	بَن	دِ	گَا	نِ	حَا	جَت	مَن	دِی	مُ	تُ	کَ	رِیم													
—	—	U	—	U	—	—	—	—	U	—	U	—													
مَفْعُولُ				فَاعِلَاتُ				مَفَاعِلُ				فَاعِلُنْ													
—	—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	—													
حَا	جَت	هَ	مِی	شِ	پِی	شِ	کَ	رِی	مَان	بُ	وَد	رَا													
حَاجَتِ هَمِیشِ پِیشِ کَرِیمَانِ بُوَد رَوَا																									

**توجه:** هرگاه تعداد هجاهای دو مصراع با هم برابر نبود، به احتمال ۹۹٪ این اختیار شاعری به کار رفته است.

**نکته:** این اختیار شاعری هم بسیار پرکاربرد است (مخصوصاً در تبدیل فَعْلُنْ به فَعْلُنْ) و ممکن است در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

سعدی در غزل زیر فقط در ۶ مورد از «فَعْلُن» استفاده کرده و در ۱۸ مصراع، طبق اختیار شاعری به جای «فَعْلُن»، «فَعْلُن» آورده است. همچنین اگر به اول هر دو مصراع دقت کنیم، با وجود اینکه اصل وزن «فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ» است ولی شاعر فقط در ۲ مصراع «فَعْلَاتُنْ» آورده است و در ۲۲ مصراع «فَاعِلَاتُنْ» آورده است.

ما گدایان خیل سلطانیم	شهر بند هوای جانانیم
بنده را نام خویشتن نبُود	هر چه ما را لقب دهند آنیم
گر برانند و گر ببخشایند	ره به جای دگر نمی‌دانیم
چون دلارام می‌زند شمشیر	سر ببازیم و رخ نگردانیم
دوستان در هوای صحبتِ یار	زر فشانند و ما سر افشانیم
مر خداوند عقل و دانش را	عیب ما گو مکن که نادانیم
هر گلی نو که در جهان آید	ما به عشقش هزار دستانیم
تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند	ما تماشاکنان بستانیم
تو به سیمای شخص می‌نگری	ما در آثار صنع حیرانیم
هر چه گفتیم جز حکایتِ دوست	در همه عمر، از آن پشیمانیم
سعدیا بی وجود صحبتِ یار	همه عالم به هیچ نستانیم
ترک جان عزیز بتوان گفت	ترک یار عزیز نتوانیم

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.



**(د) قلب:**

آوردن یک هجای کوتاه و یک هجای بلند به صورت برعکس در مصراع دیگر. این اختیار دو سویه است. یعنی می‌تواند بر عکس باشد. ( U - ⇔ - U )

کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

کیست	ک	پی	غا	م	مَن	ب	شَه	ر	شِر	وان	ب	رَد
U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
یک	س	خ	نَز	مَن	ب	دان	مَر	د	س	خَن	دان	رَد

وزن این شعر «مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در مصراع اول به جای مُفْتَعِلُنْ « - UU - »، مَفَاعِلُنْ « U - U - » آورده است.

**نکته مهم:** این اختیار شاعری از اختیارات شاعری بسیار کم کاربرد است و معمولاً در مُفْتَعِلُنْ « - UU - » و مَفَاعِلُنْ « U - U - » دیده می‌شود. و به جای هر کدام، دیگری را می‌توان آورد. (در اوزان رباعی نیز این اختیار شاعری پرکاربرد است).

**نکته مهم:** اختلاف هجایی دو مصراع را - چه کمی و چه کیفی - زمانی با اختیارات شاعری بررسی می‌کنیم که از مراحل قبل کاملاً مطمئن باشیم. از درست خواندن، درست نوشتن (خط عروضی)، تقطیع هجایی و تقسیم به ارکان، مطمئن باشیم.

**نکته:** اوزان شعر فارسی به گونه‌ای است که معمولاً بیش از ۲ هجای کوتاه و بیش از ۳ هجای بلند کنار هم نمی‌آید، پس اگر غیر از این دیدیم به احتمال زیاد اختیار شاعری داریم. (البته اگر درست تقطیع کرده باشیم!)

**توجه:** فقط در وسط دو وزن «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ» و «مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ»، به ترتیب ۵ و ۴ هجای بلند می‌آید.

**نکته:** فقط در دو سه وزن، تعداد هجای کوتاه و بلند برابر یا تقریباً برابر است. در بسیاری از اوزان نسبت هجای بلند به هجای کوتاه دو یا سه برابر است. در این اوزان احتمال اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه وجود دارد.

**نکته‌ی بسیار مهم:** گفتیم ممکن است در دو هجای مقابل هم، در هر دو مصراع اختیار شاعری وجود داشته باشد. ممکن است در هر دو مصراع به جای فَعَلَاتُنْ اَوَّل، فَاعِلَاتُنْ آمده باشد، در هر دو مصراع به جای فَعِلُنْ، فَعْلُنْ آمده باشد، در هر دو مصراع به جای هجای بلند پایان مصراع، هجای کوتاه یا کشیده آمده باشد، ممکن است در هر دو مصراع به جای مَفَاعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ آمده باشد (یا برعکس) و به طور کلی ممکن است در هر دو مصراع، در دو هجای رو به روی هم، به جای هجای کوتاه، هجای بلند آمده باشد (و یا برعکس). در این صورت به دلیل عدم اختلاف در دو مصراع، تشخیص وجود اختیار شاعری بسیار دشوار می‌شود، پس بهتر است علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌رو، به ارکان دیگر هم نظر داشته باشیم و اوزان را هم بشناسیم تا در صورت مغایرت با آن‌ها، متوجه وجود اختیار شاعری بشویم.

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست  
ببرد قیمت سرو بلند بالا را  
مرداد خویش دگر باره من نخواهم خواست  
شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم  
جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی  
تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی  
دیدار یار نا متناسب جهتم است  
دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم  
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما  
یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد  
وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است  
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه  
این بود وفاداری و عهد تو ندیده  
از همه باز آمدیم و با تو نشستیم

سرو نباشد به اعتدال محمد  
و این نه تبسم که معجزه است و کرامت  
دیو چو بیرون رود فرشته درآید  
چندین به مفارقت مرنجانم  
بی روی تو می برد به زندانم  
ز آن جمع به در بود پریشانی  
آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت  
دیدم که چگونه گور بهرام گرفت  
ناگه برود ز تن روان پاکت  
بی باده کشید بار تن نتوانم  
در بند سر زلف نگاری بوده است  
بِه زانچه فروشد چه خواهند خرید  
من می گویم که آب انگور خوش است  
چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

۹۴ - خیال روی تو در هر طریق همزه ماست  
۹۵ - تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو  
۹۶ - اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست  
۹۷ - به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم  
۹۸ - ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی  
۹۹ - سَلِّ الْمَصَّانِعَ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفُلُوتِ  
۱۰۰ - یارا بهشت صحبت یاران همدم است  
۱۰۱ - بگذار تا مقابل روی تو بگذریم  
۱۰۲ - ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی  
۱۰۳ - هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق  
۱۰۴ - دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد  
۱۰۵ - بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است  
۱۰۶ - تا کی به تمنای وصال تو یگانه  
۱۰۷ - ای یار جفا کرده پیوند بریده  
۱۰۸ - ما در خلوت به روی خلق بستیم

۱۰۹ - ماه فرو ماند از جمال محمد  
۱۱۰ - این که تو داری قیامت است نه قامت  
۱۱۱ - خلوت دل نیست جای صحبت اضداد  
۱۱۲ - ای مرهم ریش و موسم جانم  
۱۱۳ - آن کس که مرا به باغ می خواند  
۱۱۴ - جمعی که تو در میان ایشانی  
۱۱۵ - آن قصر که جمشید در او جام گرفت  
۱۱۶ - بهرام که گور می گرفتی همه عمر  
۱۱۷ - ای دل چو زمانه می کند غمناکت  
۱۱۸ - من بی می ناب زیستن نتوانم  
۱۱۹ - این کوزه چو من عاشق زاری بوده است  
۱۲۰ - من در عجبم ز می فروشان کایشان  
۱۲۱ - گویند کسان بهشت با حور خوش است  
۱۲۲ - هست از پس پرده گفت و گوی من و تو

بیت ۹۴ خیال روی تو در هر طریق همره ماست نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست													
خیال روی ت در هر طریق همره ماست													
خ	یا	ل	رو	ی	ت	در	هر	ط	ریق	هم	ر	ه	ماست
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	U	-
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	U	-
ن	سی	م	مو	ی	ت	پی	ون	د	جا	ن	آ	گ	ه
ن	سی	م	مو	ی	ت	پی	ون	د	جا	ن	آ	گ	ه
نسیم موی ت پیوند جان آگه ماست													

بیت ۹۵ تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو ببرد قیمت سرو بلند بالارا													
تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو													
ت	آ	د	رخ	ت	گ	لی	کع	ت	دا	ل	قا	م	ت
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U
												*	*
U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	-	-
ب	بر	د	قی	م	ت	سر	و	ب	نند	با	لا	را	
ب	بر	د	قی	م	ت	سر	و	ب	نند	با	لا	را	
ببرد قیمت سرو بلند بالارا													

بیت ۹۶ اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست													
اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست													
ا	گر	م	را	د	ت	ای	دو	ست	بی	م	را	دی	ی
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U
												*	*
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	-	-
م	را	د	خیش	د	گر	با	ر	من	ن	خا	هم	خاست	
م	را	د	خیش	د	گر	با	ر	من	ن	خا	هم	خاست	
مراد خیش دگر بار من نخواهم خاست													

بیت ۹۷ به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم													
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم													
ب	هو	ش	بو	د	م	زو	ول	ک	دل	ب	کس	ن	س
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U
			*										
U	-	U	U	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U
ش	ما	ی	ل	ت	ب	دی	دم	ن	صبر	ما	د	ن	هو
ش	ما	ی	ل	ت	ب	دی	دم	ن	صبر	ما	د	ن	هو
شمایل ت بدیدم ن صبر ماندن هوشم													

بیت ۹۸															ندامت به حقیقت که در جهان به که مانی															جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی																	
نَدَانَمَتِ بِ حَقِیْقَتِ کِ دَرِ جَهَانِ بِ کِ مَانِی																																															
ن	د	ن	م	ب	ح	ق	ق	ک	د	ج	ه	ب	ک	م	ن	ن	د	ن	م	ب	ح	ق	ق	ک	د	ج	ه	ب	ک	م	ن	ن	د	ن	م	ب	ح	ق	ق	ک	د	ج	ه	ب	ک	م	ن
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	-	U				
ج	ها	ن	هر	چ	د	رو	هست	صو	ر	تن	د	ت	جا	نی	ج	ها	ن	هر	چ	د	رو	هست	صو	ر	تن	د	ت	جا	نی	ج	ها	ن	هر	چ	د	رو	هست	صو	ر	تن	د	ت	جا	نی			
جَهَانُ هَرِ چِ دَرُو هَسْتِ صُورَتِنْدُ تُو جَانِی																																															

بیت ۹۹															سَلِ الْمَصَانِعِ رَكْبًا تَهِيْمُ فِي الْفَلَوَاتِ															تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی																				
سَلِ الْمَصَانِعِ رَكْبَن تَهِيْمُ فِی الْفَلَوَاتِی																																																		
س	ل	م	ص	ن	ع	ر	ک	ب	ن	ت	ه	م	ف	ل	و	ت	س	ل	م	ص	ن	ع	ر	ک	ب	ن	ت	ه	م	ف	ل	و	ت	س	ل	م	ص	ن	ع	ر	ک	ب	ن	ت	ه	م	ف	ل	و	ت
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U										
ت	قد	ر	آ	ب	چ	دا	نی	ک	د	ر	ک	نا	ر	ف	را	تی	ت	قد	ر	آ	ب	چ	دا	نی	ک	د	ر	ک	نا	ر	ف	را	تی	ت	قد	ر	آ	ب	چ	دا	نی	ک	د	ر	ک	نا	ر	ف	را	تی
تُو قَدْرِ آبِ چِ دَانِی کِ دَرِ کِنَارِ فُرَاتِی																																																		

بیت ۱۰۰															یا را بهشت صحبت یاران همدم است															دیدار یار نامتناسب جهنم است														
یا را بهشتِ صُحْبَتِ یارانِ هَمْدَمَسْت																																												
یا	را	ب	ه	ش	ص	ب	ت	یا	را	ن	ه	م	د	م	یا	را	ب	ه	ش	ص	ب	ت	یا	را	ن	ه	م	د	م	یا	را	ب	ه	ش	ص	ب	ت	یا	را	ن	ه	م	د	م
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	U	
دی	دا	ر	یا	ر	نا	م	ت	نا	س	ج	ه	ن	ن	م	دی	دا	ر	یا	ر	نا	م	ت	نا	س	ج	ه	ن	ن	م	دی	دا	ر	یا	ر	نا	م	ت	نا	س	ج	ه	ن	ن	م
دِیدارِ یارِ نَامْتَناسِبِ جَهَنَّمَسْت																																												

بیت ۱۰۱															بگذار تا مقابل روی تو بگذریم															دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم																	
بُغْدارِ تا مُقَابِلِ رُویِ تُو بُغْذَرِیم																																															
ب	گ	د	ا	ر	تا	م	قا	ب	ل	رو	ی	ت	ب	د	ر	ب	گ	د	ا	ر	تا	م	قا	ب	ل	رو	ی	ت	ب	د	ر	ب	گ	د	ا	ر	تا	م	قا	ب	ل	رو	ی	ت	ب	د	ر
-	-	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U								
د	ز	دی	د	ر	ش	ما	ی	ل	خو	ب	ت	ب	گ	ر	د	ز	دی	د	ر	ش	ما	ی	ل	خو	ب	ت	ب	گ	ر	د	ز	دی	د	ر	ش	ما	ی	ل	خو	ب	ت	ب	گ	ر			
دُزْدِیدِ دَرِ شَمائِلِ خُوبِ تُو بِنِگَرِیم																																															

بیت ۱۰۲													ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی		تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	
ای بی خبر بکوش کِ صاحبِ خَبرِ شوی																
ای	بی	خَ	بَر	بِ	کو	ش	کِ	صا	جِب	خَ	بَر	شَ	وی			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
						*	*									
—	—	U	—	U	—	—	—	—	—	U	—	U	—	—		
تا	را	ه	رُو	نَ	با	شی	کی	را	ه	بَر	شَ	وی				
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی																

بیت ۱۰۳													هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق		ثبت است بر جریده عالم دوام ما	
هَرگِزِ نَمِیرَدانِ کِ دِلشِ زَنَدِ شُدِ بِ عِشَق																
هَر	گِز	نَ	مِی	رَ	دَا	کِ	دِ	لِش	زِن	دِ	شُد	بِ	عِشَق			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
ثَب	تَسْت	بَر	جَ	رِی	دِ	یِ	عَا	لَم	دَا	وَا	مِ	مَا				
ثَبْتَسْتِ بَرِ جَرِیدِیِ عَالَمِ دَوَامِ مَا																

بیت ۱۰۴													دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد		یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد	
دَلبَرِ بَرَفَتُ دِلشَدِگِرا را خَبرِ نَکَرَد																
دِل	بَر	بِ	رَف	تُ	دِل	شَ	دِ	گَا	رَا	خَ	بَر	نَ	کَرَد			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
								*								
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
یا	دِ	حَ	رِی	فِ	شَهِ	رُ	رَ	فِی	قِ	سَا	فَر	نَ	کَرَد			
یادِ حَرِیفِ شَهِرِ رَفِیقِ سَفَرِ نَکَرَد																

بیت ۱۰۵													بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است		وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است	
بِی مِهرِ رَخْتِ رُوزِ مَرا نَورِ نَمَانَدَسْت																
بِی	مِهر	رِ	رُ	خَت	رُ	زِ	مَ	رَا	نُ	رَ	نَ	مَا	دَسْت			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
وَز	عُمَر	مَ	رَا	جُز	شَ	بِ	دِی	جُ	رَ	نَ	مَا	دَسْت				
وَزِ عُمَرِ مَرا جُزِ شَبِ دِیجُورِ نَمَانَدَسْت																

بیت ۱۰۶													تا کی به تمنای وصال تو یگانه		اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه	
تا کی ب تمنای وصال تو یگان																
تا	کی	ب	ت	مَن	نا	ی	و	صا	ل	ت	ی	گا	ن			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	U	U	—	—	—	—		
									*							
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		
آش	گم	ش	و	دز	هر	م	ژ	چُن	سِیل	ر	وا	ن				
آشکم شودز هر مژ چُن سیل روان																

بیت ۱۰۷													ای یار جفا کرده پیوند بریده		این بود وفاداری و عهد تو ندیده	
ای یار جفا کردی پیوند برید																
ای	یا	ر	ج	فا	گر	د	ی	پی	وَنَد	ب	ری	د				
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		
									*							
—	—	U	U	U	—	U	—	—	—	U	U	—	—	—		
ای	بو	د	و	فا	دا	ری	ی	عَه	د	ت	ن	دی	د			
ای بود وفاداری ی عهدت ندید																

بیت ۱۰۸													مادر خلوت به روی خلق بستیم		از همه باز آمدیم و با تو نشستیم	
ما در خلوت ب روی خلق بستیم																
ما	د	ر	خَل	وَت	ب	رو	ی	خَلق	ب	بَس	تیم					
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
از	ه	م	با	زا	م	دی	م	با	ت	ن	شَس	تیم				
از هم باز آمدیم با تو نشستیم																

بیت ۱۰۹													ماه فرو مانند از جمال محمد		سرو نباشد به اعتدال محمد	
ماه فرو مانند از جمال محمد																
ما	ه	ف	رو	ما	ن	دز	ج	ما	ل	م	حَم	مَد				
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
سَر	و	ن	با	شد	ب	اع	ت	دا	ل	م	حَم	مَد				
سرو نباشد ب اعتدال محمد																

بیت ۱۱۰ این که تو داری قیامت است نه قامت و این نه تبسم که معجزه است و کرامت												
این ک ت داری قیامت است ن قامت												
مَت	قا	نَ	تَسْت		مُ	یا	قِ	ری	دا	تُ	کِ	ای
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
مَت	را	کَ	تُ	زَس	ج	مُع	کِ	سُم	بَس	تَ	نَ	وی
وین ن تبسسُم ک معجزست کرامت												

بیت ۱۱۱ خلوت دل نیست جای صحبت اعداد دیو چو بیرون رود فرشته درآید												
خلوت دل نیست جای صحبت اعداد												
داد	أَص	تِ	بَ	صَح	یِ	جا	نیست		دِل	تِ	وَ	خَل
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
یَد	را	دَ	تِ	رِش	فِ	وَد	رَ	رو	بِی	چُ	دیو	
دیو چ بیرون رود فرشت درآید												

بیت ۱۱۲ ای مرهم ریش و مونس جانم چندین به مفارقت مرجانم												
ای مرهم ریش مونس جانم												
نَم	جا	سِ	نِ	مُو	شُ	ری	مِ	هَ	مَر	ای		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
نَم	جا	رَن	مَ	قَت	رِ	فا	مُ	بِ	دی	چَن		
چندین ب مفارقت مرجانم												

بیت ۱۱۳ آن کس که مرا به باغ می خواند بی روح تو می برد به زندانم												
آن کس ک مرا ب باغ می خاند												
نَد	خا	می	غ	با	بِ	را	مَ	کِ	کَس	آ		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
نَم	دا	زِن	بِ	رَد	بَ	می	تُ	یِ	رو	بی		
بی روی ت می برد ب زندانم												

بیت ۱۱۴ جمعی که تو در میان ایشان ز آن جمع به در بود پریشانی										
جمعی ک ت در میان ایشان										
جَم	عی	ک	ت	دَر	م	یا	ن	ای	شا	نی
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
زا	جَمَع	ب	دَر	بَ	وَد	پَ	ری	شا	نی	
زا جَمَع ب در بُود پریشانی										

بیت ۱۱۵ آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت										
آن قصر ک جمشید در او جام گرفت										
آ	قَصْر	ک	جَم	شید	د	رو	جا	م	گ	رِفَت
—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
آ	هُو	بَ	چ	کَر	دُ	رو	بَ	ها	را	م
آهو بچ کرد رو به آرام گرفت										

بیت ۱۱۶ بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت										
بهرام ک گور می گرفت می همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت										
بَهِ	را	م	ک	گو	ر	می	گ	رِف	تی	هَ
—	—	U	U	—	—	U	—	—	—	U
—	—	U	U	—	—	U	—	—	—	U
دی	دی	ک	چ	گو	ن	گو	ر	بَهِ	را	م
دیدی ک چگون گور بهرام گرفت										

بیت ۱۱۷ ای دل چو زمانه می کند غمناکت ناگه برود ز تن روان پاکت										
ای دل چ زمانه می کند غمناکت										
ای	دِل	چُ	زَ	ما	ن	می	کُ	نَد	غَم	نا
—	—	U	U	—	—	U	—	—	—	—
—	—	U	U	—	—	U	—	—	—	—
نا	گَهِ	بِ	رَ	وَد	زِ	تَن	رَ	وا	نِ	پا
ناگه برود ز تن روان پاکت										



بیت ۱۱۸										
من بی می ناب زیستن نتوانم بی باده کشید بار تن نتوانم										
مَن بی می ناب زیستن نتوانم										
مَن	بی	م	ی	نا	ب	زیس	تَن	نَت	وا	نَم
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	—	—	—	—
بی	با	د	ک	شی	د	با	ر	نَت	وا	نَم
بی باده کشید بار تن نتوانم										

بیت ۱۱۹											
این کوزه چو من عاشق زاری بوده است در بند سر زلف نگاری بوده است											
این کوز چ مَن عاشق زاری بودست											
ای	کو	ز	چ	مَن	عا	ش	ق	زا	ری	بو	دست
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
				*							
—	—	U	U	U	—	U	U	—	—	—	—
دَر	بَن	د	س	ر	زُل	ف	ن	گا	ری	بو	دست
دَر بَنَدِ سَرِ زَلْفِ نِگاری بودست											

بیت ۱۲۰											
من در عجبم ز می فروشان کایشان به زانچه فروشد چه خواهند خرید											
مَن دَر عَجَبَم زِ مِی فُروشان کِیشان											
مَن	دَر	ع	ج	بَم	ز	مِی	ف	رو	شان	کی	شان
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
									*	*	
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
بِه	زا	چ	ف	رو	شَنَد	چ	خا	هَنَد	خ	رید	
بِه زان چ فُروشد چِ خاهند خَرید											

بیت ۱۲۱										
گویند کسان بهشت با حور خوش است من می گویم که آب انگور خوش است										
گویند کسا بهشت با حور خُشست										
گو	یَنَد	ک	سا	ب	هِشَت	با	حو	ر	خ	شست
—	—	U	—	U	—	U	—	—	U	—
		*	*							
—	—	—	—	U	—	U	—	—	U	—
مَن	می	گو	یَم	ک	آ	ب	اَن	گو	ر	شست
مَن می گویم کِ آبِ اَنگور خُشست										

بیت ۱۲۲ هست از پس پرده گفت و گوی من و تو چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من												
هَسْتَزِ پَسِ پَرِدِ گُفْتُ گَوِی مَنِ تْ												
هَسْ	تَزْ	پَـ	سِ	پَرِ	دِ	گُفْ	تْ	گَوِ	یِ	مَـ	نْ	تْ
—	—	U	U	—	U	—	U	—	U	U	U	—
						*			*			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
جُنْ	پَرِ	دِ	بَـ	رُفِ	تَدِ	نَـ	تْ	مَـ	نِیِ	یِ	نَـ	مَنِ
جُنْ پَرِدِ بَرُفْتَدِ نَ تْ مَـنِ یِ نَ مَنِ												

۶۳- در مصراع اول ابیات هم‌همی‌گزینه‌ها، به جز بیت‌گزینه‌ی .....، اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه به کار رفته است.

- |                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| سوی گورش هم به پای خویش برود  | رفت خادم وان جوان را پیش برد   |
| زلف او در دست و او را پیش دید | آن جوان آن جا چون ننگ خویش دید |
| تا کدامین چیز بیند آن نگار    | می‌ندانست آن گدای بی‌قرار      |
| مجلسی می‌دید الحق چون نگار    | چون درآمد آن جوان بی‌قرار      |

۶۴- در کدام بیت تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه، رخ نداده است؟

- |                                    |                                  |
|------------------------------------|----------------------------------|
| لمعه‌ی نور آمد از آنش به دست       | ۱) برق وی از وادی موسی بجست      |
| مجروح «لن ترانی» چون خود هزار دارم | ۲) موسی طهور عشقم در وادی تمنا   |
| و آنگاه قرب موسی عمران آرزوست      | ۳) فرعون وار لاف اناالحق همی‌زنی |
| شنید آن چه موسی چنان کم شنید       | ۴) بدید آن چه موسی بجست و ندید   |

۶۵- در کدام بیت از هیچ تغییر کمیت مصوتی استفاده نشده است؟

- |  |   |
|--|---|
| هر جا که بگذرد همه چشمی در او بود      | ۱) ناچار هر که صاحب روی نکو بود           |
| عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک              | ۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک               |
| که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها | ۳) الا یا ایها السّاقی ادر کأساً و ناولها |
| گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی         | ۴) دیشب گله زلفش با باد همی‌گفتم          |

۶۶- در همه ابیات به استثنای بیت .....، اختیار شاعری زبانی «تبدیل مصوت بلند به مصوت کوتاه» صورت گرفته است.

- |                                   |                                       |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| بر شانه تنهایی خود سر بگذارم      | ۱) بگذار اگر این بار سر از خاک برآرم  |
| ناراضی‌ام، اما گله‌ای از تو ندارم | ۲) از حاصل عمر به هدر رفته‌ام ای دوست |
| روزی که تو را نیز به دریا بسپارم  | ۳) ای کشتی جان حوصله کن می‌رسد آن روز |
| تا حبس نفس‌های خودم را بشمارم     | ۴) در سینه‌ام آویخته دستی قفسی را     |

## ۶۷- در کدام گزینه هیچ یک از اختیارات شاعری زبانی وجود ندارد؟

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| در میان لاله و گل آشیانی داشتم      | (۱) یاد آیامی که در گلشن فغانی داشتم      |
| عشق را از اشک حسرت ترجمانی داشتم    | (۲) آتشم بر جان ولی از شکوه لب، خاموش بود |
| پای آن سرو روان اشک روانی داشتم     | (۳) گرد آن شمع طرب می سوختم پروانه وار    |
| چون غبار از شکر، سر بر آستانی داشتم | (۴) چون سرشک شوق بودم خاک بوس درگهی       |

## ۶۸- نوع اختیار زبانی به کار رفته در بیت ..... متفاوت است.

- |                            |                                |
|----------------------------|--------------------------------|
| مـرغ سلیمان چه خبر از سبا؟ | (۱) قافله شب چه شنیدی ز صبح    |
| چند کند صورت بی جان بقا؟   | (۲) گو رمقی پیش نماند از ضعیف  |
| یا سخنی می رود انـدر رضا؟  | (۳) بر سر خشم است هنوز آن حریف |
| روز دگر می شنوم بر ملا     | (۴) هر سحر از عشق دمی می زنم   |

## ۶۹- اختیارات زبانی «حذف همزه، تغییر کمیت مصوّت کوتاه به بلند و تغییر کمیت مصوّت بلند به کوتاه» تماماً در

همه گزینه‌ها وجود دارد؛ به جز. ....

- |   |   |
|---|---|
| یا خود اندر هفت کشور هیچ جایی برنخواست  | (۱) گویی اندر کشور ما برنمی خیزد وفا      |
| من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت | (۲) من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی حاصل |
| که فکری در درون ما از این بهتر نمی گیرد | (۳) بیا ای ساقی گلرخ بیاور باده رنگین     |
| پیش مسیح مائنده و پیش خر گیا            | (۴) الحق سزا گزیدی و حقاً که در خور است   |

## ۷۰- دقیقاً در رکن دوم کدام یک از بیت‌های زیر، اختیار وزنی ابدال به کار رفته است؟

- |                                  |                                     |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| کافر مگر جوی زیان بیننی          | (۱) هر چه داری اگر به عشق دهی       |
| وز آب روان شرمش بر بود روانیش    | (۲) شرمنده شد از باد سحر گلبن عریان |
| آمدنش فرخ و فرخنده باد           | (۳) آمد نوروز هم از بامداد          |
| سوی دلم به سر انگشت امتحان نگشود | (۴) نماند تیری در ترکش قضا که فلک   |

## ۷۱- اختیارات شاعری مقابل کدام بیت درست آمده است؟

- |  |                                    |                                     |
|--|------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- (حذف همزه - ابدال)                                      | دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا    | (۱) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم   |
| ۲- (تغییر کمیت مصوّت - بلند بودن هجای پایان مصرع)          | آن دلبر عیار مرا دید نشان کرد      | (۲) در کوی خرابات مرا عشق کشان کرد  |
| ۳- (بلند بودن هجای پایانی - آوردن فاعلاتین به جای فاعلاتن) | بر زمین شاهراه کشور ما             | (۳) همه نسرین و ارغوان و گلست       |
| ۴- (قلب - تغییر کمیت مصوّت)                                | باغ و گل و ثمار من آرد سوی جان صبا | (۴) بوی سلام یار من لخلخه‌ی بهار من |

۷۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر اختیار شاعری قلب صورت گرفته است؟

- (۱) گفت که خاقانیا روی تو زرفام نیست  
(۲) ز شرم عشق خموشم کجاست گریه شوق؟  
(۳) سینه خاقانی و غم تا نزنند ز وصل دم  
(۴) درون آتش از آنم که آتشین گل من
- گفتم معذور دار زر ننماید به شب  
که با تو شرح دهد مشکلی که من دارم  
دعوی عشق و وصل هم تا ز سگان کیست او  
مرا چو پاره دل در کنار باید و نیست

۷۳- در کدام یک از بیت‌های زیر دو نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

- (الف) بد کردم که به جای تو جفا کردم  
(ب) خلق را چرخ فروبیخت نمی‌بینی  
(پ) به لگد کرد دوصد پاره میان‌هاشان  
(ت) روز با باده و با ناله و تـسـبـیـحـی
- نه نکو کردم دانم که خطا کردم  
خس مانده است همه بر سر پرویزن  
رگ‌هاشان ببرد و استخوان‌هاشان  
شب با مطرب و با باده ریحانی
- (۱) الف - پ  
(۲) ب - ت  
(۳) الف - ت  
(۴) ت - ث

۷۴- هر سه اختیار شاعری «آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن» ، «ابدال» و «تغییر کمیت مصوت» در همه ابیات به جز گزینه ..... آمده است.

- (۱) روی اگر باز کند حلقه سیمین در گوش  
(۲) سر مویی نظر آخر به گرم با ما کن  
(۳) گر منش دوست ندارم همه کس دارد دوست  
(۴) جز به دیدار توأم دیده نمی‌باشد باز
- همه گویند که این ماهی و آن پروینست  
ای که در هر بن موییت دل مسکینست  
تا چه ویسی است که در هر طرف رامینست  
گویی از مهر تو با هر که جهانم کینست

۷۵- تمام اختیارات بیت زیر در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- «درود ای پدر و مادرم، از من بدرود  
(۱) آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن - ابدال - بلند بودن هجای پایانی  
(۲) آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن - حذف همزه - تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند  
(۳) حذف همزه - تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه - ابدال  
(۴) تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند و بلند به کوتاه - حذف همزه - بلند بودن هجای پایانی

۷۶- در کدام بیت اختیار وزنی قلب وجود دارد؟

- (۱) گریه گر سوی مژه راه نیابد مژه را  
(۲) گوهر ذوالفقار او گر نه علی است چون کند  
(۳) هنوز گویندگان هستند اندر عراق  
(۴) منم و راه و رسم تازه گل
- ره سوی گریه کزو نیست گذر بگشاید  
بیشه‌ستان رزم را آتشی و غضنفری  
که قوت ناطقه مدد از ایشان برد  
تا گشایم زبان آتش دل

## فصل نهم: نام‌گذاری اوزان

در نظام قدیم، نام‌گذاری اوزان شعر از مباحث مهم و سخت کنکور بود. با وجود این که در قسمت پاورقی کتاب آمده بود و تأکید کرده بودند که از آن سؤال طرح نمی‌شود، هر ساله ۲ سؤال کنکور و ۲ نمره امتحان نهایی به این مبحث اختصاص داده می‌شد. در کتاب‌های جدید هم به صورت بسیار مختصری به آن اشاره شده است و در کنکور سراسری ۹۸ (در کنکورهای ۹۹ و ۱۴۰۰ به دلیل کرونا از این قسمت سوال نیامد) و در چند امتحان نهایی که از این کتاب طرح گردید، سؤالات بسیار آسانی مطرح شد. با این وجود ممکن است این آسان بودن سؤالات فقط مختص همین سال اول بوده باشد. برای جلوگیری از نوشتن مطالب غیر ضروری، من نیز در حد کتاب و امتحان نهایی و تنها کنکور برگزار شده‌ی آن و در حد همان اوزان همسان - که کتاب درسی نام آن‌ها را آورده است - به این مبحث می‌پردازم.

واحد شعر فارسی مصراع است ولی برای نام‌گذاری، «بیت» واحد و ملاک نام‌گذاری است. هر مصراع شعر فارسی ۲، ۳ یا ۴ رکن دارد. در نتیجه هر بیت ۴، ۶ یا ۸ رکن می‌شود.

شعر فارسی چهار رکن اصلی دارد: فاعلاتن (رَمَل)، مفاعیلن (هَزَج)، مُستَفْعِلن (رَجَز) و فَعولن (مُتَقَارِب)

اگر در یک بیت ۸ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر ..... مَثْمَن سالم

اگر در یک بیت ۶ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر ..... مُسَدَّس سالم

و به ندرت اگر در یک بیت ۴ رکن سالم باشد، وزن آن شعر به این صورت است: بحر ..... مُرَبَّع سالم

در قسمت جای خالی نام رکنی را می‌آوریم که در شعر آمده است.

## به نام اوزان زیر دقت کنید:

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد  
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن: بحر رَمَل مَثْمَن سالم

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود  
 مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن: بحر رَجَز مَثْمَن سالم

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم  
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: بحر هَزَج مَثْمَن سالم

دل من همی داد گفستی گواهی  
 فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن: بحر مُتَقَارِب مَثْمَن سالم

هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر ندارد  
 وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود  
 فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم  
 که باشد مرا روزی از تو جدایی

توجه: همان‌طور که پیش از این خواندیم، ممکن است یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد. در این صورت به جای سالم، محذوف می‌نویسیم.

شعر زیر از چهار بار «فاعلاتن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» درآمده است، لذا نام آن «بحر رَمَل مَثْمَن محذوف» است.

لبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

شعر زیر نیز از چهار بار «فَعُولُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعَل» درآمده است و نام آن «بَحْر مُتَقَارِبِ مُثَمَّن مَحذُوف» است.

چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار  
شعر زیر از سه بار «مَفَاعِلُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِل» در آمده است و چون «مَفَاعِل» با «فَعُولُن» هم وزن است، از «فَعُولُن» استفاده می کنیم که به گوش آشناتر است. لذا وزن بیت زیر «مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن فَعُولُن» می باشد و نام آن «بَحْر هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذُوف» است.

به دریا بنگرم دریا تو بینم  
به صحرا بنگرم صحرا تو بینم  
شعر زیر از سه بار «فَاعِلَاتُن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلُن» در آمده است و نام آن «بَحْر رَمَلِ مُسَدَّسِ مَحذُوف» است.

خوش تر آن باشد که سیر دلبران  
گفته آید در حدیث دیگران  
**نکته:** با توجه به درس نامه بسیار مختصر کتاب و با توجه به اوزان محدود کتاب، قاعدتاً نباید وزنی غیر از این ۸ وزن فوق در کنکور بیاید. در ذیل این ۸ وزن را با دسته بندی متفاوت مشاهده می فرمائید.

۱	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن	بَحْر رَمَلِ مُثَمَّنِ سَالِم
۲	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلُن	بَحْر رَمَلِ مُثَمَّنِ مَحذُوف
۳	فَاعِلَاتُن فَاعِلَاتُن فَاعِلُن	بَحْر رَمَلِ مُسَدَّسِ مَحذُوف
۴	مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن مُسْتَفْعِلُن	بَحْر رَجَزِ مُثَمَّنِ سَالِم
۵	مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن	بَحْر هَزَجِ مُثَمَّنِ سَالِم
۶	مَفَاعِلُن مَفَاعِلُن فَعُولُن	بَحْر هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذُوف
۷	فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن	بَحْر مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ سَالِم
۸	فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعَل	بَحْر مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ مَحذُوف

### آموزش نام گذاری اوزان به روش دیگر

۱- با توجه به این که واحد نام گذاری شعر فارسی، به تبعیت از عروض عربی «بیت» است، تعداد ارکان یک مصراع را می شماریم و آن را ضرب در ۲ می کنیم و با توجه به اینکه کمترین مصراع ۲ رکن و بیشترین مصراع ۴ رکن دارد، تعداد ارکان یک بیت ۴ (مربع)، ۶ (مُسَدَّس) یا ۸ (مُثَمَّن) می باشد.

۲- با توجه به درس نامه کتاب، نام اوزانی را از شما می خواهند که در یک بحر سروده شده باشد. یعنی ابیاتی که وزن همسان دارند. و ارکان آنها یکی از چهار رکن اصلی است.

فَاعِلَاتُن: رَمَل  
مُسْتَفْعِلُن: رَجَز  
مَفَاعِلُن: هَزَج  
فَعُولُن: مُتَقَارِب

۳- اگر رکن پایانی مصراع به همین صورت باشد از لفظ «سالم» در پایان نام وزن استفاده می‌شود.

۴- اگر ارکان پایانی مصراع‌ها یک هجا کمتر از رکن اصلی داشت و به صورت مَحذوف بود، در پایان نام وزن از واژه «مَحذوف» استفاده می‌شود.

فاعِلَاتُن ← فاعِلُن (مَحذوف)    — U — ← — — U —  
 مَفَاعِيْلُن ← فَعُوْلُن (مَحذوف)    — — U ← — — — U  
 فَعُوْلُن ← فَعَل (مَحذوف)         — U ← — — U

**توجه:** مُسْتَفْعِلُن رُكْنِ مَحذوف ندارد.

**\* توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\* توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\* توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

نام‌گذاری مفصل‌تر و حرفه‌ای‌تر (برای مطالعه، این قسمت در کنکور نمی‌آید)

کتاب درسی به نام‌گذاری اوزانی پرداخته است که یا کاملاً از ارکان اصلی هستند (سالم) و یا فقط در رکن پایانی یک هجا حذف شده است (مَحذوف). اما شعر فارسی اوزانی دارد که از ارکانی غیر از ارکان اصلی یا مَحذوف آن‌ها ساخته شده‌اند. به وزن مصراع‌هایی که در ادامه می‌آیند، دقت کنید:

۱	کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۲	الهی سینه‌ای ده آتش افروز	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفَعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۴	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفَعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۵	تا کی به تمنای وصال تو یگانه	مَفَعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۶	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش	مَفَعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفَعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْل

برای نام‌گذاری اوزانی که جزء اوزان همسان نیستند و ارکان مختلفی در آن‌ها به کار رفته است، باید نام هر رکن را بدانیم. چهار رکن فاعِلَاتُنْ (رَمَلْ)، مَفَاعِلُنْ (هَزَجْ)، مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزْ) و فَعُولُنْ (مُتَقَارِبْ)، ارکان اصلی شعر فارسی هستند. با تغییر در هجاهای آن‌ها ارکان دیگری حاصل می‌شود که هر کدام نام مخصوصی دارند.

←	اگر هجای پایانی را حذف کنیم. U — — (فَعُولُنْ)	U — — —
←	اگر هجای پایانی را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — — U (مَفَاعِلُنْ)	U — — —
←	اگر هجای سوم را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — U (مَفَاعِلُنْ)	U — — —
←	اگر هجای اول را حذف کنیم و هجای پایانی را کوتاه کنیم. U — — (مَفَعُولُ)	U — — —
←	اگر دو هجای پایانی را حذف کنیم. U — (فَعْل)	U — — —
←	اگر هجای اول و دو هجای آخر را حذف کنیم. — (فَع)	U — — —

به این رکن‌های حاصل شده از هَزَجْ، «زحافات هَزَجْ» می‌گویند و هر کدام نامی دارند.

ارکان اصلی «فاعلاتن، مستفعلن و فَعُولُنْ» نیز زحافات دارند که در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

زحافات مَفَاعِلُنْ	زحافات فاعِلَاتُنْ	زحافات مُسْتَفْعِلُنْ	زحافات فَعُولُنْ
U — — — مَفَاعِلُنْ: هَزَجْ	U — — فاعِلَاتُنْ: رَمَلْ	U — — مُسْتَفْعِلُنْ: رَجَزْ	U — — فَعُولُنْ: مُتَقَارِبْ
U — — فَعُولُنْ: مَحذوف	U — فاعِلُنْ: مَحذوف	U U — مُفْتَعِلُنْ: مَطْوِيّ	U — فَعْل: مَحذوف
U — — مَفَاعِلُنْ: مَكْفُوف	U — فاعِلَاتُنْ: مَكْفُوف	U — مَفَاعِلُنْ: مَخْبُون	— فَعْلُنْ: أَتْلَمْ
U — مَفَاعِلُنْ: مَقْبُوض	U — فَعْلَاتُنْ: مَخْبُون	— مَفَعُولُنْ: مَقْطُوع	
U — مَفَعُولُنْ: أَخْرَبْ	U — فَعْلَاتُنْ: مَشْكُول		
— مَفَعُولُنْ: أَخْرَمْ	U — فَعِلُنْ: مَخْبُونِ مَحذوف		
U — فَعْل: مَجْبُوب	— فَع: مَنحُور		
— فَع: أَبْتَرْ			



در نام‌گذاری اشعاری که از این زحافات در آن‌ها استفاده شده است، به روش زیر عمل می‌کنیم.

۱- ابتدا رکن اصلی مصراع را تشخیص می‌دهیم. (ارکان اصلی: مفاعیلن، فاعلاتن، مُستفعلن و فعولن)

۲- تعداد رکن هر بیت (مربع، مُسدَس و مُثَمَّن)

۳- آوردن نام زحافات به ترتیب (بدون تکرار)

اوزانی که از رکن مفاعیلن و زحافات آن حاصل می‌شود:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بهر هزج مُثَمَّن سالم
مفاعیلن مفاعیلن فعولن	بهر هزج مُسدَس محذوف
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	بهر هزج مُثَمَّن آخرب مکفوف محذوف
مفعول مفاعیلن فعولن	بهر هزج مُسدَس آخرب مقبوض محذوف
مفعول مفاعیل مفاعیلن فع	بهر هزج مُثَمَّن آخرب مکفوف ابتر
مفعول مفاعیل مفاعیلن فعل	بهر هزج مُثَمَّن آخرب مکفوف محبوب

اوزانی که از رکن فاعلاتن و زحافات آن حاصل می‌شود:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بهر رمل مُثَمَّن سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بهر رمل مُثَمَّن محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بهر رمل مُسدَس محذوف
فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ	بهر رمل مُثَمَّن مخبون
فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعِلْنُ	بهر رمل مُثَمَّن مخبون محذوف
فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعِلْنُ	بهر رمل مُسدَس مخبون محذوف
فَعَلَاتْ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْ فَعَلَاتْنُ	بهر رمل مُثَمَّن مشکول

**توجه:** نام رکن «فَعِلْنُ»، «مُخبون محذوف» است. در موارد فوق چون برای رکن «فَعَلَاتْنُ»، «مُخبون» را نوشته بودیم،

برای «فَعِلْنُ»، فقط «محذوف» را می‌نویسیم.

اوزانی که از رکن مُستفعلن و زحافات آن حاصل می‌شود:

مُستفعلن مُستفعلن مُستفعلن مُستفعلن	بهر رجز مُثَمَّن سالم
مُفتعلن مُفتعلن مُفتعلن مُفتعلن	بهر رجز مُثَمَّن مطوی
مُفتعلن مفاعیلن مُفتعلن مفاعیلن	بهر رجز مُثَمَّن مطوی مخبون

اوزانی که از رکن فعولن و زحافات آن حاصل می‌شود:

فعولن فعولن فعولن فعولن	بهر متقارب مُثَمَّن سالم
فعولن فعولن فعولن فعل	بهر متقارب مُثَمَّن محذوف
فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ	بهر متقارب مُثَمَّن أثلم

رُکن مَفْعولاتُ ( — — U ) نیز از ارکان اصلی است و در یکی دو وزن از زحافات آن استفاده شده است.

— U — U — فاعلات: مطوی

— U — فاعلن: مطوی مکشوف

— فَع: منجور

اکنون که زحافات ارکان اصلی را آموختیم، تا این جا می‌توانیم اوزان را در سه دسته جای بدهیم.

۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.

۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن محذوف آن هستند.

۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.

اکنون به وزن مصراع‌های زیر دقت کنید:

مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلُ فاعِلن	ما بی‌غمانِ مستِ دل از دست داده‌ایم	۱
مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلن	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	۲
مَفْعولُ فاعِلاتن مَفْعولُ فاعِلاتن	با دوستانِ مروت با دشمنان مدارا	۳
فَعلاتن مَفاعِلن فَعلن	ما گدایان خیل سلطانیم	۴
مَفاعِلن فَعلاتن مَفاعِلن فَعلاتن	چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید	۵
مَفاعِلن فَعلاتن مَفاعِلن فَعلن	بیا بیا که مرا با تو ماجرای هست	۶
مُفْتَعِلن فاعِلاتُ مُفْتَعِلن فَع	عشق محمد بس است و آل محمد	۷
مُفْتَعِلن فاعِلن مُفْتَعِلن فاعِلن	زاهد خلوت نشین، دوش به میخانه شد	۸
مُفْتَعِلن مُفْتَعِلن فاعِلن	قصه عشقم همه عالم گرفت	۹

با کمی دقت در این اوزان درمی‌یابیم که این اوزان در سه دسته فوق جای ندارند و این‌ها اوزانی هستند که از زحافات

۲ رکن اصلی حاصل شده‌اند. مثلاً «مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلن» هم از زحافات «مَفاعِلن» دارد و هم از زحافات

«فاعِلاتن». برای نام‌گذاری این اوزان باید نام ترکیب حاصله از دو رکن را بدانیم. در اوزان خوش‌آوا و معروف این

رکن‌ها با هم ترکیب شده‌اند.

۱- مَفاعِلن + فاعِلاتن: مُضارع

۲- مُسْتَفَعِلن + فاعِلاتن: مُجْتث

۳- مُسْتَفَعِلن مُسْتَفَعِلن مَفْعولات: سَرِیع

۴- فاعِلاتن مُسْتَفَعِلن فاعِلاتن: خَفِیف

۵- مُسْتَفَعِلن مَفْعولات: مُنْسَرِح

۶- فاعِلاتن مُسْتَفَعِلن: غَرِیب

اوزان ترکیبی در شش دسته فوق جای دارند. برای نام‌گذاری آن‌ها به مانند قبل عمل می‌کنیم ولی به جای استفاده از «رمل، هزج، رجز و متقارب» از شش اصطلاح فوق استفاده می‌کنیم.

۱	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُ فَاعِلِنَ	بَحْرُ مُضَارِعِ مَثَمَّنِ أَخْرَبِ مَكْفُوفِ مَحْذُوفِ
۲	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَّفَاعِيلُنَ	بَحْرُ مُضَارِعِ مَثَمَّنِ أَخْرَبِ مَكْفُوفِ
۳	مَفْعُولُ فَاعِلَاتِنَ مَفْعُولُ فَاعِلَاتِنَ	بَحْرُ مُضَارِعِ مَثَمَّنِ أَخْرَبِ
۴	مَفَاعِلُنَ فَعَلَاتِنَ مَفَاعِلُنَ فَعَلَاتِنَ	بَحْرُ مُجْتَثِ مَثَمَّنِ مَخْبُونِ
۵	مَفَاعِلُنَ فَعَلَاتِنَ مَفَاعِلُنَ فَعِلِنَ	بَحْرُ مُجْتَثِ مَثَمَّنِ مَخْبُونِ مَحْذُوفِ
۶	مُفْتَعِلُنَ فَاعِلُنَ مُفْتَعِلُنَ فَاعِلُنَ	بَحْرُ مُنْسَرِحِ مَثَمَّنِ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ
۷	مُفْتَعِلُنَ فَاعِلَاتٍ مُفْتَعِلُنَ فَعِ	بَحْرُ مُنْسَرِحِ مَثَمَّنِ مَطْوِيٍّ مَنَحُورِ
۸	فَعَلَاتِنَ مَفَاعِلُنَ فَعِلِنَ	بَحْرُ خَفِيفِ مُسَدَّسِ مَخْبُونِ مَحْذُوفِ
۹	مُفْتَعِلُنَ مُفْتَعِلُنَ فَاعِلُنَ	بَحْرُ سَرِيعِ مُسَدَّسِ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ

**توجه:** در مورد ۶ «فاعِلِنَ»، «مطوی مکشوف» است.

**اکنون پس از یادگیری اوزان ترکیبی، در می‌یابیم که انواع اوزان چهار دسته‌اند:**

- ۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.
- ۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن محذوف آن هستند.
- ۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.
- ۴- اوزانی که از ۲ رکن اصلی یا زحافات آن‌ها حاصل شده‌اند.

**توجه:** این اصطلاحات، حاصل اتفاقی است که بر سر هر یک از ارکان اعمال می‌شود.

۱	حذف	حذف هجای آخر از رکن‌های فاعِلَاتِنَ، مَّفَاعِيلُنَ، فَعُولُنَ	مَحْذُوفِ
۲	خَبِنَ	تبدیل هجای بلند اول به هجای کوتاه از ارکان فاعِلَاتِنَ و مُسْتَفْعِلُنَ	مَخْبُونِ
۳	كَفَّ	تبدیل هجای بلند آخر به هجای کوتاه در ارکان فاعِلَاتِنَ و مَّفَاعِيلُنَ و مُسْتَفْعِلُنَ	مَكْفُوفِ
۴	شَکَلِ	اعمال خَبِنَ و كَفَّ در یک رکن	مَشْکُولِ
۵	خَرَبَ	تبدیل مَّفَاعِيلُنَ به مَفْعُولُ	أَخْرَبِ
۶	جَبَّ	تبدیل مَّفَاعِيلُنَ به فَعَلُ	مَجْبُوبِ
۷	قَبْضِ	تبدیل مَّفَاعِيلُنَ به مَفَاعِلُنَ	مَقْبُوضِ
۸	خَرَمَ	تبدیل مَّفَاعِيلُنَ به مَفْعُولُنَ	أَخْرَمَ
۹	زَلَّلَ	باقی ماندن فاع از مَّفَاعِيلُنَ	أَزَلَّ
۱۰	بَتَرَ	باقی ماندن فَع از مَّفَاعِيلُنَ	أَبْتَرَ
۱۱	ثَلَمَ	باقی ماندن فَعْلُنَ از فَعُولُنَ	أَثَلَمَ
۱۲	نَحَرَ	باقی ماندن فَع از مَفْعُولَاتُ	مَنَحُورِ
۱۳	طَيَّ	تبدیل مَفْعُولَاتُ به فاعِلَاتُ و مُسْتَفْعِلُنَ به مُفْتَعِلُنَ	مَطْوِيٍّ
۱۴	طَيَّ و كَشَفَ	تبدیل مَفْعُولَاتُ به فاعِلُنَ	مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ
۱۵	قَطَعَ	تبدیل مُسْتَفْعِلُنَ به مَفْعُولُنَ	مَقْطُوعِ

۷۷- نام وزن رو به روی کدام مصراع به تمامی درست است؟

- (۱) عشق هر جا شوید از دل‌ها غبار رنگ را (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
- (۲) همی دارد خمارم در بلاها (هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
- (۳) به عجزی که داری قوی کن میان را (مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
- (۴) ای غافل از رنج هوس آینه پردازی چرا (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)

۷۸- وزن‌های عروضی «رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ - هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ - مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ» به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- |   |  |
|---|--|
| چرا خورد باید به بیهوده غم؟             | الف) اگر کار بوده است و رفته قلم           |
| تذرو طرفه من گیرم که چالاکست شاهینم     | ب) نه هر کو نقش نظمی زد کلامش دل‌پذیر افتد |
| دیوانه رسوایی‌ام، تو هر چه می‌خواهی بگو | ج) من عاشق تنهایی‌ام، سرگشته شیدایی‌ام     |
| الف - ج - ب                             | ب - الف - ج                                |

۷۹- نام وزن کدام گزینه در کمانک رو به روی آن نادرست است؟

- |  |   |
|--|---|
| که در او عقل کس بدید آید (رَمَلٌ)            | ۱) نه از آن حالتیست ای عاقل               |
| پرستیدن دادگر پیشه کن (مُتَقَارِبٌ)          | ۲) ز روز گذر کردن اندیشه کن               |
| خوابی خیالی چستی؟ اشکی بگو، آهی بگو (رَجَزٌ) | ۳) با من بگو تا کیستی؟ مهری بگو، ماهی بگو |
| جوابش هم به نکته باز می‌داد (هَزَجٌ)         | ۴) به هر نغمه که خسرو ساز می‌داد          |

۸۰- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست است؟

- «چون کمان در بازو آرد سرو قدّ سیم‌تن  
آرزویم می‌کند کاماج باشم تیر را»
- ۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
  - ۲) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
  - ۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
  - ۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)

۸۱- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد  
یا مگس را پر ببندد یا عسل را سر ببوشد»
- ۱) فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
  - ۲) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
  - ۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
  - ۴) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)

۸۲- نام وزن کدام بیت «هَزَجْ مُسَدَّسْ مَحذُوف» است؟

- (۱) بشنوید ای دوستان این داستان  
 (۲) خداوندا شبم را روز گردان  
 (۳) هر گلی نو که در جهان آید  
 (۴) مدام مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
- خود حکایت نقد حال ماست آن  
 چو روزم بر جهان پیروز گردان  
 ما به عشقش هزار دستانیم  
 خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

۸۳- کدام بیت در بحر «رَجَزْ مُثَمَّنْ سالم» سروده شده است؟

- (۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست  
 (۲) آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار  
 (۳) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان  
 (۴) ای رستخیز ناگهان وی رحمت بی‌منتها
- حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست  
 هر گیاهی که به نوروز نجنبد حطب است  
 زان همی‌نالد که بر وی زخم بسیار آمدست  
 ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها

۸۴- نام وزن همه بیت‌ها به جز بیت ..... «رَمَلْ مُثَمَّنْ مَحذُوف» است.

- (۱) شب همه شب انتظارِ صبحرویی می‌رود  
 (۲) وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را  
 (۳) یارِ بار افتاده را در کاروان بگذاشتند  
 (۴) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار
- کان صباحت نیست این صبح جهان‌افروز را  
 ساقی بیار آن جام می‌مطرب بزن آن ساز را  
 بی‌وفا یاران که بریستند بار خویش را  
 پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را

۸۵- کدام ابیات به ترتیب در بحر «مُتَقَارِبْ مُثَمَّنْ سالم»، «هَزَجْ مُسَدَّسْ مَحذُوف» و «رَمَلْ مُسَدَّسْ مَحذُوف» سروده شده‌اند؟

- (الف) فرو بریم دست دزد غم را  
 (ب) بگویم مثالی از این عشق سوزان  
 (ج) رو جوان‌مردی کن و رحمت فشان  
 (۱) ب - الف - ج (۲) ب - ج - الف
- که دزدیده است عقل صد زبون را  
 یکی آتشی در نهانم فروزان  
 من به رحمت بس جوان‌مردم تو را  
 (۳) الف - ب - ج (۴) الف - ج - ب

## فصل دهم: قافیه

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ - ردیف ۳ - حروف قافیه (حرف یا حروف اصلی، حرف یا حروف الحاقی، حرف یا حروف مشترک) ۴ - قواعد قافیه ۵ - قافیه درونی ۶ - ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- **قافیه:** واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

هزار جهد بکردم که سرّ عشق بپوشم      نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم  
 به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم      شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم

۲- **ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.

گل بی رخ یار خوش نباشد      بی باده بهار خوش نباشد  
 طرف چمن و طواف بستان      بی لاله‌عذار خوش نباشد

**توجه:** کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

گلاب است گویی به جویش روان      همی زنده گردد ز بویش، روان  
 رونده، صفت فاعلی      روان و روح آدمی

۳- **حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.

ما، در خلوت به روی خلق ببستیم      از همه باز آمدیم و با تو نشستیم  
 «ببستیم» در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.

**توجه:** کتاب‌های نظام جدید توضیحی درباره حروف مشترک قافیه نداده است در حالی که دانستن حروف اصلی و حروف الحاقی بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است که قافیه ممکن است الحاقیاتی داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه شده باشند. مانند شناسه «یم» در بیت فوق.

به مجموع حروف اصلی و حروف الحاقی، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.

به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خود واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند. (حروف اصلی: حروف مشترک منهای حروف الحاقی)

واژه‌های قافیه: ببستیم و نشستیم؛ حروف مشترک «ببستیم» حروف اصلی «ببستیم» و حروف الحاقی «یم».

بیا، بیا که مرا با تو ماجرای هست      بگو اگر گنهی رفت و گر خطایی هست  
 واژه‌های قافیه: ماجرای، خطایی      حروف مشترک: «ایی»

حروف الحاقی: «یی»      حروف اصلی: «ا»

**توجه:** مشخص است اگر واژه‌های قافیه، حرف یا حروف الحاقی نداشته باشند، حروف مشترک و حروف اصلی یکسان خواهند بود.

**۴- قواعد قافیه:** حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه شدن دو واژه، تابع دو قاعده است. (قواعد قافیه، مهمترین قسمت مبحث قافیه است.)

**قاعده ۱:** برای قافیه شدن ۲ واژه، اشتراک چند واج لازم است، ولی طبق «قاعده ۱» هر کدام از مصوت‌های بلند «ا» یا «و» به تنهایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را  
که به لطف پادشاهی، ز نظر مران گدا را

ردیف: «را»

حروف مشترک: «ا»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «ا»

قاعده: ۱

ای چشم تو، دل فریب و جادو  
در چشم تو، خیره، چشم آهو

ردیف: ندارد

حروف مشترک: «و»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «و»

قاعده: ۱

همان‌طور ملاحظه می‌شود. حروف مشترک دو بیت فوق فقط یک واج است.

**قاعده ۲:** یک مصوت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد.

اگر واژه‌های قافیه به مصوت‌های بلند «ا» و «و» (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم‌قافیه شوند.

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم  
دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

ردیف: ندارد

حروف مشترک: «ریم»

حروف الحاقی: «یم»

حروف اصلی: «ر»

قاعده: ۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک «ر» می‌باشد، یعنی یک مصوت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند.

شب فراق که داند که تا سحر چند است؟  
مگر کسی که به زندان عشق، دربند است

ردیف: «است»

حروف مشترک: «ند»

حروف الحاقی: ندارند

حروف اصلی: «ند»

قاعده: ۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک «ند» می‌باشد. یعنی یک مصوت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

**تبصره ۱:** به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها الزامی است.

ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی  
دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

«ا + بی» حروف قافیه: «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «بی» حروف الحاقی.

## حروف الحاقی را بشناسیم:

شناسه‌ها، ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید، -ند) و «ی» آخر بعضی واژه‌های مختوم به «ا» و «و» مثلاً در واژه‌های «خدای»، «جای»، «موی» و «بوی».

**نکته بسیار مهم:** دو واژه قافیه، در صورت داشتن حروف الحاقی باید، الحاقیات مشترکی داشته باشند. مثلاً نمی‌توانیم دو واژه «دستان و مستها» را قافیه کنیم.

**نکته:** در قاعده ۲، مصوّت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوّت می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در مثال زیر مصوّت‌های قافیه‌سازِ واژه‌های قافیه متفاوت است.

سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف <b>منظری</b>	آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم
می‌روی و مقابلی، غایب و در <b>تصویری</b>	گفتم اگر نبینمت، مهر فراموشم شود

**نکته بسیار مهم:** قاعده ۱ و ۲ مربوط به حروف اصلی قافیه است. یعنی پس از جدا کردن حروف الحاقی، حروف مشترک دو واژه قافیه باید طبق یکی از دو قاعده فوق باشد. یکی از غلط‌های بسیار رایج قافیه، زمانی است که شاعر فقط الحاقی‌ها را یکسان آورده و در صورت حذف الحاقیات، دو واژه قافیه حروف مشترک برای قافیه‌شدن را طبق هیچ کدام از دو قاعده قافیه ندارند.

دیدار تو حل مشکلات است	صبر از تو خلاف ممکنات است
در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر	نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر
شب سیاه بدان زلفکان تو ماند	سپید روز به پاکی رخان تو ماند

**نکته:** قافیه مبحثی شنیداری است ولی شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد. لذا هم‌قافیه کردن کلماتی مانند: «عزیز و حسیض» «بساط و حیات» «گناه و مزاح» و ... صحیح نمی‌باشد.

**توجه:** با توجه به اینکه این جزوات در اختیار شاعران و دیگر علاقه‌مندان ادبیات فارسی قرار می‌گیرد، ذکر این نکته ضروری است که؛ در شعر امروز این قافیه خطی گاه رعایت نشده است. ولی برای کنکور و امتحان، قوانین شعر کلاسیک ملاک است نه قوانینی که شعر مدرن و پس‌مدرن به ارمغان آورده‌اند.

## ۵- قافیه درونی: بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند.

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم      دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم

در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «خنده» و «پاینده» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصرع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «زنده» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است.



به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجه کنید.

ای ساربان آهسته ران، کآرام **جانم** می‌رود  
 من مانده‌ام **مه‌جور** از او، بیچاره و **رنجور** از او  
 گفتم به نیرنگ و **فسون**، پنهان کنم ریش **درون**  
 محمل بدار ای **ساروان**، تندی مکن با **کاروان**  
 او می‌رود **دامن‌کشان**، من زهر تنهایی **چشان**  
 و آن دل که با خود داشتم، با **دلستانم** می‌رود  
 گویی که نیشی **دور** از او، در **استخوانم** می‌رود  
 پنهان نمی‌ماند که **خون**، بر **آستانم** می‌رود  
 کز عشق آن سرو **روان**، گویی **روانم** می‌رود  
 دیگر می‌پرس از من **نشان**، کز دل، **نشانم** می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «جانم، دلستانم، استخوانم، آستانم، روانم و نشانم» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیر ضروری را «قافیه درونی» می‌گویند.

**توجه:** کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند.

**۶ - ذوقافیتین:** بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصراع را هم‌قافیه کرده‌اند. این ابیات را «ذوقافیتین» می‌گویند.

گُزید از غنیمت **ظرایف بسی** کزان سان نبیند **طرایف کسی**

برای سالم بودن قافیه بیت فوق، وجود دو واژه‌ی «بسی» و «کسی» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آن‌ها (ظرایف و طرایف) را نیز هم‌قافیه کرده است.

**توجه:** قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصراع‌هاست (یعنی؛ بسی و کسی).

### ۷- قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

از تهی سرشار،

جویبار لحظه‌ها جاری است.

چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ،

دوستان و دشمنان را می‌شناسم **من**

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را **دشمن**

وای، اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن خواهم از او **التجا بردن**

جویبار لحظه‌ها جاری

**نکته بسیار مهم:** همان‌طور گفته شد شاعر نمی‌تواند دو واژه یکسان را در پایان مصراع‌ها به‌عنوان قافیه بیاورد ولی اگر معنای آن دو متفاوت باشد، نه تنها عیب نیست بلکه حسن نیز محسوب می‌شود و آرایه‌ی «جناس تام» می‌سازد.

چنان چون شده، باز جوید **روان**  
روح و روان

خرامان بشد سوی آب **روان**  
رونده، جاری

هر که این آتش ندارد، **نیست باد**  
نابود بشود

آتش است این بانگ و نای و **نیست باد**  
باد نیست

**توجه:** مبحث قافیه نکات بسیار ضروری دیگر دارد ولی چون این جزوه ماهیت کنکوری دارد، و در کتاب نظام جدید آن مطالب نیامده است و به تبع آن در کنکور نیز نباید بیاید، برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان و پرهیز از افزودن مطالب غیر ضروری از آوردن آن‌ها خودداری کردم. علاقمندان به این مبحث می‌توانند در کانال تخصصی بنده این مطالب را پیگیری کنند.

**نکته بسیار مهم:** در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما - به جز موارد بسیار معدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصور می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقت داشت که این واژگان در قدیم تلفظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجه به تلفظ زمان خود، دو واژه را هم‌قافیه کرده است. چنان‌چه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفظ قدیم آن‌ها «شَش» و «خَش» بوده، در شعر زیر هم‌قافیه کرده است.

در آن سالی که ما را بخت، **خوش** بود      ز هجرت شش‌صد و پنجاه و **شش** بود

در بیت زیر نیز تلفظ واژه «خود»، «خَد» می‌باشد و قافیه درست است.

پس پرده بیند عمل‌های **بد**      هم او پرده پوشد به آلائی **خود**

#### ۸۶- الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| (۱) نکونام و صاحب‌دل و حق‌پرست         | خط عارضش خوشتر از خط دست           |
| (۲) مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست | هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست    |
| (۳) چنین است رسم سرای درشت             | گاهی پشت بر زمین، گاهی زمین به پشت |
| (۴) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت        | چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت       |

#### ۸۷- نوع قاعده قافیه در چند بیت به درستی مشخص شده است؟

- |   |   |
|---|---|
| الف حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو، دیوانه شو | و اندر دل آتش درآ، پروانه شو، پروانه شو (قاعده ۲) |
| ب) شب قدر است جسم تو کز او یابند دولت‌ها    | مه بدر است روح تو کز او بشکافت ظلمت‌ها (قاعده ۱)  |
| پ) تا نقش خیال دوست با ماست                 | ما را همه عمر خود تماشااست (قاعده ۱)              |
| ت) الا ای شاه یغمایی، شدم پر شور و شیدایی   | مرا یکتایی ای فرما، دو تا گشتم ز یکتایی (قاعده ۲) |
| ث) خواجه بیا، خواجه بیا، خواجه دگر بار بیا  | دفع مده، دفع مده، ای مه عیار بیا (قاعده ۱)        |
- (۱) دو      (۲) یک      (۳) چهار      (۴) سه

## ۸۸- چند بیت از ابیات زیر، بیش از یک قافیه پایانی دارد؟

- (الف) هر تیر ستم که از کمان جست  
 (ب) از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم  
 (پ) تا چند ز نند نرگس مستت تیرم  
 (ت) گفت او گر ابله‌هم من در ادب  
 (ث) اشکی که همه تگرگ راند بارم  
 (ج) زین سبب بر انبیا رنج و شکست
- (۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) پنج

## ۸۹- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- (۱) چون در بصر خلقی گویی تو پر از زرقی  
 (۲) ذاتت عسل است ای جان گفتت عسلی دیگر  
 (۳) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده  
 (۴) ای شمس شهر ما لطفی به ما نما
- ای آن که تو هم غرقی در خون دل من تر  
 ای عشق تو را در جان هر دم عملی دیگر  
 چون شمع فروزنده تا روز مشین از پا  
 دل خواهد از شما وصف خدایی‌اش

## ۹۰- در همه ابیات قاعده قافیه یکسان است و جناس در بیت وجود دارد، به جز گزینه .....

- (۱) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست  
 (۲) صلاح از ما چه می‌جویی که مستان را صلا گفتیم  
 (۳) سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم  
 (۴) ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو
- سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست  
 به دور نرگس مستت سلامت را دعا گفتیم  
 که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم  
 زینت و تاج نگین از گوهر والای تو

## ۹۱- الگوی قافیه در کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) ما ز یاران چشم یاری داشتیم  
 (۲) آسوده خاطر م که تو در خاطر منی  
 (۳) ما در خلوت به روی خلق بستیم  
 (۴) به غیر آنکه بشد دین و دانش از دستم
- خود غلط بود آن چه می‌پنداشتیم  
 گر تاج می‌فرستی و گر تیغ میزنی  
 از همه باز آمدیم و با تو نشستیم  
 بیا بگو که ز عشقت چه طرف برستم؟

## ۹۲- در کدام گزینه ردیف وجود ندارد؟

- (۱) روز وصل دوست‌داران یاد باد  
 (۲) نشود فاش کسی آنچه میان من و توست  
 (۳) هنوز از دهن بوی شیر آیدش  
 (۴) آتش است این بانگ نای و نیست باد
- یاد باد آن روزگاران یاد باد  
 تا اشارات نظر نامه رسان من و توست  
 همی رای شمشیر و تیر آیدش  
 هر که این آتش ندارد نیست باد

۹۳- همه ابیات به جز بیت گزینه..... دارای قافیه درونی هستند.

- |  |  |
|--|--|
| در سینه دارم یاد او یسا بر زبانم می‌رود        | ۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او  |
| آتش زدی در عود ما نظاره کن در دود ما           | ۲) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما   |
| روضه امید تویی راه ده ای یار مرا               | ۳) حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی        |
| مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ کشت مرا | ۴) رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل |

۹۴- از میان گروه‌واژه‌های زیر چند گروه نمی‌توانند هم قافیه باشند؟

- (موسی - سرا) (سهل - رحل) (سر - مصر) (من - چمن) (دستی - رفتی) (تو - جو) (بیافت - نتافت)  
(دهشت - دشت) (زنده - مرده)

- ۱) پنج      ۲) چهار      ۳) هفت      ۴) شش

۹۵- قاعده قافیه ابیات کدام گزینه با یکدیگر یکسان نیست؟

- |                              |                                   |
|------------------------------|-----------------------------------|
| در آهنگ و در کیسه ابر بلاست  | الف) که آن ترک در جنگ، نر اژدهاست |
| از آن برز و بالا و اورنگ او  | ب) جهان خیره ماند ز فرهنگ او      |
| به یک ره بر آمد ز هر دو غریو | ج) بدیشان نبد ز آتش مهر تیو       |
| که ابر از بخارش به بالا شود  | د) بیابان از آن آب، دریا شود      |
| ترا کین پیشین نایست خواست    | ه) به من داده بودند و بخشیده راست |
- ۱) ب - ج      ۲) ب - د      ۳) الف - د      ۴) ه - ج

۹۶- قاعده قافیه کدام بیت متفاوت است؟

- |                                       |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| گر چه پندارد که آن خود قوت اوست       | ۱) چون کسی کو از مرض گل داشت دوست  |
| پس جهان بی فایده آخر چراست            | ۲) و رسالت را بسی فایده‌هاست       |
| این دوم فانی است و آن اول درست        | ۳) کشت نو کارید بر کشت نخست        |
| بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس | ۴) ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس |

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

## تست جامع عروض و قافیه

۹۷- کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟

- الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم  
ب) تنگ شد از غم دل، جای به من  
ج) مشو تا توانی ز رحمت بری  
د) گدایی که بر خاطرش بند نیست  
ه) خوش آن که نگاهش به سر و پای تو باشد

(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

- ترک است و به چوگان بزند چون گویم  
یک دل و این همه غم وای به من  
که رحمت برنندت چو رحمت بری  
به از پادشاهی که خرسند نیست  
آئینه صفت محو تماشای تو باشد

(۱) ب - ج - د (۲) ب - د - ه (۳) الف - ج - د (۴) الف - ج - ه

۹۸- کدام بیت، براساس قاعده و تبصره «۱» قافیه سروده شده است؟

- (۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود  
(۲) از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه  
(۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی  
(۴) میر من خوش می‌روی کاندلر سر و پا میرمت

(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

- و اندیشه تو از دل و جانم نمی‌رود  
دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه  
در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی  
خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت

۹۹- وزن مصرع زیر با کدام مصرع، یکسان است؟

«گر خون من ز شیشه بریزد به جام او»

- (۱) کار فرو بسته‌ام هیچ گشایش ندید  
(۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه

(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

- (۲) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست  
(۴) آگاهی ز راحت عشاق خسته نیست

۱۰۰- در همه ابیات هر دو اختیار «وزنی و زبانی» وجود دارد، به جز:

- (۱) گره به باد مزن گر چه بر مراد رود  
(۲) حافظ ار آب حیات ازلی می‌خواهی  
(۳) مستم کن آن چنان که ندانم ز بی‌خودی  
(۴) زنه‌ار از آن عبارت شیرین دل‌فریب

(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

- که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت  
منبعش خاک در خلوت درویشان است  
در عرصه خیال که آمد کدام رفت  
گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت

۱۰۱- بیت زیر فاقد کدام «اختیار شاعری» است؟  
«هر که در سایه تو باشد نیست  
روز او را به آفتاب نیاز»  
(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

- (۱) ابدال  
(۲) حذف همزه  
(۳) بلند بودن جای پایان مصراع  
(۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۱۰۲- کدام بیت را «نمی توان» به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کرد؟  
(۱) سپهر با همه بی‌مهریش به مهر آمد  
(۲) گنجینه مهر او در سینه نمی‌گنجد  
(۳) ای خواجه برو بنده آن زهره‌جبین باش  
(۴) شاخ گلی که آبش از جوی دیده دادم  
(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

۱۰۳- کدام بیت «فائد» وزن دوری (همسان دو لختی) است؟  
(۱) تا تو به گلشن آمدی با همه در کشاکش  
(۲) در وادی محبت دانی چه کار کردم  
(۳) تا خیل غمت خیمه زد اندر دل تنگم  
(۴) ای کعبه مقصودم وی قبله آمالم  
(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

۱۰۴- وزن کدام مصراع در مقابل آن «غلط» آمده است؟  
(۱) راز همه کرد افشا ننموده رخ زیبا (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن)  
(۲) نشستیم از سر زلفش ولی به روز سیاهی (مفاعیل فعلاتن مفاعیل فعلاتن)  
(۳) امشب ای زلف سیه سخت پریشان شده‌ای (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعولن)  
(۴) دوش ز دست رقیب ساغر می خورده‌ای (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)  
(علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)

۱۰۵- با توجه به عروض و قافیه کدام گزینه، در مورد رباعی زیر «غلط» ذکر شده است؟ (علوم و فنون داخل ۱۴۰۰)  
«بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز  
گل گفت که آب قدمش خیره مریز  
گفتم که به باغ در شو ای دلبر خیز  
ما دست گلابگر گرفتیم و گریز»

- (۱) ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.  
(۲) در بیت اول از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است.  
(۳) در بیت دوم شاعر دو بار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است.  
(۴) قافیة رباعی بر اساس قاعده «۲» آمده است و حرف روی «ز» است.

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

تا ز ما مشتى گدا کس را به مردم نشمرى (قاعده ۲)  
خواهم که قصيده‌اى بيارايم (قاعده ۲)  
چرا مجارى احوال برخلاف رضاست (قاعده ۱)  
بس دل که از اين سلسله در پاى تو افتاد (قاعده ۱)

۱۰۶- قاعده قافيه در مقابل کدام بيت، «غلط» آمده است؟

(۱) اى برادر بشنوى رمزى و شعر و شاعرى  
(۲) چون من به ره سخن فراز آيم  
(۳) اگر محول حال جهانيان نه قضاست  
(۴) در پاى تو تا زلف چليپاى تو افتاد

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

تويى کينه‌خواه جهاندار نو (قاعده ۱)  
تا شوى با روح صالح خواجه‌تاش (ذوقافيتين)  
تا روز جزا مست ز كيفيت دوشم (ش: حرف روى)  
تهى‌دست و اميدوار آمديم («يم» حروف الحاقى)

۱۰۷- توضيح روبه‌روى کدام بيت، در مورد قافيه درست است؟

(۱) سپه را تو باش اين زمان پيشرو  
(۲) ناقه جسم دلى را بنده باش  
(۳) دوش از در ميخانه کشيدند به دوشم  
(۴) خدايا مقصر به کار آمديم

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

چين زلف مشکين را بر رخ نگارم بين (مستفعل فاعلات فعلن)  
اى دل چو خطش سر زد پيوند از او مگسل (مفعول مفاعيلن مفعول مفاعيلن)  
برخاست ز هر گوشه بلابى به کمينم (مفعول مفاعيلن مفاعيلن فعولن)  
مژگان مردم افکن چشمان کافرش بين (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)

۱۰۸- وزن کدام مصراع، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

(۱) چين زلف مشکين را بر رخ نگارم بين (مستفعل فاعلات فعلن)  
(۲) اى دل چو خطش سر زد پيوند از او مگسل (مفعول مفاعيلن مفعول مفاعيلن)  
(۳) برخاست ز هر گوشه بلابى به کمينم (مفعول مفاعيلن مفاعيلن فعولن)  
(۴) مژگان مردم افکن چشمان کافرش بين (مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن)

۱۰۹- در کدام بيت «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند و ابدال» همگى يافت مى‌شود؟

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

که در اين خيل حصارى به سوارى گيرند  
خاصه رقصى که در آن دست نگارى گيرند  
زين ميان گـر بتوان به که کنارى گيرند  
گر فلکشان بگذارد که قرارى گيرند

(۱) قوت بازوى پرهيز به خوبان مفروش  
(۲) رقص بر شعر نر و ناله ني خوش باشد  
(۳) حافظ ابنای زمان را غم مسکينان نيست  
(۴) خوش گرفتند حريفان سر زلف ساقى

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

که دگر باره ملاقات نه پيدا باشد»

۱۱۰- در بيت زير همه اختيارات شاعرى يافت مى‌شود، به‌جز:

«چون گل و مى دمی از پرده برون آى و درآ»

(۲) ابدال

(۱) قلب

(۴) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

(۳) تغيير کميت مصوت‌ها

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

۲) بگشای روی زیبا ز گناه آن میندیش  
۴) به دامان فلک جایی سزای چون تو گوهر نیست

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود  
که این متاع قلیل است و آن عطای کثیر  
دل و دین می‌برد از دست بدان‌سان که می‌پرس  
ز لعل باده‌فروشت چه عشوه‌ها که خریدم

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

بی‌صوت هزار خوش نباشد  
و آهنگِ بازگشت به راه حجاز کرد  
وز بهر چه گویم نیست با وی نظرم چون هست  
پس تو غم جهان مخور تا ز حیات برخوردار

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

وی کوکبه صبح جلودار جلالتم

(علوم و فنون داخل ۹۹)

از تاب بی‌حسابت وز پیچ بی‌شماره  
جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره‌پاره  
تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره  
ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

۱۱۱- وزن کدام مصراع با مصراع زیر، یکسان است؟

«خیال سرو قدانت به پیشواز آید»

۱) گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است  
۳) جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است

۱۱۲- وزن کدام بیت «دوری» است؟

۱) باز آی و بر چشمم نشین ای دلستان نازنین  
۲) نعیم هر دو جهان پیش عاشقان بجوی  
۳) زاهد از ما به سلامت بگذر کاین می‌لعل  
۴) به شوق چشمه نوشت چه قطره‌ها که فشاندم

۱۱۳- کدام بیت را نمی‌توان به دو شکل، دسته‌بندی هجایی کرد؟

۱) رقصیدن سرو و حالت گل  
۲) این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت  
۳) آخر به چه گویم هست از خود خیرم چون نیست  
۴) آن که غم جهان خورد کی خورد از حیات بر

۱۱۴- با توجه به بیت زیر، از دیدگاه «عروض و قافیه» کدام مورد «نادرست» است؟

«ای ظلمت شیب پرده خورشید جمالت

۱) وزن بیت «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است.

۲) در بیت اختیار شاعری «تغییر کمیت مصوت» وجود دارد.

۳) «جمالت و جلالتم» واژه قافیه و «ت» حرف روی است.

۴) قافیة بیت بر اساس قاعده «۲» و تبصره «۱» آمده است.

۱۱۵- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

۱) ای تاب‌داده گیسو حالی است بر دل من  
۲) آشفتگان عشقت گیرم که جمع گردند  
۳) با این سپاه مژگان از خانه گر درآیی  
۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی



## ۱۱۶- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

(علوم و فنون داخل ۹۹)

- (۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است  
 (۲) اجل ناگهان در کمینم کشد  
 (۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم  
 (۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت
- که پنداری این شعله بر من گل است  
 همان به که آن نازنینم کشد  
 که زنجیر شوق است در گردنم  
 قفا خورد و سودای بیهوده پخت

## ۱۱۷- در همهٔ ابیات حذف «همزه» به چشم می‌خورد؛ به جز:

(علوم و فنون داخل ۹۹)

- (۱) برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس  
 (۲) چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ  
 (۳) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد  
 (۴) به زلف گوی کوه آیین دلبری بگذار
- سزای حور بده رونق پری بشکن  
 تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن  
 تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن  
 به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

## ۱۱۸- وزن بیت زیر، با کدام بیت یکسان است؟

(علوم و فنون داخل ۹۹)

- «فغان که منزل دور و دراز وادی عشق  
 به سیر ماه از محفل مخوان پروانهٔ ما را  
 سیاه در دوجهان باد روی موی سفید  
 به اسیران بلا ملک امان فرمودند  
 نفحات صبح دانی ز چه دوست دارم
- نکرد دل تهی از ناله چون جرس ما را»  
 که می‌گردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما  
 که همچو صبح، گران سنگ ساخت خواب مرا  
 به فقیران گدا گنج سلاطین دادند  
 که به روی دوست ماند کوه برافکند نقابی

## ۱۱۹- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به جز:

(علوم و فنون داخل ۹۹)

- «قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش  
 بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب  
 کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال  
 آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، حذف همزه  
 که در این خیل حصاری به سواری گیرند»

## ۱۲۰- کدام ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

(علوم و فنون داخل ۹۹)

- (الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت  
 (ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم  
 (ج) ای بت دل‌پسند من هر سر موت بند من  
 (د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم  
 (هـ) از بس عرق شرم نشسته است به رویم
- پی آن گوهر یکدانه به دریا زده‌ام  
 روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم  
 کاکل تو کمند من طرهٔ تابدار هم  
 ایمن از وسوسهٔ عقل زیان‌کار شدیم  
 محروم ز نظارهٔ آن روی نکویم
- (۱) الف، ج  
 (۲) الف، هـ  
 (۳) ب، د  
 (۴) ب، هـ

۱۲۱- با توجه به بیت زیر همه موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز: (علوم و فنون داخل ۹۹)

«در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد»

(۱) وزن بیت «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعطن» است.

(۲) در بیت فوق قافیه بر اساس قاعده «۲» آمده است.

(۳) شاعر از اختیارات شاعری «ابدال» و حذف همزه استفاده کرده است.

(۴) در مصراع اول دو بار و در مصراع دوم یکبار، «حذف همزه» صورت گرفته است.

۱۲۲- در بیت زیر، با توجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟ (فنون داخل ۹۹)

«از پای فتادیم چو آمد غم هجران در درد بمردیم چو از دست دوا رفت»

(۱) ده، پنج (۲) ده، شش (۳) یازده، چهار (۴) یازده، پنج

۱۲۳- وزن همه ابیات «دوری» است؛ به جز: (علوم و فنون داخل ۹۹)

(۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او سر نتواند کشید پای ز زنجیر او

(۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای حسن تو جلوه می‌کند وین همه پرده بسته‌ای

(۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی تو بیا ببین که در این غم چه ناخوشم بی تو

(۴) می برزند ز مشرق شمع فلک زبانه ای ساقی صیوحی در ده می شبانه

۱۲۴- در کدام بیت «قاعده قافیه» متفاوت است؟ (علوم و فنون خارج ۹۹)

(۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف واکنی

(۲) اولین گام از سمنند عقل را پی می‌کنی

(۳) زان فشانم اشک در هر رهگذاری

(۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری

دیوانگاه سلسله‌ات را رها کنی

وادی بی‌منت‌های عشق را طی می‌کنی

تا به دامان تو ننشیند غباری

که به هر حلقه آن صد دل مسکین داری

۱۲۵- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟ (علوم و فنون خارج ۹۹)

(۱) کودکی در پیش تابوت پدر

(۲) حیل‌آموزان جگرها سوخته

(۳) فتنه و آشوب و خون‌ریزی مجوی

(۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت

زار می‌نالیید و بر می‌کوفت سر

فعل‌ها و مکرها آموخته

بیش از این شمس تبریزی مگوی

خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

## ۱۲۶- حذفِ همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است؟

(علوم و فنون خارج ۹۹)

- (۱) عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم  
 (۲) ستیزآوری کار اهریمن است  
 (۳) دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح  
 (۴) گویا عزم ندارد که شود روز امشب
- راه می‌گیرم بر آب چشم و دیگر می‌چکد  
 ستیزه به پرخاش آبستن است  
 بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می‌چکد  
 یا درآید ز در آن شمع شب افروز امشب

## ۱۲۷- وزن عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟ (خارج ۹۹)

- (۱) گر مرد رهی با خبر از ناله دل باش  
 (۲) خوشتر از دانه اشکم گهری پیدا نیست  
 (۳) قطع نظر ز دشمن ما کرد چشم دوست  
 (۴) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای

## ۱۲۸- در همه ابیات دو اختیار وزنی «فاعلاتن به جای فعلاتن و ابدال» وجود دارد؛ به جز: (فنون خارج ۹۹)

- (۱) آب رخ پیش ما کسی دارد  
 (۲) اگر آن ابرو است و پیشانی  
 (۳) می‌کند مرغ جان ما پرواز  
 (۴) چه بود گر به ما رساند باد
- که بود خاک آستان شما  
 نکشد هیچ کس کمان شما  
 دم به دم سوی آشیان شما  
 بویی از طرف بوستان شما

## ۱۲۹- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

(علوم و فنون خارج ۹۹)

- (۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی  
 (۲) از سر رشک سوختم زان همه سوزم از درون  
 (۳) سینه خاقانی اگر پاک بشویی از غبار  
 (۴) هم شکری تو هم نمک با تو چه نسبت آب را
- سروی و چون روان شوی عشق هزار لشکری  
 با همه آب ساختی زان همه آبی از تری  
 پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری  
 چند به رغم دوستان دشمن خویش پروری

## ۱۳۰- در بیت زیر همه موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز:

(علوم و فنون خارج ۹۹)

- «نفسم گرفته زین شب در این حصار بشکن»  
 (۱) قافیۀ بیت بر اساس قاعده «۲» آمده است.

(۲) وزن بیت «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن» است.

(۳) طبق اختیارات شاعری در بیت دو بار «همزه» حذف شده است.

(۴) در بیت اختیارات شاعری (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند) یافت می‌شود.

۱۳۱- همه ابیات در وزن همسان دو لختی سروده شده‌اند، به جز:

(علوم و فنون خارج ۹۹)

تا در نظر نیاید زیبا نگار چینم  
در صید نظریازان بگشاده کمینش بین  
این روش تازه را تازه بنا کرده‌ای  
دل‌ها مسخر ساخته کشورستانی را ببین

۱) زان پرده می گشاید دلبند نازنینم  
۲) هر گوشه کمین کرده ابروی کماندارش  
۳) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای  
۴) قامت به ناز افراخته خلقی ز پا انداخته

۱۳۲- دو مصراع کدام بیت، با توجه به اختیارات شاعری از نظر تعداد و نظم هجاها، یکسان نیستند؟

(علوم و فنون خارج ۹۹)

ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت  
همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست  
بسا سرا که در این کارخانه سنگ و سبوست  
اسیر عشق چه تاب شب دراز آرد؟

۱) صبحدم مرغ چمن با گل نخواستگفت  
۲) چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان  
۳) نه من سبکوش این دیر رند سوزم و بس  
۴) ز درد عشق تو دوشم امید صبح نبود

(علوم و فنون داخل ۹۸)

از تو نباشد که نداری نظیر  
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشخند  
نه ز روح است و نه از روحانی است  
غم جان من بیچاره خوردی

۱۳۳- قافیه در همه ابیات درست است به جز:

۱) از همه باشد به حقیقت گزیر  
۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند  
۳) گر چه آتش نیز هم جسمانی است  
۴) تو آنچ از تو سزد گفتمی و کردی

(علوم و فنون داخل ۹۸)

ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم  
بی‌طمع شد ز اشتر آن یار و خویش  
کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد  
هر دو چشم خویش را نیکو بمال

۱۳۴- قافیه در کدام بیت نادرست است؟

۱) من کی‌ام آن را که شرح آن دهم؟  
۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش  
۳) مر مرا اینجا شکایت شکر شد  
۴) می‌نماید مار اندر چشم، مال

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۳۵- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود به جز: ...

مباد ک‌آتش محرومی آب ما ببرد»  
۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند  
۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

«گذار بر ظلمات است خضر راهی کو

۱) ابدال

۳) حذف همزه

۱۳۶- در کدام بیت، اختیار زبانی «تغییر مصوّت کوتاه به بلند و تغییر مصوّت بلند به کوتاه» صورت گرفته است؟

(علوم و فنون داخل ۹۸)

نیست ز روزن دگر روشنی این سرای را  
نیست به سرمه حاجت آن چشم جنون فزای را  
غوطه به زهر می دهد طوطی خوش‌نوای را  
چند پر از نفس دهم آه شکسته پای را

(۱) داغ محبت است و بس خانه‌فروز جان و دل  
(۲) باده عقل‌سوز را داروی بیهوشی مزن  
(۳) آن شکرین لیبی که من ناله از او چو نی کنم  
(۴) سوخت بساط هستیم ریخت بنای طاقتم

(علوم و فنون داخل ۹۸)

من خود ز نظر در قد و بالای تو مستم»

(۲) مَفْعُولُ مَفَاعِيلُ مَفَاعِيلُ فَعُولُنْ  
(۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِيلُنْ فَع

۱۳۷- وزن بیت زیر، کدام است؟

«ای ساقی از آن پیش که مستم کنی از می

(۱) مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ فَع  
(۳) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ فَع

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۳۸- نام وزنِ مقابلِ کدام مصرع، درست است؟

(۱) مرا مهر سیه چشمان زیر سر بیرون نخواهد شد : هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
(۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند : رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ  
(۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی : هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ  
(۴) آشفته خاطر کرده‌ام جمعیت عشاق را : رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۳۹- کدام دو بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

بر که توان نهاد دل تا ز تو واستانمش  
نه صبر در فراقش زین بیشتر توان کرد  
گر به جانان آشنایی از جهان بیگانه باش  
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی

(۴) ج - د

(الف) دست به جان نمی‌رسد تا به تو برفشانمش  
(ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد  
(ج) من نمی‌گویم که عاقل باش یا دیوانه باش  
(د) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست

(۲) الف - ج

(۱) الف - ب

(۳) ب - د

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۴۰- وزن کدام بیت با «تو قدر آب چه دانی که در میان فراتی» یکسان است؟

که من بهشت بدیدم به راستی و درستی  
یکی به سگه صاحب‌عیار ما نرسد  
ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد  
شراب و شاهد شیرین که را زیانی داد

(۱) هر آن کست که ببیند روا بود که بگوید  
(۲) هزار نقد به بازار کاینات آرند  
(۳) اگر روم ز پیش فتنه‌ها برانگیزد  
(۴) برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گوی

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۴۱ - وزن مقابل کدام مصراع درست است؟

- ۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعلاتن فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ
- ۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده‌ام: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
- ۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مفاعِلن فَعَلَاتْنُ مَفَاعِلن فَعَلَاتْنُ
- ۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردان بی حاصل: مفاعِلن مَفَاعِلن مَفَاعِلن فَعولن

(علوم و فنون داخل ۹۸)

۱۴۲ - وزن مصراع‌های زیر، به ترتیب کدام است؟

«صبح خواهد شد / و به این کاسه آب / آسمان هجرت خواهد کرد»

- ۱) فاعلاتن فَع لَن، فَعَلَاتْنُ فَع، فاعلاتن مفعولن فَع
- ۲) فاعلاتن فَع، فَعَلَاتْنُ فَعِلن، فاعلاتن فَعَلَاتْنُ فَع
- ۳) فاعلاتن فَع، فاعلاتن فَع لَن، فاعلاتن فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَع
- ۴) فَعَلَاتْنُ فَع، فَعَلَاتْنُ فَعِلن، فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعِلن

(علوم و فنون خارج ۹۸)

۱۴۳ - در همه ابیات قافیه درست است؛ به جز:

- ۱) خویشتن را عارف و واله گُنی
  - ۲) ناگهان تمثال گرگ هِششته‌ای
  - ۳) گفت یک گوشه است آن باغبان
  - ۴) گر میسر کردن حق ره بُدی
- خاک در چشم مروت می‌زنی  
سر بر آورد از فراز پشته‌ای  
هست اینجا گرگ و او را پاسبان  
هر جهود و گبر از او آگه بُدی

(علوم و فنون خارج ۹۸)

۱۴۴ - در کدام بیت، قافیه «غلط» است؟

- ۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست
  - ۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
  - ۳) سر از گوی صورت به معنی کشید
  - ۴) به نزدیک من شیرو راهزن
- که از بهر مردم به طاعت درست  
که پنداری این شعله بر من گل است  
قلم بر سر حرف دعوی کشید  
به از فاسق پارسا پیرهن

(علوم و فنون خارج ۹۸)

۱۴۵ - در همه ابیات تغییر مصوت بلند به کوتاه وجود دارد؛ به جز:

- ۱) تاتار هجر کرد سیاهی و عنبری
  - ۲) اندر دلم ز غمزه غمّازه فتنه هاست
  - ۳) ساقی و سر دهی ز لب یارم آرزوست
  - ۴) تا سوی گلشن طرب آیم خراب و مست
- زان مشک‌های آهوی تاتارم آرزوست  
فتنه‌نشان جادوی بیمارم آرزوست  
بد مستی‌ای ز نرگس خمّارم آرزوست  
از گلشن وصال تو یک خارم آرزوست

۱۴۶- بیت زیر، فاقد کدام اختیارات شاعری است؟

- «طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق  
(۱) بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه، قلب  
(۳) حذف همزه، بلند بودن هجای پایان مصراع

(علوم و فنون خارج ۹۸)

- به قول مفتی عشقش درست نیست نماز»  
(۲) بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه، ابدال  
(۴) حذف همزه، کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند

۱۴۷- وزن بیت زیر، کدام است؟

- «کنون که کشتی ما در میان موج فتاد  
(۱) مَفَاعِلُنْ فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
(۳) مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

(علوم و فنون خارج ۹۸)

- اگر چنانکه مجال شنا بود غم نیست»  
(۲) مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ  
(۴) مَفَاعِلُنْ فَاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

۱۴۸- وزن واژه‌ی شعر زیر، کدام است؟ «به چه خواهی بردن/ در شبی این همه تاریک پناه» (علوم و فنون خارج ۹۸)

- (۱) فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ - فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ  
(۲) فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ - فَعَلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعِلُنْ  
(۳) فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ - فَاعِلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ  
(۴) فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ - فَاعِلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ

۱۴۹- کدام ابیات، دارای وزن (دُوری) شبیه به یکدیگرند؟

(علوم و فنون خارج ۹۸)

- (الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد  
(ب) ای بوستان خوبی خارم ز بی‌نوایی  
(ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی  
(د) وقتی دل سودایی می‌رفت به بوستان‌ها  
(۱) ج - ب (۲) ب - د (۳) الف - ب (۴) الف - د

۱۵۰- کدام بیت، در وزن «مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟ (علوم و فنون خارج ۹۸)

- (۱) دزدند خودپرستی و خودکامی  
(۲) بس سقف شد خراب و نگشت آسمان خراب  
(۳) خویشتن دیدن و از خود گفتن  
(۴) همیشه بار جفا بردن و نیاسودن

۱۵۱- بحرهای «مُتَقَارِب، رَمَل، رَجَز و هَزَج» به ترتیب، مربوط به کدام ابیات است؟ (علوم و فنون خارج ۹۸)

- (الف) نردبان این جهان ما و منی است  
(ب) مرا نه سر نه سامان آفریدند  
(ج) باز آی و بر چشم نشین ای دلستان نازنین  
(د) جهان را بلندی و پستی تویی  
(۱) ج، ب، د، الف (۲) ج، ب، الف، د (۳) د، الف، ج، ب (۴) د، ب، ج، الف

(علوم و فنون خارج ۹۸)

تا بنگری صفای می‌لعل فام را  
بر در میکده دیدم که مقیم افتاده است  
زانکه در راه غمم جز اشک همراهی نباشد  
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

کاو میزبان نطق است این دیگران عیالش  
بحری که نزل جان فکند پیکر سخاش  
پرده‌ی غنچه می‌درد خنده دلگشای تو  
گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

هر چه کند ز شاهی کس نکند ملامتش  
برداشتن به گفتن بیهوده خروس  
همه صید عقل گیرد، خم زلف چون کمندش  
دست او در گردنم یا خون من درگردنش

۱۵۵- در کدام گزینه، خوشه‌های هجایی بیت «ای قبله‌ی جان کجاست جویم / جانی و به جان هوات جویم» درست آمده است؟

- (۱) \_\_\_ U \_ U \_ U U \_\_\_  
(۲) \_\_\_ U \_ U \_ U U \_\_\_  
(۳) \_\_\_ U \_ U \_ U \_\_\_  
(۴) \_\_\_ U U \_ U \_ U \_

۱۵۶- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فَاعِلُنْ» سروده نشده است؟

- (۱) تنها نه من به دانه خالت مقیدم  
(۲) گر نشد اشتیاق او، غالب صبر و عقل من  
(۳) ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر  
(۴) از در درآمدی و من از خود به در شدم

۱۵۲- کدام بیت، در بحر «رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ» است؟

- (۱) صوفی بیا که آینه صافی است جام را  
(۲) آن که جز کعبه مقامش نبود یاد لب  
(۳) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فرو شد  
(۴) مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست

۱۵۳- کدام بیت، وزن دُوری ندارد؟

- (۱) خاقانی از ثنایت نو ساخت خوان معنی  
(۲) صدری که قدر کان شکند جوهر سخاش  
(۳) تاب بنفشه می‌دهد طره مشکسای تو  
(۴) در کوی نیکنمایی ما را گذر ندادند

۱۵۴- وزن کدام بیت ناهمسان است؟

- (۱) آن که هلاک من همی خواهد و من سلامتش  
(۲) لب برلبی چو چشم خروس ابلهی بود  
(۳) خجل است سرو بستان بر قامت بلندش  
(۴) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دوکار



## ۱۵۷- در کدام گزینه دو بار اختیار شاعری وزنی ابدال صورت گرفته است؟

- (۱) شبی به خواب زدم بوسه بر لبش به خیال  
 (۲) ز چاک پیره‌ن اندام نازکش ماند  
 (۳) بنوش باده که اندر طریقت عشق است  
 (۴) صبا ز روی تو گیرم نقاب بردار
- هنوز بر لب آن شوخ می‌زند تب خال  
 چو عکس برگ گل اندر میان آب، زلال  
 چو شیر مادر خون حرام زاده حلال  
 که راست تاب تماشایت ای بدیع جمال

## ۱۵۸- در کدام گزینه اختیارات شاعری وزنی به کار رفته است؟

- (۱) یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد  
 (۲) غافل است از صورت زیبای او  
 (۳) نبیینی باغبان چون گل بکار  
 (۴) سعدی نظر از رؤیت کوتاه نکند هرگز
- به وداعی دل غم دیده‌ی ما شاد نکرد  
 آن که صورت‌های دیبا می‌کند  
 چه مایه غم خورد تا گل برآرد؟  
 و روی بگردانی در دامن آویزد

## ۱۵۹- در بیت زیر کدام اختیارات شاعری تماماً وجود دارد؟

- «امروز که دستگاه داری و توان  
 حذف همزه - ابدال  
 (۱) حذف همزه - ابدال  
 (۲) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - حذف همزه  
 (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - حذف همزه  
 (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - تبدیل مصوت بلند به کوتاه»
- بیخی که بر سعادت آرد بنشان»  
 (۲) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - ابدال  
 (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - تبدیل مصوت بلند به کوتاه

## ۱۶۰- در کدام گزینه، اختیارات وزنی به کار نرفته است؟

- (۱) آن چنان داده عشق جوش مرا  
 (۲) در خروشم ز شور چون دریا  
 (۳) اگر تو مرد رهی در طریق عشق رضی  
 (۴) بهار عشق دل از دیده مبتلا گردید
- که ز سر رفته عقل و هوش مرا  
 نتوان ساختن خموش مرا  
 ره‌ی ز می‌کده نزدیک‌تر بدان به خدا  
 هر آن وفا که تو بینی بلاست بر سر ما

## ۱۶۱- در کدام مصراع اختیارات شاعری، «بلند تلفظ کردن هجای پایانی» و «حذف همزه»، «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» صورت گرفته است؟

- (۱) مخالفت نکنم آن کنم که فرمان است  
 (۲) که جهل پیش خردمند عذر نادان است  
 (۳) نه آبروی که گر خون دل بخواهی ریخت  
 (۴) هزار سختی اگر بر من آید آسان است

## ۱۶۲- در کدام مصراع اختیار وزنی قلب صورت گرفته است؟

- (۱) دل برگرفت از من بتم یکبارگی  
 (۲) زیرنشین علمت کاینات  
 (۳) دست کسی بر نرسد به شاخ هویت تو  
 (۴) برشوم از نشاط دل وقت سحر به منظره

۱۶۳- در کدام بیت اختیار وزنی ابدال به کار نرفته است؟

- (۱) ما در خطر افتادیم، از عشق چه گوئیم  
(۲) عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست  
(۳) هر چند مه ما را از ما خبری نیست  
(۴) بر تو بدلی نارم دیگر نکنم یاد
- کان جا دل و جان و تن ما را خطری نیست  
وصل لب تو در خور هر بی خبری نیست  
دل برده‌ای از ما دل ما را اثری نیست  
هر چند که آرام تو جز با دگری نیست

۱۶۴- در کدام بیت از همه‌ی اختیارات « تغییر کمیّت مصوّت بلند به کوتاه و کوتاه به بلند، ابدال و اختیار وزنی پایان مصراع » استفاده شده است؟

- (۱) ساقیا می‌بده و غم مخور از دشمن و دوست  
(۲) رسم بدعه‌دی ایّام چو دید ابر بهار  
(۳) گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد  
(۴) مرغ دل باز هوادار کمان‌برویی است
- که به کام دل ما آن بشد و این آمد  
گریه اش بر سمن و لاله و نسرين آمد  
ناله فریادرس عاشق مسکین آمد  
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

۱۶۵- در کدام دو بیت زیر ابدال وجود دارد؟

- (الف) تحفه فرستی ز شعر سوی عراق اینت جهل  
(ب) عنقا بر کرد سر، گفت کز این طایفه  
(ج) ماهم این هفته برون رفت وبه چشمم سالی است  
(د) زلف پُرچین تو مشاطه شبی یاد نکرد
- (۱) الف - د      (۲) ب - ج      (۳) الف - ج      (۴) ب - د
- هیچ کس از زیرکی زیره به کرمان برد  
دست یکی پُرحناست جَعَد یکی پُرخصاب  
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است  
که دو صد خون به دل محرم و بیگانه نکرد

۱۶۶- در کدام بیت یکی از اختیارات شاعری زبانی و وزنی هر کدام دو بار تکرار شده اند؟

- (۱) بلبل با درخت گل گوید چیست در دلت  
(۲) تا گرفتم صنما وصل تو فرخنده به فال  
(۳) گل بخندید و باغ شد پدرام  
(۴) به جانت ای بت شیرین‌دهن که همچون شمع
- این دم در میان بنه نیست کسی تویی و ما  
جز به شادی نسپر دم شب و روز و مه و سال  
ای خوشا این جهان بدین هنگام  
شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

۱۶۷- تعداد اختیار شاعری زبانی به کار رفته در بیت کدام گزینه همانند تعداد اختیار شاعری زبانی در بیت زیر است؟

- « همه شب می‌پزم سودا به بوی نافه‌ی فردا  
(۱) یا رب چه غمزه کرد صراحی که خون خم  
(۲) هزار بلبل دستان‌سرای عاشق را  
(۳) گلبن است آن یا تن نازک‌نهادش یا حریر  
(۴) بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن
- شب سودای سعدی را مگر فردا نمی باشد»  
با نعره های قلقلش اندر گلو بیست  
بباید از تو سخن گفتن دری آموخت  
آهن است آن یا دل نامهربانش یا حجر  
به لعب زهره‌ی چنگی و مریخ سلحشورش

۱۶۸- از اختیار وزنی آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در یکی از مصراع‌های کدام گزینه استفاده نشده است؟

- |  |                                   |
|--|-----------------------------------|
| (۱) دلم رمیده‌ی لولی‌وشی ست شورانگیز     | دروغ‌وعده و قتال‌وضع و رنگ‌آمیز   |
| (۲) فدای پیره‌ن چاک ماهرویان باد         | هزار جامه‌ی تقوا و خرقه‌ی پرهیز   |
| (۳) پیاله بر کفنم بند تا سحرگه حشر       | به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز   |
| (۴) خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد | که تا ز خال تو خاکم شود عبیر‌آمیز |

۱۶۹- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| (۱) گرچه من این جا حدیث از سر جان می‌کنم | نزد تو آن جا سخن از سر و زر می‌رود |
| (۲) دور فلک بر دلم کرد ز جور آن چه کرد   | خوی تو نیز از جفا یاری او می‌کنند  |
| (۳) عقل نه هم‌تای توست کز تو زند لاف عشق | می‌شناسد حریف خیره‌سری می‌کند      |
| (۴) به که ز بهر سخن برنگشاید زبان        | گر نتواند که مرد سخن به پایان برود |

۱۷۰- اختیار وزنی «ابدال» در کدام گزینه به کار نرفته است؟

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| (۱) روزی بس خرم است می‌گیر از بامداد    | داد زمانه بده ایزد داد تو داد        |
| (۲) بنشین خورشیدوار، می‌خور جمشیدوار    | فرخ و امیدوار، چون پسر کیفباد        |
| (۳) مرغ دل‌انگیز گشت باد سمن‌بیز گشت    | بلبل شب‌خیز گشت، کبک گلو برگشاد      |
| (۴) باغ پر از حجله شد، راغ پر از کله شد | دشت پر از دجله شد، کوه پر از مشک ساد |

۱۷۱- اختیارات شاعری زبانی ..... و اختیار وزنی ..... در شعر زیر دیده می‌شود.

«از تهی سرشار/ جویبار لحظه‌ها جاری است/ چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ»

- (۱) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - ابدال
- (۲) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول
- (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - بلند بودن هجای کشیده پایانی
- (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول

۱۷۲- در کدام گزینه شاعری تبدیل مصوت بلند به کوتاه دیده می‌شود؟

- (۱) تو دانی کاین سفر هرگز به سوی آسمان‌ها نیست / سوی بهرام، این جاوید خون‌آشام / سوی این‌ها و آن‌ها نیست
- (۲) به سوی پهن‌دشت بی‌خداوندی است / که با هر جنبش نبضم / هزاران اخترش پژمرده و پرپر به خاک افتند ...
- (۳) من این جا بس دلم تنگ است / و هر سازی که می‌بینم بدآهنگ است / بیا ره‌توشه برداریم ...
- (۴) بیا ره‌توشه برداریم / قدم در راه بگذاریم / کجا؟ هر جا که پیش آید / .....

۱۷۳- وزن کدام شعر نیمایی با دیگر گزینه ها متفاوت است؟

- (۱) پوستینی ژنده دارم من / یادگاری ژنده پیر از روزگارانی غبارآلود / سالخوردی جاودان مانند
- (۲) تا کدامین را تو می خواهی / زین درختستان بار و برگ / مرگ را جستن برای زندگی یا آنک / زندگی کردن برای مرگ
- (۳) باغ ما در طرف سایه دانایی بود / باغ ما جای گره خوردن احساس و گیاه / باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آینه بود
- (۴) خانه خالی بود و خوان بی آب و نان / و آن چه بود آتش دهن سوزی نبود / این شب است آری شبی بس هولناک

۱۷۴- کدام بیت در بحر مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ سروده شده است؟

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| (۱) گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی    | شکنجه صبر ندارم بریز خونم و رستی   |
| (۲) به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد | تو را در این سخن انکار کار ما نرسد |
| (۳) از نظرت کجا رود و برود تو همرهی      | رفت و رها نمی کنی آمد و ره نمی دهی |
| (۴) مگردان سر از دین و از راستی          | که خشم خدا آورد کاستی              |

۱۷۵- کدام بیت در بحر مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ سالم سروده شده است؟

- |                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| (۱) چو کارآگهان کار بایست کردن | چه رسم و رهی بهتر از کردانی؟ |
| (۲) خردمند مردم، هنرپروروند    | که تن پروران از هنر لاغرند   |
| (۳) قناعت توانگر کند مرد را    | خبر کن حریص جهان گدرد را     |
| (۴) چرا پیش خسرو به خواهش روی  | چو یک سو نهادی طمع، خسروی    |

۱۷۶- نام وزن بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

- «برآند خودبینی و جهل و عجب  
که عیب تو را از تو پنهان کنند»
- |                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) مُتَقَارِبِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ | (۲) هَزَجِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ      |
| (۳) هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذُوفِ      | (۴) مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ مَحذُوفِ |

۱۷۷- نام بحر بیت زیر در کدام گزینه ذکر شده است؟

- «چون می روی بی من مرو، ای جان جان بی تن مرو  
وز چشم من بیرون مشو، ای شعله تابان من»
- |                           |                                |
|---------------------------|--------------------------------|
| (۱) رَمَلِ مُثَمَّنِ سالم | (۲) رَجَزِ مُثَمَّنِ سالم      |
| (۳) هَزَجِ مُثَمَّنِ سالم | (۴) مُتَقَارِبِ مُثَمَّنِ سالم |



۱۸۳- نوع قاعده‌ی قافیه در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ..... یکسان است.

- |                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) ساقی به نور باده بر افروز جام ما | ۱) مطرب بگو که کار جهان شد به کار ما  |
| ۲) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست | ۲) سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست |
| ۳) شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست  | ۳) صلا‌ی سرخوشی‌ای صوفیان باده‌پرست   |
| ۴) ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما | ۴) آب روی خوبی از چاه زرخندان شما     |

۱۸۴- تعداد حروف مشترک قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- |  |  |
|--|--|
| ۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است وبس | ۱) خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس |
| ۲) کار همه محبان همچون زر است امشب       | ۲) جان همه حسودان کور و کر است امشب          |
| ۳) آن نفسی که با خودی یار چو خار آیدت    | ۳) وان نفسی که بیخودی یار چه کار آیدت؟       |
| ۴) قبله امروز چو شه‌نشه نیست             | ۴) هر که آید به در بگوره نیست                |

۱۸۵- کدام یک از ابیات زیر «ذوقافیتین» است؟

- |                                 |                                |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ۱) مبادا که تاج از تو گریان شود | ۱) دل انجمن بر تو بگریان شود   |
| ۲) بگفت این و چادر به سر درکشید | ۲) یکی بادی سرد از جگر بر کشید |
| ۳) تو کردار خوب از توانا شناس   | ۳) خرد نیز نزدیکی دانا شناس    |
| ۴) چنان رو که پرسند پاسخ کنی    | ۴) به پاسخ‌گری روز فرسخ کنی    |

۱۸۶- قاعده‌ی قافیه در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه ..... یکسان است.

- |                                       |                                    |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) خطت که درد و داغ تو نو می‌کنند مرا | ۱) جان در بلای عشق گرو می‌کنند مرا |
| ۲) شرع احمد نیست این منزل مرو         | ۲) گر چه دارد او هزاران راهرو      |
| ۳) آن خال سیه از بر آن نرگس جادو      | ۳) چون نافه مشک است جدا گشته ز آهو |
| ۴) چو می خوردی ز خود بیرون مشو تو     | ۴) مر این اسرار کل نیکو شنو تو     |

۱۸۷- بیت کدام گزینه ذوقافیتین است؟

- |                                 |                                  |
|---------------------------------|----------------------------------|
| ۱) خرامان بشد سوی آب روان       | ۱) چونان چون شده باز جوید روان   |
| ۲) ولیکن روانم ز تو سیر نیست    | ۲) دلم چون دل تو به کفشیر نیست   |
| ۳) مکن روز بر خویشتن بر بنفش    | ۳) به بازیچه پنجه مزین بر درفش   |
| ۴) مرا هر چه ملک و سپاهست و گنج | ۴) همی زان توست و تو را زوست خنج |

۱۸۸- قاعده قافیه در همه گزینه‌ها براساس قاعده « ۲ » است به جز:

- (۱) زهی عشق زهی عشق که ما راست خدایا!  
 (۲) من با تو حدیث بی‌زبان می‌گویم  
 (۳) ای یار ما دلدار ما ای عالم اسرار ما  
 (۴) دل من دل من دل من بر تو  
 چه نغز است و چه خوب است و چه زیباست خدایا!  
 وز جمله حاضران عیان می‌گویم  
 ای یوسف دیدار ما ای رونق بازار ما  
 رخ تو رخ تو رخ با فر تو

۱۸۹- وزن کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) روزی از آن جا که فراغی رسید  
 (۲) برزگر آن دانه که می‌پرورد  
 (۳) تا نمودی عارض چون لاله‌ام  
 (۴) راهروی را که امان می‌دهند  
 باد سلیمان به چراغی رسید  
 آید روزی که از او برخوردار  
 همچو بلبل با خروش و ناله‌ام  
 در عدم از دور نشان می‌دهند

۱۹۰- مصراع «کشیدم در برت ناگاه و شد در تاب گیسویت» با کدام گزینه هم‌وزن است؟

- (۱) دارم از لطف ازل جنت فردوس طمع  
 (۲) بدین شکرانه می‌بوسم لب جام  
 (۳) که بر خاکم روان گردی، بگیرد دامنم کردم  
 (۴) که کرد آگه ز راز روزگارم

۱۹۱- وزن همه ابیات به جز بیت گزینه ..... «دوری متناوب» است.

- (۱) نسیم عق ز کوی هوس نمی‌آید  
 (۲) دل من ز تابناکی به شراب ناب مانند  
 (۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین تن من  
 (۴) ای که پس از هلاک من پای نهی به خاک من  
 چرا که بوی گل از خار و خس نمی‌آید  
 نکنند سیاه‌کاری که به آفتاب مانند  
 هر شب ز خونابه دل پر گل بود دامن من  
 از دل خاک بشنوی ناله دردناک من

۱۹۲- وزن همه بیت‌ها، به غیر از بیت ..... «دوری» است.

- (۱) فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان  
 (۲) مرغ دلم طایری است، قدسی عرش آسمان  
 (۳) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن  
 (۴) می‌سوزم از فراق روی از جفا بگردان  
 لب بگشا که می‌دهد لعل لب به مرده جان  
 از قفس آن ملول سیر شده از جهان  
 منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن  
 هجران بلای ما شد یا رب بلا بگردان

۱۹۳- کدام بیت در وزن «دُوری» سروده نشده است؟

- (۱) ای که خدنگ شست تو کرده نشان دل مرا  
(۲) سنبلت ای گل‌گذار بر سر نسرين گذار  
(۳) نه از جمال تو قطع نظر توان کردن  
(۴) هیچ از تو حاصلم نیست دردا که عین خار است
- چو نکنم ز دست تو شکوه به شاه جم‌نشان  
هم طبق گل بیار هم رمق دل ببر  
نه جز خیال تو فکر دگر توان کردن  
در پای گل نشستن وانگه گلی نچیدن

۱۹۴- وزن کدام گزینه از تکرار «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ» پدید آمده است؟

- (۱) گل بر رخ رنگین تو تا لطفِ عرق دید  
(۲) هر کس به تماشایی رفتند به صحرایی  
(۳) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم  
(۴) شبی دل را به تاریکی ز زلفت باز می‌جستم
- در آتش شوق از غم دل غرق گلاب است  
ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی  
که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش؟  
رُخت دیدم و جامی هلالی باز می‌خوردم

۱۹۵- کدام گزینه دربارهٔ سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی نادرست است؟

- (۱) منظور از عاطفه، حالتی روحی-روانی است که شاعر رویداد حادثه‌ای را در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس، همراه سازد.  
(۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است. بدون وزن کمتر می‌توان عواطف را برانگیخت.  
(۳) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود. تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دل‌نشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.  
(۴) وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. وزن امری حسی است و وسیلهٔ ادراک وزن، حواس ماست.

۱۹۶- در بیت کدام گزینه، شاعر، از وزنی ضربی برای بیان محتوایی تعلیمی بهره برده است؟

- (۱) تحمّل چو زهرت نماید نخست  
(۲) بدان تیز زهر آبگون خنجرش  
(۳) ز تنگی چنان شد که چاره نماند  
(۴) سواری چون من پای بر زین نگاشت
- ولی شهید گردد چو در طبع رست  
همی کرد چاک آن کیانی برش  
سپه را همی پود و تاره نماند  
کسی تیغ و گرز مرا برنداشت

۱۹۷- بیت کدام گزینه، از نظر آهنگ و موسیقی (وزن) حالت شادی و نشاط درونی را منتقل می‌کند؟

- (۱) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست  
(۲) ای بر درت خیل و حشم بیرون خرام ای محتشم  
(۳) من چو از تیر توأم بال و پری بخش مرا  
(۴) به خوشی بنواز و به خوبی ببخش
- شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی  
زیرا که سرمست و خوشم زان چشم مست دلربا  
خوش پرد تیر زمانی که کمان برخیزد  
مکن روز را بر دل خویش رخس



۱۹۸- کدام گزینه برای جاهای خالی مناسب است؟

- «اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، ..... است و ..... و ..... ، به انتقال بهتر آن کمک می‌کند.»
- (۱) عاطفه - ادراک وزن و احساس  
(۲) موسیقی - ادراک وزن و آهنگ  
(۳) موسیقی - وزن و آهنگ  
(۴) عاطفه - وزن و آهنگ

۱۹۹- وزن و لحن کدام بیت، حالت شادی و نشاط درونی را به خواننده منتقل نمی‌کند؟

- (۱) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن‌کشان  
(۲) در دو جهان لطیف و خوش همچو امیر ما کجا  
(۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
(۴) ای نفس خرم باد صبا  
بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما  
ابروی او گره نشد گر چه که دید صد خطا  
که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را  
از بر یار آمده‌ای مرحبا

۲۰۰- تقطیع هجایی کدام گزینه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

- (۱) من و دل گر فدا شویم چه باک (- U U / - U - U / - - U U)  
(۲) خوش تقاضا می‌کنی (- U - / - - U -)  
(۳) مرده بدم زنده شدم (- - U - / - U U -)  
(۴) طرف کرم ز کس نبست (- U - U / - U U -)

۲۰۱- تقطیع هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) ای یوسف آخر سوی این یعقوب نابینا بیا: - U - - - U - - - U - - - U - -  
(۲) ببین عذرا و وامق را در آن آتش خلائق را: - - - U - - - U - - - U - - - U  
(۳) برو ای غصّه دمی زحمت خود کوتاه کن: - - - - U U - - U U - - U U  
(۴) چو کوری که در کف عصایی ندارد: - U - - U - - U - - U

۲۰۲- تقطیع هجایی کدام مصراع نادرست آمده است؟

- (۱) چون قلم از ما همین گفتار می‌ماند به جا

چُن	قَ	لَم	أَز	مَآ	هَ	مِیْن	كُف	تَا	ر	مِی	مَآ	نَد	بِ	جَا
-----	----	-----	-----	-----	----	-------	-----	-----	---	-----	-----	-----	----	-----

- (۲) به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت

بِ	طَا	عَت	قُر	بِ	اِی	زَد	مِی	تَ	وَان	یَافَت
----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	----	------	--------

- (۳) با عقل گشتم هم‌سفر یک کوچه راه از بی‌کسی

بَا	عَق	ل	گَش	تَم	هَم	سَ	قُر	پِک	کُو	چَ	رَا	هَز	بِی	کَسِی
-----	-----	---	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	-------

- (۴) تو در جنگ آبی روم من به صلح

تُ	دَر	جَن	گَ	آ	بِی	رَ	وَم	مَن	بِ	صَلِح
----	-----	-----	----	---	-----	----	-----	-----	----	-------

۲۰۳- تعداد هجاهای کشیده در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) مقام عیش میسر نمی‌شود بی رنج  
 (۲) خصم را عقل مقید به تحمل دارد  
 (۳) تا کی ز فراق دوست فریاد کنم  
 (۴) گر تو مرد راه عشقی عشق را کن اختیار
- بلی به حکم بلا بسته‌اند عهد الست  
 سیل را ریگ مسخر به تنزل دارد  
 در فرقت دوست صبر نتوانم کرد  
 نور عرفان در کجا، چون درد عالم‌سوز نیست

۲۰۴- وزن و آهنگ کدام بیت برای بیان حماسی شعر مناسب است؟

- (۱) چند زنی تیر به هر گوشه‌ای  
 (۲) فرستاده آمد به کردار گرد  
 (۳) ذره‌ای کان محو شد در آفتاب  
 (۴) ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟
- غافل از توشه بی‌توشه‌ای  
 شنیده سخن‌ها همه یاد کرد  
 جنگ او بیرون شد از وصف و حساب  
 یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

۲۰۵- هر دو مصراع کدام گزینه، کاملاً به شکل یکسان تقطیع می‌شوند؟

- (الف) آن چنان فرخ شبی دیگر نمی‌بینم به خواب  
 (ب) چون کلیدش را شکستی از که باشد فتح بابت  
 (پ) گفتم که بنما نردبان تا بر روم بر آسمان  
 (ت) طفل بازیگوش آرام از معلم می‌برد  
 (ث) به از صبحی تو خلقان را به هر روز
- (۱) الف، ت (۲) پ، ث (۳) ب، پ (۴) الف، ث

۲۰۶- کدام گزینه با الگوی هجایی «U - - U - - U - - U - -» مطابقت ندارد؟

- (۱) رفیقان چنان عهد صحبت شکستند  
 (۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی  
 (۳) بسی پادشاهی کنم در گدایی  
 (۴) مکش رنج بیهوده خرسند باش

۲۰۷- تقطیع هجایی مقابل کدام مصراع با آن همخوان نیست؟

- (۱) ایمن از سیلی موج است کناری که مراست:  
 (۲) چشم اگر بر منعم افتد هیچ نعمت سهل نیست:  
 (۳) از آفتاب تجربه سنگ آب می‌شود:  
 (۴) هم سیاهی و هم سپیدی چشم:
- U U - - U U - - U U - - U -  
 - U - - - U U - - U - - - U -  
 - U U U - - U - - U - U - -  
 - U U - U - U - - U -

۲۰۸- علامت هجاهای هر مصراع کدام بیت به شکل زیر است؟ ( \_ U \_ U \_ U \_ U \_ U \_ U \_ U )

- (۱) دانی که چنگ و عود چسه تقریر می‌کنند  
پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
- (۲) نه هر که سر بتراشد قلندری داند  
کلاه‌داری و آیین سروری داند
- (۳) نسیم خلد می‌وزد مگر ز جویبارها  
که بوی مشک می‌دهد هوای مرغزارها
- (۴) من و انکار شراب این چه حکایت باشد  
غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد

۲۰۹- در کدام دو گزینه وزن مشترک دیده می‌شود؟

- (الف) رام را گر برگ گل باشد نبیند ویس را (ب) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را  
(ج) آب زنید راه راه هین که نگار می‌رسد (د) گر از جور جانان ننالی رواست  
هـ) هیچ میدانی چرا اشکم ز چشم افتاده است
- (۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) د - ب (۴) ه - الف

۲۱۰- واژه‌های کدام گزینه به ترتیب با کلمات «رحمت، گناه، عشق، اصنام» هم‌وزن هستند؟

- (۱) سرمست، سپاه، مشق، احترام  
(۲) هستی، هزار، دَسْت، دلدار  
(۳) عصمت، نگاه، صادق، اعزام  
(۴) هیبت، همراه، صدق، دیدار

**\*توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تلگرام (@aboozar\_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

**\*توجه:** در تدریس ویدئویی عروض سماعی به طور کامل آموزش داده شده است.

**\*توجه:** می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

پاسخنامه عروض و قافیه

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴

۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴

۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴
۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴

۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴
۱۶۱	۱	۲	۳	۴
۱۶۲	۱	۲	۳	۴
۱۶۳	۱	۲	۳	۴
۱۶۴	۱	۲	۳	۴
۱۶۵	۱	۲	۳	۴
۱۶۶	۱	۲	۳	۴
۱۶۷	۱	۲	۳	۴
۱۶۸	۱	۲	۳	۴
۱۶۹	۱	۲	۳	۴
۱۷۰	۱	۲	۳	۴
۱۷۱	۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱	۲	۳	۴
۱۷۳	۱	۲	۳	۴
۱۷۴	۱	۲	۳	۴
۱۷۵	۱	۲	۳	۴
۱۷۶	۱	۲	۳	۴
۱۷۷	۱	۲	۳	۴
۱۷۸	۱	۲	۳	۴
۱۷۹	۱	۲	۳	۴
۱۸۰	۱	۲	۳	۴
۱۸۱	۱	۲	۳	۴
۱۸۲	۱	۲	۳	۴
۱۸۳	۱	۲	۳	۴
۱۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹۴	۱	۲	۳	۴
۱۹۵	۱	۲	۳	۴
۱۹۶	۱	۲	۳	۴
۱۹۷	۱	۲	۳	۴
۱۹۸	۱	۲	۳	۴
۱۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۰۰	۱	۲	۳	۴

۲۰۱	۱	۲	۳	۴
۲۰۲	۱	۲	۳	۴
۲۰۳	۱	۲	۳	۴
۲۰۴	۱	۲	۳	۴
۲۰۵	۱	۲	۳	۴
۲۰۶	۱	۲	۳	۴
۲۰۷	۱	۲	۳	۴
۲۰۸	۱	۲	۳	۴
۲۰۹	۱	۲	۳	۴
۲۱۰	۱	۲	۳	۴
۲۱۱	۱	۲	۳	۴
۲۱۲	۱	۲	۳	۴
۲۱۳	۱	۲	۳	۴
۲۱۴	۱	۲	۳	۴
۲۱۵	۱	۲	۳	۴
۲۱۶	۱	۲	۳	۴
۲۱۷	۱	۲	۳	۴
۲۱۸	۱	۲	۳	۴
۲۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۲۹	۱	۲	۳	۴
۲۳۰	۱	۲	۳	۴
۲۳۱	۱	۲	۳	۴
۲۳۲	۱	۲	۳	۴
۲۳۳	۱	۲	۳	۴
۲۳۴	۱	۲	۳	۴
۲۳۵	۱	۲	۳	۴
۲۳۶	۱	۲	۳	۴
۲۳۷	۱	۲	۳	۴
۲۳۸	۱	۲	۳	۴
۲۳۹	۱	۲	۳	۴
۲۴۰	۱	۲	۳	۴
۲۴۱	۱	۲	۳	۴
۲۴۲	۱	۲	۳	۴
۲۴۳	۱	۲	۳	۴
۲۴۴	۱	۲	۳	۴
۲۴۵	۱	۲	۳	۴
۲۴۶	۱	۲	۳	۴
۲۴۷	۱	۲	۳	۴
۲۴۸	۱	۲	۳	۴
۲۴۹	۱	۲	۳	۴
۲۵۰	۱	۲	۳	۴